

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: محمدرضا حشمتی
شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
شهین ابروانی، علی اصغر جعفریان،
لیلی محمدحسین، منصور ملک عباسی و
فرزانه نوراللهی
مدیر داخلی: بهناز پورمحمد
ویراستار: جعفر ربانی
طراح گرافیک و جلد: مجید کاظمی
عکاسی جلد: اعظم لاریجانی
تصویرگران: سید میثم موسوی، ابوالفضل
محترمی، جمال رحمتی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۳۲
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰
roshdmag:
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام نگار: moallem@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۵
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۵-۶
شمارگان: ۳۰۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- یادداشت سردبیر / چه؟! / محمدرضا حشمتی ۲
چهل حکمت / انسان شناسی قرآنی / مهدی فیض، نوید خلعتبری ۳
آب / آبیاری بدون آب؟! / سعیده باقری ۶
طراحی آموزشی / خودآگاهی / سیده فاطمه شبیری ۸
تدریس و شوخ طبعی / عواطف در خدمت یادگیری / دونی تامبلین - ترجمه حبیب یوسف زاده ۱۰
نقش معلمان در مدارس دنیا / کلید موفقیت نظام آموزشی ژاپن / دکتر نیره شاه محمدی ۱۴
دنایای نوجوانی / سبک زندگی (قسمت اول) / ریحانه ایزدی ۱۸
حقوق مدرسه‌ای / معلمان و آزمون / احمد مختاریان ۲۲
طنز / قانون جاذبه / رویا صدر ۲۴
تربیت بدنی در مدارس / فقر حرکتی، عادات ناهنجاری زندگی / ابوالفضل مردان پور ۲۶
پنجره کلاس / یک برش لبخند / سعیده اصلاحی ۲۸
گفت و گو / تیمز و پرلز مطالعه هستند نه مسابقه / سمانه آزاد ۳۰
معرفی کتاب / روزهای به دانایی / سعیده اصلاحی ۳۵
داستان / دفتر مشق مچاله / آزاده فخری ۳۶
معلمان بزرگ ایران / زین العابدین مؤتمن / جعفر ربانی ۳۸
یادداشت / پژوهش همگانی، پژوهش نخبگانی / آرش بابایی ۴۰
مقاله / حج عبادت فردی یا جمعی؟! / فرزانه نوراللهی ۴۳
پژوهش / جایگاه معلمان در تیمز / مریم محمد مهدی نوری ۴۶
یادداشت / بیمه / عبدالله آستین ۴۷

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بریک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم افزار word و روی لوح فشرده یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شوند. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.





در دناک‌تر اینکه دانش‌آموزان ما نیز، پس از گذراندن سال‌های دبیرستان و ورود به دانشگاه، به علت عدم آشنایی درست با پژوهش، علاقه‌ای به کارهای پژوهشی از خود نشان نمی‌دهند که حاصل آن وضعیت کنونی است؛ وضعیتی که شاهد پژوهش‌های سطحی، ناکارآمد و حتی کپی‌برداری شده در دانشگاه‌ها هستیم. در واقع، ما در مدارس خود به جای تربیت دانش‌آموز پژوهشگر، براساس روش‌های مناسب و درست، بیشتر مسائل نظری و محفوظات را به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم، این در حالی است که دانش علوم تربیتی می‌گوید دانش‌آموزان در دوران مدرسه قدرت یادگیری بیشتری برای دیدن، شنیدن، درک مطلب و جست‌وجو و تفحص دارند، بنابراین چه خوب است وقت آن‌ها در آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌های مدارس و مجلات صرف پژوهش شود، نه اینکه متأسفانه فقط به حفظ کتاب‌ها و جزوات درسی محدود گردد. ما برای تحقق امر پژوهش نیاز به راه‌های پریپیچ‌وخم نداریم، بلکه فقط و فقط باید به ۸ کلمه کلیدی **چه؟ چرا؟ چگونه؟ کی؟ کجا؟ چند؟ کدام؟** احترام بگذاریم و اجازه دهیم فضای کلاس و بعد خانه ما در لحظه لحظه زندگی با این کلمات همراه شود.

کریم رضا حسینی

هر سال، در آخرین هفته آذرماه، در کشور ما شور و شوق خاصی، به‌ویژه در مراکز دانشگاهی و علمی، به‌دلیل هفته پژوهش برپا می‌شود؛ هرچند در آموزش و پرورش، علی‌رغم تلاش‌هایی که در جهت اشاعه فرهنگ پژوهش انجام می‌گیرد، متأسفانه هنوز نتوانسته‌ایم درباره چیستی، چرایی و چگونگی پژوهش به یک وحدت‌نظر برسیم. عده‌ای از ما (معلمان) پژوهش را ساختن یک وسیله می‌دانیم، عده‌ای روش‌های آموخته‌خودمان در درس روش تحقیق و شیوه نوشتن پایان‌نامه در تحصیلات دانشگاهی را پژوهش می‌دانیم؛ روشی که حتماً باید با طرح مسئله شروع شده و در پایان به یک گزارش پنج فصلی ختم شود. گروهی از ما یافتن مطلب خارج از کتاب را پژوهش می‌نامیم و شاید ما باعث بازار گرمی کافی نت‌های محله شده‌ایم که امروز شاهد خرید و فروش انواع موضوعات پژوهشی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی تا دانشگاهی در آن‌ها هستیم.

آنچه از این آشفته‌بازار حاصل می‌شود این است که ما در آرزوی رسیدن به کوه قاف علم و تحقیق، همچنان اندر پیچ‌وخم کوچه‌های پژوهش سرگردانیم و بدتر اینکه بسیاری مان احساس می‌کنیم سرانجام از همین کوچه‌ها به قله پژوهش خواهیم رسید.



پیشنهاد اول سردبیر
صفحه ۶



پیشنهاد دوم سردبیر
صفحه ۴۰

قرآنی انسان‌شناسی

مهدی فیض
نوید خلعتبری

پیش از این گفته شد که قرآن به ما دو نوع سر نخ برای شناخت انسان ارائه می‌دهد. نخست آیات مکتوب در این کتاب الهی که نیازمند تدبرند، و دیگری آیات عینی، یا سرنخ‌های موجود در جهان پیرامون، که نیازمند تفکرند. نمونه‌هایی از این آیات کتبی و آیات عینی در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد. در هر یک از آیات مطرح شده نکته ظریفی در موضوع شناخت انسان آمده است.

حکمت هفتم

فطرت انسان، کیفیت خلق اختصاصی

ویژه است زیرا به خداوند متصل می‌باشد.
(روم: ۳۰) پس حق‌گرایانه و بدون انحراف،
با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی
آور؛ فطرتی دارنده شرافتی به میزان شرافت خداوند! همه
انسان‌ها براساس همین کیفیت، خلق شده‌اند (و هیچ
تفاوتی از این لحاظ با یکدیگر ندارند) برای خلقت خدا
هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی نیست (و همواره با همه انسان‌ها
همراه است). این است دین استوار؛ ولی بیشتر مردم [به
این حقیقت اصیل] معرفت ندارند.
آیه زیر می‌خواهد فرآیند رسیدن به خلقت ویژه انسان
را نشان دهد. باید توجه داشت که در قرآن، خلق فقط

مهم‌ترین موضوعی که قرآن در مورد
انسان بیان می‌کند، موضوع «فطرت» است. در
لغت، واژه فطرت به معنای کیفیت خلقت اختصاصی
هر موجود است. اما قرآن کریم تعبیر «فطرة الله» را فقط
درباره انسان به کار برده و منظورش کیفیت خلقتی است
که شرافت آن از ناحیه خداوند است. به عبارت دیگر،
انسان شرافتی در حد شرافت خداوند دارد. اگر چه در
آفرینش جمیع موجودات، خداوند همه‌کاره آفرینش است،
اما قرآن در مورد جماد و گیاه و حیوان تعبیر فطرة الله را
به کار نمی‌برد و تنها در مورد انسان از این تعبیر استفاده
می‌کند؛ یعنی انسان موجودی است که شرافت او شرافتی



به معنای ایجاد یک موجود از مرحله عدم نیست؛ بلکه به معنای تبدیل موجودی به موجود دیگر نیز هست.

[کیفیت خلق انسان این مراحل را داشته است:] و یقیناً ما انسان را از [عصاره و] چکیده‌ای از گل آفریدیم، سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاهی استوار [چون رحم مادر] قرار دادیم. (۱۳) آن گاه آن نطفه را علقه [= خون لخته شده] گردانیدیم، پس آن علقه را به صورت پاره گوشتی در آوردیم، پس آن پاره گوشت را استخوان‌هایی ساختیم و بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم، سپس او را با خلقی دیگر ایجاد کردیم [و کار جدیدی کردیم که موجودی جدید ایجاد شد]؛ پس همیشه سودمند و پربرکت است خدا که نیکوترین آفرینندگان است. (۱۴) سوره مؤمنون.

بنابراین برای انسان، خلقی از نوع شبه حیوانی و همچنین

خلقی دیگر وجود دارد. این موجود تبدیل به موجود دیگری شده است که با موجود مراحل قبل کاملاً متفاوت است. خلق حیوان تا قبل از این مرحله اتفاق افتاده است و بعد از این مرحله است، که خداوند به خودش تبریک می‌گوید^۱.

در آیه زیر این ایجاد و خلق دیگر با تعبیری دیگر آمده که توضیح بیشتری می‌دهد: (حجر: ۲۹) پس چون او را درست و نیکو گردانیدم و از روح خود در او دمیدم، برای او سجده‌کنان بیفتید. کلمه «روحي» یعنی روح خودم، به بالاترین مرتبه خداوندی اشاره دارد که هیچ چیزی بالاتر از آن نیست. اکنون باید بررسی کنیم که این فطرت و این نفخه روح الهی در انسان، چه ویژگی‌هایی را برای ما ایجاد کرده است. آنچه در حکمت‌های بعدی عرضه می‌شود، ویژگی‌های اختصاصی انسان و ناشی از فطرت الهی اوست.

حکمت هشتم

انسان حی متألّه نه حیوان ناطق

تا آدمی را با جانوران مشترک سازد، بلکه جنس روح انسان، «حی» است، و به لحاظ همین جنس، آدمی هم‌تای فرشته است؛ بر این اساس نه با مرگ تن جنس او از دست می‌رود و نه هرگز تغییر جنسیت می‌دهد. اما فصل ممیز انسان در فرهنگ قرآن ناشی از «تألّه» او، یعنی خداخواهی مسبوق^۲ به خداشناسی وی، و ذوب او در جریان الوهیت است، بنابراین، برخلاف تعریف رایج در منطق، تمایز انسان از دیگر جانداران در سخنگویی ظاهری او خلاصه نمی‌شود، زیرا وجود آدمی در دو قلمرو عقل نظری و عقل عملی^۳ گسترده و همه‌گزارش‌ها و گرایش‌های او رو به خداست و چیزی جز حقیقت نامحدود و هستی محض و کمال خالص، یعنی ذات اقدس ربوبی (جل و علا) اضطراب او را فرو نمی‌نشانند و از هر کس رشته امید ببرد از آفریدگار خود ناامید نمی‌گردد.

... واقعیت حیات انسان، چیزی جز تألّه و دل‌باختگی به جمال و جلال الهی نیست و هرگونه غبار غیریت‌پذیری (کفر در توحید، نبوت، معاد و...)، با غیرت خداخواهی او منافات دارد، زیرا اعتقاد سره و ایمان ناب، تاب هیچ‌گونه شرک و تعددطلبی را ندارد، به گونه‌ای که اندک گزارشی از غیر خدا و ذره‌ای گرایش به سوی غیر او، مایه پژمردگی روح با طراوت توحیدی و افسردگی جان با نشاط یگانه‌جویی و یکتاپرستی است.^۴ لذا از این پس در تعریف انسان، به جای حیوان ناطق، می‌گوییم «انسان حی متألّه است».

ویژگی نخست انسان، که ناشی از فطرت الهی اوست، این است که حقیقت وی، «حی متألّه» یعنی زنده خداجوی است. معمولاً در منطق برای تعریف هر چیزی، از دو مفهوم کمک می‌گیرند: جنس و فصل. جنس خصوصیت ذاتی‌ای است که در مصادیق دیگر هم وجود دارد و فصل خصوصیت ذاتی‌ای است که در دیگر اشیای نزدیک وجود ندارد و مختص یک موجود است. مثلاً در تعریف رایج و مشهور «انسان حیوان ناطق است» انسان در ویژگی حیوانیت با دیگر حیوانات مشترک است اما یک ویژگی اختصاصی نیز دارد و آن نطق یا ناطق بودن (متفکر و سخنگو بودن) است.

پس با توجه به اینکه قرآن کریم از مرحله جدید در ایجاد انسان سخن گفته، دیگر نمی‌توان انسان را حیوان ناطق (= حیوان متفکر و سخنگو) تعریف کرد. زیرا انسان اصولاً از «جنس» حیوان نیست که بخواهیم او را با خصوصیت «ناطق» بودن، از سایر حیوانات جدا کنیم. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «جنس تعریف آدمی از منظر قرآن، حی [= زنده‌ای که نمی‌میرد] است که تفاوت آن با حیوان، در بقا و عدم نابودی اوست؛ یعنی روح انسان که جنبه اصلی او را تأمین می‌کند، زنده‌ایست چون فرشتگان که هرگز نمی‌میرد و به هیچ‌رو از مدار وجود بیرون نمی‌رود، گرچه بدن او که جنبه فرعی او را تشکیل می‌دهد، از میان می‌رود، و انسان با همین ویژگی از ملائکه جدا می‌شود.

پس آنچه به منزله جنس انسان است، حیوان نیست

حکمت نهم انسان با کرامت و اشرف مخلوقات

بخشیدیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم. (۷۰)

البته باید توجه کرد که انسان دارای کرامت اولیه‌ای است که قابل از دست رفتن می‌باشد؛ یعنی می‌تواند به حدی سرمایه‌های خودش را خراب کند و سقوط نماید که انسانیت خود را به کلی از دست بدهد و به مرتبه حیوان برسد و حتی از آن مرتبه نیز پایین‌تر برود:

آیا گمان می‌کنی بیشتر آنان [یعنی کافران، سخن حق را] می‌شنوند، یا [در حقایق] می‌اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه‌ترند! (فرقان: ۴۴)

تنها انسان است که نسبت به مرتبه کرامت اولیه، هر دو قابلیت صعود و سقوط را داراست. ملائکه، موجوداتی هستند که در سطوح متفاوتی از انسان قرار دارند؛ برخی در مقام بالاتر از انسان‌ها و برخی در مقام پایین‌تر قرار دارند؛ اما مقام هر یک از آن‌ها در همان مرتبه خودش باقی می‌ماند: (سوره صافات) و هیچ یک از ما فرشتگان نیست مگر اینکه برای او مقامی معین است. (۱۶۴) و همانا ما [برای اجرای فرمان خدا] همگی صف بستگانیم. (۱۶۵)

دومین ویژگی اختصاصی انسان که از فطرت وی ناشی می‌شود کرامت اوست. کرامت داشتن یعنی فوق‌العاده بودن. اگر موجودات را رتبه‌بندی کنید، انسان پله بعدی برترین موجودات نیست، بلکه فاصله زیادی با برترین موجود دارد، به گونه‌ای که با سایر موجودات قابل مقایسه نیست. همه انسان‌ها چند سر و گردن از برترین حیوانات بالاترند، و البته پس از آن فاصله زیاد، خود انسان‌ها، تفاوت‌هایی جزئی با هم دارند. برای مثال، اگر بخواهیم برای موجودات رتبه‌بندی از یک تا بی‌نهایت را در نظر بگیریم، موجودات دیگر از رتبه یک تا رتبه نود و نه قرار می‌گیرند، اما انسان‌ها از رتبه یک میلیون به بالا قرار می‌گیرند و نه از صد به بالا. از رتبه یک میلیون به بعد، یک نفر ممکن است در رتبه یک میلیون و یک باشد، و دیگری یک میلیون و هشتاد، و دیگران در رتبه‌های دیگر. آیه زیر گویای همین موضوع است:

(سوره اسراء: ۷۰) به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی

حکمت دهم وجدان اخلاقی مبدأ فضایل

بی‌توجهی کند، به انتهای ناامیدی می‌رسد. تزکیه یعنی غبار از روی چیزی گرفتن و آن را در معرض دید قرار دادن؛ مانند غبارزدایی باستان‌شناسان از روی اشیاء و قرار دادن آن‌ها در موزه. دسیسه یعنی یک شیء قیمتی را زیر خاک مدفون کردن.^۵

به این نفس قیمتی «عبور از مرز» و «مرزداری» الهام و تفهیم شده است. هر کسی این نفس را غبارروبی کند و در معرض دید خود قرار دهد تا این نفس به او نشان دهد که چه باید بکند و چه نباید بکند، قطعاً رستگار می‌شود. این نفس آن قدر سرمایه در درونش نهفته است که هر کس آن را تزکیه کند، بی‌شک به اوج انسانیت نایل می‌شود. هر کس این نفس و خطوطی را که نشان می‌دهد پنهان و مدفون کند و صدای امر و نهی آن را خاموش سازد، قطعاً به انتهای راه رسیده است و هیچ آمیدی به اصلاح و کمال او نیست! کسی که با نفس خود چنین رفتاری بکند، با پیام پیامبران علیهم‌السلام نیز بیدار نمی‌شود. مگر آنکه نفسش را اصلاح کند و گوشش را باز کند تا پس از آن بتواند پیام پیام‌آوران را بشنود و از هدایت آن‌ها بهره‌مند گردد.

در شماره بعدی این بحث مهم را پیگیری خواهیم کرد.

سومین ویژگی انسان که از فطرت ویژه او ناشی می‌شود این است که انسان وجدان اخلاقی دارد. سر نخ این ویژگی در سوره مبارکه شمس آمده است. این ویژگی و پیام مهم پس از یازده قسم بیان شده است. لطفاً به معانی آیات توجه کنید:

سوره شمس: سوگند به خورشید و تابش شدید آن (۱)... و سوگند به نفس و آنچه آن را برپا داشته (استوار کرده) (۷) [پس برای داشتن نفس آدمی] «از مرز و محدوده گذشتن» و «مرزداری و حد نگه‌داری» را به او الهام و تفهیم کرده است. (۸) بی‌تردید کسی که این نفس قیمتی را تزکیه کند، رستگار شود. (۹) و کسی که با آن دسیسه کند، به نقطه ناامیدی مطلق می‌رسد! (۱۰)

پیام اصلی آیات، پس از نه قسم بیان می‌شود و در آخر دو بار درباره خود نفس قسم یاد می‌کند. حال باید پرسید چه ویژگی نفس آدمی، آن را شایسته این قسم‌ها کرده است؟ ارزش نفس و مهم‌ترین ویژگی‌اش آن است که فجور یعنی «از محدوده خارج شدن» و تقوا یعنی «حد نگه‌داری» به او تفهیم شده است. این جنبه نفس است که باید مورد دقت قرار گیرد؛ زیرا اگر انسان آن را تزکیه کند رستگار می‌شود و اگر آن را دسیسه کند، یعنی به آن

* منابع

۱. برای پیگیری این بحث، به این منبع مراجعه شود: جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۰). انسان از آغاز تا انجام. قم: مرکز نشر اسراء صص ۱۴-۴۰.
۲. پیشی گرفته شده. یعنی انسان شناختی از قبل نسبت به خداوند که سبب خداخواهی او شده است.
۳. عقل نظری: قابلیت درک واقعیت‌های هستی؛ برای مثال درک این موضوع که جهان دارای غایت است. عقل عملی: قابلیت درک این که انسان چه باید انجام دهد و چه نباید انجام دهد؛ برای مثال درک اینکه باید به حقوق دیگر انسان‌ها احترام گذاشت.
۴. همان، صص ۱۰۴-۱۰۵.
۵. قرآن هنگامی که درباره زنده به‌گور کردن دختران در دوره جاهلیت سخن می‌گوید در بیان خود همین ریشه «د س س» به کار می‌برد: یَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرْتُهُ أَلَمْ يَكُنْ عَلٰی هَؤُلَاءِ أَمْ يَكُنْ فِي التَّرَافِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (نحل: ۵۹)

آبیاری بدون آب؟

سعیده باقری

امسال با چشمان خودم دیدم که در یکی از روستاهای استان مرکزی، هنوز یک ماه از تابستان نگذشته آب تمام شده است! رودخانه‌ای که همیشه سخاوتمندانه آب مورد نیاز باغات را تأمین می‌کرد، دیگر رمقی ندارد و تمام جویبارهایی که سال‌های قبل آب رودخانه را به باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی می‌رساندند، خشک شده‌اند! هنوز میوه‌هایی سر شاخه‌های درختان در انتظار رسیدن هستند و کاری از دست کسی بر نمی‌آید! مگر بدون آب هم می‌شود باغ‌ها را سیراب کرد؟

حتماً شما هم شنیده‌اید که هر وقت صحبت از کمبود آب و لزوم صرفه‌جویی در مصرف آب می‌شود، عده‌ای این مسئله را مطرح می‌کنند که بیشترین آب کشور در بخش کشاورزی به هدر می‌رود و هرچقدر هم ما صرفه‌جویی کنیم، تا در این بخش تغییری صورت نگیرد، فایده‌ای نخواهد داشت! هرچند این نکته، با توجه به حجم زیاد آب مصرفی در بخش کشاورزی منطقی به نظر می‌رسد، اما نتیجه‌گیری ناشی از آن چندان هم منطقی نیست. معمولاً به دنبال طرح این موضوع، به نظر می‌رسد که کل مسئولیت برنامه‌ریزی برای کاهش مصرف آب به عهده دولت و مسئولان است!

در اینجا قصد ندارم نقش برنامه‌ریزی‌های کلان دولتی را کم‌اهمیت جلوه دهم، بلکه می‌خواهم باز هم بر این نکته تأکید کنم که در هر مشکلی اگر هر



کدام از ما به جای نقد عملکرد دیگران به بازبینی و تعریف دوباره نقش خود بپردازیم، بسیاری از مشکلات راحت تر و سریع تر مرتفع خواهند شد.

در اینجا به‌ویژه قصد داریم بر مورد خاص روستاهای پرآب تأکید کنیم. در سراسر کشور رودخانه‌های بزرگ و کوچکی با زیرشاخه‌های فراوان داریم. سال‌های درازی است در تمام طول مسیر این رودها و حتی زیرشاخه‌هایشان روستاهای نزدیک به هم به‌صورت فشرده ایجاد شده‌اند و آب مصرفی خود را از رودخانه‌ها تأمین می‌کنند. در گذشته معمولاً بیشترین مشکل روستاها بر سر نحوه تقسیم آب بین روستاهای همجوار و در داخل هر روستا بین باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی بود. اما متأسفانه امروزه در اثر مصرف بی‌رویه، دیگر حتی آبی نمانده که بر سر آن دعوا کنیم! متأسفانه در این روستاها به‌خاطر بهره‌مندی از این نعمت خدادادی و تلاش برای تملک هر چه بیشتر آب، در روش‌های آبیاری و انتقال آب هیچ توجهی به استفاده بهینه نشده است. هرچند ایجاد تغییر نیازمند صرف هزینه است اما تغییر نگرش نسل‌های آتی نسبت به اهمیت توجه به محدود بودن منابع آب، این نکته را روشن خواهد کرد که برخی هزینه‌ها نه تنها به‌صرفه، بلکه ضروری هستند.

اینجاست که نقش معلمان دلسوز و آگاه مشخص می‌شود. در روستاهایی که کشاورزی و باغبانی با استفاده از آب رودخانه‌ها رواج دارد، بسیار مهم است که دانش‌آموزان با روش‌های جدید آبیاری و انتقال بهینه آب آشنا شوند. اینکه این کار در چه درس و ساعتی انجام شود اهمیتی ندارد، معلمی که خود دغدغه دارد، جایگاهش را نیز پیدا خواهد کرد. در اغلب روستاها با توجه به جمعیت کم دانش‌آموزان فقط مدارس ابتدایی چندپایه وجود دارد و کل امور به عهده یک یا دو معلم است. حتی در روستاهای بزرگ‌تر هم، با توجه به شناخت نسبی افراد از هم و نزدیک بودن محل سکونت، هماهنگی و برگزاری جلسات مرتبط با بحران آب در شورای مدرسه و حتی برگزاری جلسات مشترک با شورای روستا، کار چندان دشواری نیست.

می‌توان طرح‌های آموزشی و پرورشی مرتبط با آب، آبیاری و کشاورزی را با (یا بدون) همکاری تعدادی از اهالی دغدغه‌مند در مدرسه اجرا کرد. سایت‌های مرتبط با آمار و اطلاعات کشوری،

**در روستاهایی
که کشاورزی و
باغبانی با استفاده
از آب رودخانه‌ها
رواج دارد، بسیار
مهم است که
دانش‌آموزان با
روش‌های جدید
آبیاری و انتقال
بهینه آب آشنا
شوند**

اطلاعات مربوط به روستاها را دارند که می‌توان در درس‌های مختلف از آن‌ها بهره برد و یا حتی مسئله‌های کوچک واقعی را برای موضوع درسی یا تکلیف یا امتحان دانش‌آموزان انتخاب کرد.

یکی از آزمایش‌هایی که در ارتباط با انتقال آب می‌توان در مدرسه اجرا کرد، شامل ساخت یک سطح شیبدار خاکی است: یک جعبه بزرگ با طول حدود دو متر (مثلاً یک جعبه یخچال) را پر از خاک (گل) کنید و سپس با استفاده از قرار دادن سنگ در زیر آن، شیب‌های مختلفی ایجاد کنید و هر بار مقدار معینی آب را از بالای شیب بریزید و آبی را که به انتهای مسیر می‌رسد اندازه‌گیری کنید. هر بار با پهن کردن یک نایلون بزرگ بر روی سطح، آزمایش را تکرار کنید. با این کار در واقع انتقال آب از طریق جوی‌های معمولی با انتقال آب از طریق لوله‌ها یا جوی‌های سیمانی مقایسه می‌شود. در ادامه با همکاری تعدادی از اهالی داوطلب می‌توان طرح‌هایی را برای تغییر روش‌های انتقال آب، با کمک دانش‌آموزان اجرا کرد. حتی می‌توان در قدم اول از همین نایلون‌های بسته بندی برای عایق بندی نسبی جوی‌های انتقال آب در روستا استفاده کرد که بسیار هم کم‌هزینه هستند.

نکته دیگر آشنایی با انواع روش‌های آبیاری است. شیوه سنتی آبیاری در روستاهای پرآب، اغلب آبیاری غرقابی است که شکل‌های خاص آن شامل آبیاری کرتی، آبیاری نشتی و آبیاری نواری هم به صورت هدفمند در موارد خاص مورد استفاده قرار می‌گرفته و هنوز هم کاربرد دارند. اما روش‌های بهینه‌تر آبیاری شامل آبیاری بارانی، آبیاری تحت فشار و آبیاری قطره‌ای هم کمابیش استفاده می‌شوند. آشنایی با این روش‌ها و پژوهش درباره تشخیص روش مناسب برای یک باغ یا زمین کشاورزی معین، می‌تواند موضوع مناسبی برای پژوهش فردی یا گروهی دانش‌آموزان باشد.

*** منابع**

<http://data.roostanews.com>
(<http://www.amar.org.ir/Default>).

خودآگاه

سیده فاطمه شبیری

دبیر تفکر و سبک زندگی منطقه ۳ تهران



من چطور آدمی هستم؟

عنوان جلسه

هدف

آشنایی با ویژگی‌ها، مهارت‌ها، سرگرمی‌ها و علایق فردی

۶۰ دقیقه

زمان پیشنهادی

اشاره

در جلسه اول بچه‌ها روی ویژگی‌های ظاهری خودشان دقیق شدند. این ویژگی‌ها را روی برگه‌ای نوشتند و قرار شد برگه را در منزل، در جعبه‌ای، مثل جعبه کفش، ببندازند. در این جلسه به جنبه‌های دیگری از خودشان توجه و دقت می‌کنند و برگه‌های جدیدی برای جعبه کفششان تولید می‌کنند.

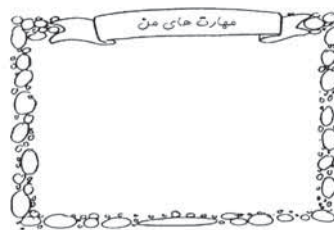
به هر کدام از دانش‌آموزان برگه کوچکی می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم هر کس یکی از خصوصیات خودش را که ممکن است، دیگران کمتر از آن اطلاع داشته باشند روی آن بنویسد. سپس برگه‌ها را جمع‌آوری می‌کنیم، به هم می‌زنیم، در ظرفی می‌ریزیم و از بچه‌ها می‌خواهیم، هر یک به تصادف، برگه‌ای را بردارد (می‌گوییم هر کس که برگه‌ای برمی‌دارد چک کند که برگه خودش را برنداشته باشد).

می‌خواهیم اولین نفر داوطلب شود و خصوصیت نوشته شده روی برگه‌اش را بخواند و حدس بزند این ویژگی مربوط به کدام دانش‌آموز است. اگر نتوانست بگوید، بقیه دانش‌آموزان می‌توانند به او کمک کنند. وقتی صاحب ویژگی موردنظر شناخته شد، نفر بعدی اوست که باید حدس بزند صاحب ویژگی نوشته شده روی برگه دست او کدام یک از دانش‌آموزان است.

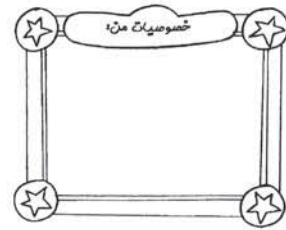
بازی ادامه پیدا می‌کند تا تمام افراد شناخته شوند. بدیهی است هر چه بازی به انتها نزدیک‌تر می‌شود، با توجه به شناخته شدن تعداد افراد بیشتر، حدس زدن ساده‌تر می‌شود.

ضمیمه ۵ (بازی چندکاره، همه‌کاره):

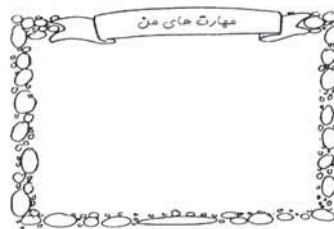
با فهرستی از ویژگی‌ها و اعمال شخصی شروع می‌کنیم. بچه‌ها می‌نشینند و مهارت‌هایی را می‌خوانیم. اگر بچه‌ای حس کرد که مهارتی که خوانده می‌شود، شخصیت او را توصیف می‌کند او باید بایستد و عمل خوانده شده را انجام دهد. تعدادی از مهارت‌ها را باید برای بچه‌ها تعریف کرد. وقتی مهارت بعدی خوانده می‌شود، کسانی که به‌خاطر داشتن مهارت قبلی ایستاده بودند، اگر فکر می‌کنند این مهارت آن‌ها نیست باید بنشینند.



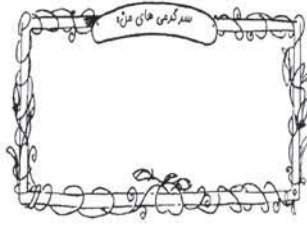
↑ ضمیمه ۲ (برگه مهارت‌های من):



↑ ضمیمه ۱ (برگه خصوصیات من):



↑ ضمیمه ۴ (بازی بینگو):



↑ ضمیمه ۳ (برگه سرگرمی‌های من):

- ◀ اگر فوتبالیست هستید بلند شوید و انگشت‌هاتان را به هم بچسبانید.
- ◀ اگر نویسنده هستید بلند شوید بینی‌تان را بگیرید.
- ◀ اگر بلدید شیرینی یا دسر درست کنید بلند شوید و دور اتاق بدوید.
- ◀ اگر می‌توانید خیلی زود دوست پیدا کنید روی زمین بنشینید و پاهایتان را دراز کنید.
- ◀ اگر می‌توانید در یک جمع غریبه خوب صحبت کنید، دست‌هایتان را قلاب کنید و ببرید پشت سرتان.

- ◀ اگر خیاطی بلد هستید دور خودتان بچرخید.
- ◀ اگر نقاشی بلد هستید بالا و پایین ببرید.
- ◀ اگر بلدید که بچه‌های کوچک را سرگرم کنید بلند شوید پاهایتان را محکم بکوبید روی زمین.
- ◀ اگر روبان‌دوزی بلد هستید بلند شوید و دست بزنید.
- ◀ اگر والیبالیست هستید جفت‌پا ببرید بالا.

ردیف	فعالیت	روش اجرا	نکات قابل توجه در اجرا	زمان فعالیت
	آغاز	سلام و احوال‌پرسی آغازین و آمادگی کلاس		۵ دقیقه
۱	بازی بینگو	فعالیت یخ‌شکن: مقدمه‌ای برای فکر کردن درباره ویژگی‌های من شرح بازی: ضمیمه ۴		۲۰ دقیقه
۲	بازنگری	از بچه‌ها می‌خواهیم حس، برداشت یا دریافت خودشان را از این فعالیت بیان کنند.	در حین بازنگری با سؤال‌های زیر به گرم شدن گفت‌وگوها کمک می‌کنیم: - آیا بچه‌ها زود متوجه شدند، کدام مطلب مربوط به شماست؟ - در مورد دوستانان چه چیزهای جدیدی فهمیدید؟ - از اینکه باعث تعجب دوستانان شدید لذت بردید؟ - این بازی آسان بود یا سخت؟ چرا؟ - وقتی دوستانان خصوصیت شما را از بین این همه خصوصیت پیدا کردند، چه احساسی داشتید؟	۵ دقیقه
۳	برگه خصوصیات من	برگه «خصوصیات من» را به بچه‌ها می‌دهیم و می‌خواهیم که حداقل ده ویژگی متمایز در آن بنویسند که در جای خالی بنشینند و جمله زیر را کامل کنند: «من کسی هستم که...»	توضیح می‌دهیم که این ویژگی‌ها می‌تواند شامل ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری، حساسیت‌ها یا... باشد.	۵ دقیقه
۴	بازی چندکاره، همه‌کاره	(مقدمه‌ای برای فکر کردن روی مهارت‌های فردی)		۱۰ دقیقه
		شرح بازی: ضمیمه ۵		
۵	برگه مهارت‌های من	برگه «مهارت‌های من» را به بچه‌ها می‌دهیم و می‌خواهیم هر مهارتی را که دارند و به ذهنشان می‌رسد در آن بنویسند.	با اشاره به بازی یادآوری می‌کنیم که خیلی از کارها مثل توانایی سرگرم کردن بچه‌های کوچک، مهارت به حساب می‌آید و ممکن است تا به حال به دید مهارت به آن نگاه نکرده باشند. بنابراین خوب فکر کنند و هر کاری را که فکر می‌کنند خوب از پس آن برمی‌آیند بنویسند.	۵ دقیقه
۶	برگه سرگرمی‌های من	برگه «سرگرمی‌های من» را به بچه‌ها می‌دهیم و می‌خواهیم فکر کنند که در ساعات فراغت انجام چه کاری برایشان مطلوب‌تر است و از انجام چه کاری بیشتر لذت می‌برند و سرگرمی مورد علاقه‌شان چیست. سپس این سرگرمی‌ها و علایق را در برگه بنویسند.		۵ دقیقه
۷	جعبه کفش	از بچه‌ها می‌خواهیم در هر یک از برگه‌های «خصوصیات من»، «مهارت‌های من» و «سرگرمی‌های من» از میان مواردی که نوشته‌اند، بارزترین آن‌ها را با علامت‌گذاری مشخص و متمایز کنند و در منزل برگه را در جعبه کفشی که جلسه گذشته آماده کرده بودند، بیندازند.		۵ دقیقه

عواطف در خدمت یادگیری

نوشته دونی تمبلین
ترجمه حبیب یوسفزاده
تصویرگر: جمال رحمتی

در شماره قبل نکته‌های جالبی را در خصوص نقش شوخ طبعی در میزان یادگیری دانش‌آموزان و موفقیت حرفه‌ای معلمان شرح دادیم. در این شماره توجه شما را به ابعاد دیگری از این موضوع دامنه‌دار جلب می‌کنیم.

یادگیری چندجانبه

برای درک بهتر این مفهوم اجازه دهید با استفاده از یک تمثیل ببینیم مغز شگفت‌انگیز ما چگونه کار می‌کند. تصور کنید شما وارد یک بانک می‌شوید و از صندوق‌دار می‌خواهید یک قطعه چک چند میلیونی را به حسابتان واریز کند. صندوق‌دار برگه چک را از شما می‌گیرد و بعد از آنکه آن را جلوی چشمتان ریزریز می‌کند و به هوا می‌پاشد، می‌گوید: کارتان انجام شد خانم. بروید به سلامت! هفته بعد به همان بانک مراجعه و چک مورد نظر را مطالبه می‌کنید. صندوق‌دار می‌گوید: الساعه! و در یک چشم‌به‌هم‌زدن برگه چک تکه‌تکه شده شما را سالم تحویل‌تان می‌دهد. این درست همان بلایی است که مغز ما بر سر اطلاعات می‌آورد. اگر چه برخی قسمت‌های مغز انجام فعالیت‌های به‌خصوصی را برعهده دارند (مثلاً نیم‌کره چپ فعالیت‌های زبانی را کنترل می‌کند و قسمت پیشانی، حرکات ارادی را و همین‌طور الی آخر) اما به‌طور کلی تمام اطلاعاتی که ما دریافت می‌کنیم، در قسمت‌های مختلف مغز پراکنده می‌شود. آیا تعجب‌آور است که موقع سرهم کردن این پازل‌های پیچیده، یکی دو قطعه گم شده باشد؟ به هیچ‌وجه. واقعیت این است که مغز ما در این فرایند، کارایی خارق‌العاده‌ای از خود نشان می‌دهد. شاید بپرسید چرا مغز فراخوانی اطلاعات را به‌طور صددرصد انجام نمی‌دهد؟ اگر کمی فکر کنیم، متوجه خواهیم شد که مجرای کسب تجربه‌های ما محدود به حواس پنجگانه - بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه - است. از این‌رو به‌طور مثال، سلول‌هایی که مختص ذخیره اطلاعات مربوط به نرمی اشیاء هستند، باید بتوانند هنگام فراخوانی آن‌ها، نرمی موی گربه، لطافت

یادگیری ناخودآگاه

در سال ۱۹۵۷ یک پژوهشگر مسائل اقتصادی به نام جمیز ویکاری^۱ با طرح ایده «تبلیغات ناخودآگاه» جنجال زیادی برپا کرد، زیرا در این شیوه ذهن مخاطبان بی‌آنکه خودشان بدانند تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به‌طور مثال در یک فیلم که با سرعت سی فریم در ثانیه پخش می‌شود، در بعضی فریم‌ها تصویری از کالای مورد نظر گنجانده می‌شود. روشن است که این تصویر، به‌علت عبور سریع از مقابل چشم، قابل مشاهده نیست، اما بر ضمیر ناخودآگاه فرد تأثیر می‌گذارد به‌طوری‌که در انتخاب‌های آتی او مؤثر واقع می‌شود.

اکنون شاید این سؤال برای شما پیش بیاید که تبلیغات ناخودآگاه چه ربطی به آموزش و یادگیری دارد؟ جواب این است که طبق تحقیقات انجام شده، تأثیر ارتباط ناخودآگاه - برخلاف ارتباط آگاهانه - با گذر زمان افزایش می‌یابد. نکته مهم این است که ۹۹ درصد یادگیری‌های ما به‌صورت ناخودآگاه شکل می‌گیرد. از این‌رو همواره باید متوجه پیام‌های ناخودآگاه خود به دیگران باشیم. نکته دیگر این‌که موضوع تدریس هر چه باشد، باید این واقعیت را بپذیریم که نحوه ارائه آن اقلاً به اندازه محتوای آن اهمیت دارد. از آنجا که در یادگیری ناخودآگاه لحن و حالات عاطفی ما سهم زیادی دارد، توصیه جدی من به همه معلم‌ها این است که با فوت‌وفن بازیگری آشنا شوند و اگر فرصت دارند در یک دوره آموزش بازیگری تئاتر ثبت‌نام کنند. ممکن است این پیشنهاد در نظر بعضی همکاران کمی عجیب باشد، اما اگر آن را تجربه کنند خواهند دید که روش خلاق «یفای نقش» چقدر به آنان کمک می‌کند تا ارائه‌دهندگان و تعامل‌گران بهتری باشند.

پره‌های اردک، نرمی پوست صورت نوزاد و هزاران اطلاعات مشابه را از هم تمیز دهند. به بیان دیگر تکه‌های دانش ما براساس جنبه‌های گوناگون یک مفهوم واحد شکل می‌گیرد... و این تکه‌ها بسیار پراکنده‌اند. این توان ویژه مغز در پراکندن نظام‌مند اطلاعات در حقیقت روشی بسیار کارآمد برای سازماندهی آن‌هاست.

سؤالی که ما معلم‌ها باید جواب بدهیم این است: چگونه فراخوانی اطلاعات را در شاگردان خود تقویت کنیم. به‌طوری که قطعه‌های گم‌شده پازل به حداقل برسد. در پاسخ به این سؤال باید گفت یکی از مؤثرترین روش‌ها یادگیری چندجانبه است. اصطلاح «یادگیری چندجانبه» در واقع با کانال‌های چهارگانه ورود اطلاعات به مغز ارتباط دارد که عبارتند از:

۱. کانال معنایی
۲. کانال زمانی
۳. کانال فرایندی
۴. کانال انعکاسی

دو کانال اول از این کانال‌ها محسوس‌اند و اطلاعات ارائه‌شده را به روشنی انتقال می‌دهند، اما دوتای دیگر نامحسوس هستند و اطلاعاتی را انتقال می‌دهند که اغلب از آن‌ها بی‌اطلاع هستیم.

کانال‌های محسوس

کانال معنایی ادراک‌کننده واژه‌ها، نمادها، اعداد و مفاهیم انتزاعی است. شما موقعی از این کانال برای بازیابی اطلاعات استفاده می‌کنید که بخواهید متنی را بخوانید، مکالمه‌ای را به یاد آورید. تصویری را شرح دهید، فرمول‌های ریاضی را به کار گیرید و چیزهایی از این دست.

کانال زمانی ادراک‌کننده رخدادها، مکان‌ها و شرایط است. شما موقعی از این کانال برای بازیابی اطلاعات بهره می‌گیرید که مثلاً بخواهید به چنین سؤالی پاسخ دهید: «وقتی خبر فروریختن دیوار برلین را شنیدی، کجا بودی؟» همچنین ممکن است برای به‌خاطر آوردن آهنگی که هنگام اطلاع از تولد فرزندان گوش می‌دادید، از این کانال استفاده کنید و ناگهان احساسات، صحنه‌ها و حتی بوهای مربوط به آن لحظه در ذهن شما تداعی شوند.

کانال‌های نامحسوس

کانال فرایندی مجرای کسب مهارت‌هایی است که به‌صورت عادت در می‌آیند. موقع دوچرخه‌سواری، رانندگی با اتومبیل یا صرف غذا، از این کانال برای بازیابی اطلاعات استفاده می‌کنید.

کانال انعکاسی، وسیله ادراک اطلاعات ناخودآگاه است. وقتی از این کانال بهره می‌گیرید که ناخواسته یک پای خود را روی پای دیگر می‌اندازید، یا از چشیدن غذایی که طعم آن ناآشناست لب و لوچه خود را جمع می‌کنید، و یا وقتی که موقع برخاستن از پشت میز به دسته صندلی فشار وارد می‌کنید. چیزی که هر معلمی باید بداند این است که: اطلاعاتی را که به‌وسیله یکی از این کانال‌ها دریافت می‌شود، به سختی می‌توان با کانال دیگری بازیابی کرد. پس برای رسیدن به حداکثر مقدار بازیابی اطلاعات، بهترین راه این است که از بیشترین تعداد کانال‌های ارتباطی استفاده کنید. برای موفقیت در این کار معلمان باید روش‌های ایجاد نشاط همراه با سرگرمی و خلاقیت را یاد بگیرند و تمرین کنند. فقط در یک فضای آکنده از شادی و سرزندگی است که ذهن شاگردان به حداکثر انگیزختگی می‌رسد و تمام کانال‌های ارتباطی آنان خودبه‌خود برای دریافت اطلاعات گشوده می‌شود.

ریتم، موسیقی و سخن منظوم

تجربه ثابت کرده است که وقتی سخن با آهنگ همراه می‌شود، بهتر به خاطر سپرده می‌شود. به عبارت دیگر ریتم و آهنگ موجب افزایش بازدهی مغز می‌شود. به‌علاوه موسیقی بخش‌هایی از مغز را تحت تأثیر قرار می‌دهد که انگیزش احساسات را برعهده دارند و چنانچه در ادامه خواهید دید، یادگیری عاطفی، از مؤثرترین روش‌های یادگیری است.



شوخی طبیعی برای یادگیری

اجازه دهید موضوع را با یک داستانک ادامه دهیم.

روزی یکی از پژوهشگران قطب شمال در حال تحقیق روی یک ناحیه در قطب بود که دید دستیار اسکیمو او به شدت می لرزد. از او پرسید: «سردته؟»

اسکیمو جواب داد: «نه!»

پژوهشگر کار با قطب‌نما و محاسبات خود را از سر گرفت. اما کمی بعد متوجه شد که مرد اسکیمو تقریباً بی اختیار می لرزد. برای بار دوم پرسید: «سردته؟»

اسکیمو با متانت خاصی جواب داد: «نه، به هیچ وجه.»

پژوهشگر با تعجب به او خیره شد و پرسید: «پس چرا این قدر می لرزی؟»

مرد اسکیمو نگاهی عاقل‌اندرسفیه به او انداخت و گفت: «خوب، برای اینکه سردم نشود!»

تأمل در این داستانک می‌تواند دلیل استفاده از شوخی طبیعی را روشن کند. زندگی از چالش‌های زندگی تنش و خستگی به همراه می‌آورد. در این مواقع بهترین کار این است که واکنش مثبتی در مقابل چالش‌ها از خود بروز دهیم. مثل مواجهه با سرما که در آن سودمندترین واکنش بدن، لرزیدن و ایجاد گرماست. در این شرایط ممکن است ناظر بیرونی خیال کند که ما سردمان شده است. درحالی که مشغول گرم کردن خودمان هستیم و می‌خواهیم مشکل را از پیش‌رو برداریم. روان‌شناسان معتقدند، شوخی طبیعی کردن روشی ایمن برای فاصله‌انداختن بین خود و مشکلاتمان است. در حقیقت، این فاصله گرفتن از مشکل موجب می‌شود به ابعاد مختلف آن اشراف پیدا کنیم و هنگام حل آن کمتر به خطا بیفتیم. البته راه دیگری هم برای اشراف بر مشکلات وجود دارد و آن، گذر زمان است. اما همه می‌دانیم که در این زمانه، وقت بسیار گران‌بهاست. پس شوخی طبیعی می‌تواند یکی از ارزان‌ترین و مؤثرترین راه‌های مدیریت زمان هم باشد. اصولاً ما می‌خندیم برای اینکه بتوانیم جدی فکر کنیم. اینکه چرا معلمان باید جدی‌ترین بحث‌های خود را با خنده و شوخی‌های خنده‌دار همراه نمایند، شش دلیل اصلی دارد که در ادامه به شرح مختصر آن‌ها می‌پردازیم:

ضرب شوخی طبیعی

شاید به خود بگویید «من ذاتاً آدم شوخی طبیعی نیستم!». اما یادتان باشد که منظور از شوخی طبیعی این نیست که مانند کم‌دین معروفی همچون چارلی چاپلین نمایش‌های طنز اجرا کنید. شوخی طبیعی بیشتر جنبه بازی دارد تا لطیفه‌گویی - و بازی در خون آدمیزاد است. به نظر می‌رسد در دنیای جانوران، آن‌هایی که تکامل یافته‌ترند، میل بیشتری به بازی‌گوشی دارند. طوری که گویا بازی‌گوشی جزو ویژگی‌های آن‌هاست. این حقیقت نشان می‌دهد که شوخی طبیعی یک ساز و کار طبیعی برای تنازع بقاست. نکته کلیدی این است که شما نمی‌توانید تغییر چندانی در ضرب هوشی خود ایجاد کنید، اما به‌طور حتم می‌توانید با تمرین و تلاش، ضرب شوخی طبیعی خود را افزایش دهید و درگام بعدی آن را به دیگران نیز سرایت دهید.

کاهش اضطراب و نگرانی

روزی عکس ساختمانی را دیدم که در اثر توفان حدود ۴۵ درجه خم شده بود و چیزی نمانده بود که فرو بریزد. یکی از ساکنان خوش‌ذوق آنجا قبل از تخلیه ساختمان با اسپری رنگ روی دیوار نوشته بود: کمرم شکسته، یکی به دادم برسه!

گویا به ما انسان‌ها موهبتی خاص عطا شده است تا بتوانیم به نحوی خلاق بر ترس و اضطراب خود غلبه کنیم و این موهبت چیزی نیست جز توان خندیدن. پژوهش‌های مربوط به کارکرد مغز نشان می‌دهد که ترس و اضطراب شدید از موانع جدی یادگیری هستند. از این‌رو مغز در مواجهه با ترس و اضطراب واکنش معینی نشان می‌دهد، به این ترتیب که با ایجاد یک مسیر فرعی از طریق شوخی طبیعی، سعی می‌کند اضطراب‌های مهلک را دور بزند. اگر مغز انسان از این توانایی برخوردار نبود، ترشح هورمون‌های ایجادکننده ترس و اضطراب می‌توانست منجر به مرگ سلول‌های مغزی شود. همچنین تحقیقات اخیر نشان داده است که خنده با تغییراتی که در ترکیبات خون ایجاد می‌کند، اضطراب منفی را به اضطراب مثبت بدل می‌نماید.

ای وای...
چرا این جوری شد ؟
نکته سقوط کنیم ؟

نه بابا ... اون پایین
یه رستوران می بینم !
حتماً می خواد برا ناهار
نکته داره هاهاها !!!



اگر برخورد با آدم‌های بدعقل را تجربه کرده باشید، حتماً دیده‌اید که وقتی هر دو به چیز واحدی خندیده‌اید، خصوصیت میان شما کمتر شده است. اصولاً آدم‌ها قادر نیستند به‌طور همزمان دو احساس متضاد - مانند نشاط و رنجش - داشته باشند. وقتی به دوراهی احساسات متضاد می‌رسیم، مجبوریم یکی از آن‌ها را انتخاب کنیم. از سویی وقتی از این احساسات، یکی خوشایند و دیگری ناخوشایند باشد، به‌طور طبیعی گرایش به احساس خوشایند داریم. خلاصه اینکه شوخ‌طبعی پدیده‌ای خارق‌العاده است. اگر درست استفاده شود، کاری می‌کند که به حرف همدیگر گوش کنیم، یکدیگر را تحسین کنیم و همدل و همراه باشیم.

تجربه نشان داده است که در تصمیم‌گیری افراد همیشه عقل و منطق حاکم نیست و عواطف در این میان نقشی تعیین‌کننده دارند. عواطف شاگردان غالباً در موارد زیر مؤثر است:

۱. حس خاصی نسبت به موضوع درس داشته باشند یا نداشته باشند؛
۲. نسبت به درس علاقه‌مند باشند یا نباشند؛
۳. اطلاعات ارائه‌شده در درس را باور کنند یا نکنند؛
۴. اطلاعات ارائه‌شده را به‌خاطر بسپارند یا فراموش کنند

بدون یک واکنش عاطفی، شاگردان شما ممکن است درس را بفهمند، اما درک «واقعی» از آن نخواهند داشت.

* بی‌نوش

1. James M. Vicary
2. Hermann Ebbinghaus

یادم هست مدتی پیش در هواپیما نشسته بودم و مهماندار مشغول توضیحات قبل از پرواز بود. من سرم توی روزنامه بود و دلم نمی‌خواست آن توضیحات تکراری و ملال‌آور را بشنوم، تا اینکه ناگهان حرف‌های مهماندار مرا به خود جلب کرد: «خانم‌ها، آقایان! شاید هزار تا راه برای ترک همسرتان داشته باشید، اما برای ترک این قارقار که در مواقع اضطراری فقط چهار در وجود دارد...»

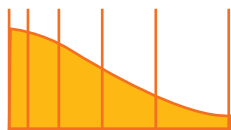
بی‌اختیار دست از مطالعه کشیدم و سرم را بالا آوردم. لبخندی صمیمی بر چهره مهماندار نقش بسته بود. او ادامه داد: «ضمناً فراموش نکنید که سیگار کشیدن در هواپیما ممنوع است. اگر سیگار دستان بینیم، شما را می‌فرستیم روی بال هواپیما تا داستان «برباد رفته» را شخصاً تجربه کنید...»

این خاطره نشان می‌دهد که شوخ‌طبعی با انگیزش کنجکاوی می‌تواند توجه افراد را به موضوعات مرتبط با زندگی آن‌ها جلب کند. به‌علاوه، شوخ‌طبعی می‌تواند حافظه دیداری افراد را برای فهم بهتر مطالب درگیر کند. برای مثال اگر بتوانید برای اجزای یک فرمول پیچیده ریاضی، قصه‌ای - هر چند پیش پا افتاده - سرهم کنید، با یادآوری آن قصه، فرمول مورد نظر خود به خود در ذهن شما تداعی خواهد شد.

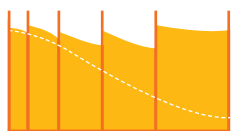
در قرن نوزده هرمان ایبنگهاوس^۲ متوجه شد میزان ماندگاری اطلاعات در مغز یادگیرنده - در گذر زمان - را می‌توان به تصویر کشید. (شکل ۱) ایبنگهاوس دریافت که مناسب بودن حجم اطلاعات، فاصله انداختن بین آن‌ها و نحوه مرورشان میزان بازیابی اطلاعات را تا حد زیادی افزایش می‌دهد. او در یک آزمایش، مطلبی را در فاصله‌های زمانی زیر برای شاگردانش مرور کرد.

- ده دقیقه بعد از ارائه درس... پنج دقیقه مرور
- یک روز بعد از ارائه درس... پنج دقیقه مرور
- یک هفته بعد از ارائه درس... سه دقیقه مرور
- یک ماه بعد از ارائه درس... سه دقیقه مرور
- شش ماه بعد از ارائه درس... سه دقیقه مرور

این نحوه مرور درس - البته در فضایی با نشاط - نشان داد می‌تواند حافظه بلندمدت شاگردان را تا ۸۸ درصد افزایش دهد و تغییر خارق‌العاده‌ای در منحنی فراموشی به‌وجود آورد. (شکل ۲) نکته اساسی این است که فشار آوردن به مغز مخاطبان برای فراگیری اطلاعات زیاد در زمان کم، با سازوکار مغز برای یادگیری در تضاد است. از این رو چگالی موضوع درس نباید بیش از حد بالا باشد. به‌جای این کار بهتر است با برنامه‌ای منعطف فرصت تمرین، بازخوانی، بحث و تأمل را در محیطی شاداب برای شاگردان خود فراهم کنیم. نباید فراموش کرد که برنامه درسی فشرده فقط روی کاغذ خوب به‌نظر می‌رسد. به‌راستی کدام روش بهتر است؟ اینکه صد درصد اطلاعات را در مغز شاگردان فرو کنیم و آن‌ها فقط ۲۲ درصد آن را هضم کنند، یا هشتاد درصد اطلاعات را به آنان بدهیم و آن‌ها هفتاد درصدش را فراموش کنند؟



شکل ۱



شکل ۲



کلید موفقیت نظام آموزشی ژاپن

نیره شاه محمدی

از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. آن‌ها به‌طور مستمر در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت شرکت و کیفیت و کارایی علمی لازم را برای تدریس و کار در مدارس پیدا می‌کنند. در این کشور احراز شغل معلمی بسیار دشوار است و تنها کسانی می‌توانند به این جایگاه مهم اجتماعی دست یابند که در آزمون‌های کتبی و مصاحبه‌ها پذیرفته شوند. در ژاپن ساعات کار معلم ۴۴ ساعت در هفته است که علاوه بر تدریس مواردی چون همکاری با مدیر در اداره مدرسه، شرکت در جلسات گروهی معلمان، راهنمایی دانش‌آموزان، شرکت در جلسات مشترک با والدین، تهیه طرح درس و بررسی تکالیف دانش‌آموزان را شامل می‌شود. حضور رسمی روزانه معلم در مدرسه از ساعت ۸ صبح تا ۴ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر است، ولی بسیاری از معلمان معمولاً بیش از ساعات رسمی یاد شده در مدرسه می‌مانند، زیرا بر این باورند که چون هر کودکی دنیای ویژه و زندگی خاص خود را دارد پس باید بکوشند تا دانش آموز به شیوه درست و علمی رفتار کنند. این امر نه تنها یادگیری مؤثر دانش‌آموزان را با خود خواهد داشت، بلکه مهارت‌های آموزشی و پرورشی معلم را نیز پرورش خواهد داد. چنین رفتاری خود مستلزم به‌عهده گرفتن نقش‌های متعددی است که معلمان ژاپنی لازم است در کلاس درس، در مدرسه و در محیط آموزشی ایفا نمایند.

با وجود دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی یکی دو قرن اخیر در ژاپن، اساسی‌ترین عامل پیشرفت در این کشور را باید در نظام آموزشی آن جست‌وجو کرد. مردم و دولت ژاپن اهمیت بسیار زیادی به آموزش و پرورش می‌دهند. در این کشور بودجه آموزش و پرورش از طریق دولت، استانداری‌ها و شهرداری‌ها به‌دست می‌آید. اگرچه هیچ نوع «مالیات آموزشی» در ژاپن وجود ندارد، با این حال در صدی از عایدات مالیاتی به امر آموزش و پرورش اختصاص می‌یابد.

نظام آموزشی ژاپن مبتنی بر شایسته‌سالاری است و یکی از مهم‌ترین عوامل بالا بودن کیفیت آموزش در آن، برخورداری از معلمان شایسته و با صلاحیت است. دست‌اندرکاران نظام آموزشی این کشور معتقدند که شایستگی هر نظام آموزشی، به اندازه شایستگی معلمان آن نظام است و تحقق هر آرمانی در آموزش و پرورش در گرو نیروی انسانی آن، یعنی معلمان، است که عامل اجرایی آرمان‌ها در محیط عملی هستند و هیچ اصلاحی بدون همکاری و مشارکت فعال آنان عملی نخواهد بود.

در ژاپن، معلمان همیشه

در ژاپن معلمان خود را ملزم و متعهد می‌دانند که دانش‌آموزان را به سطح استاندارد مشخصی از پیشرفت تحصیلی برسانند. به همین دلیل، شیوه‌های کهنه شده ارزشیابی را به کار نمی‌برند؛ زیرا بر این باورند که این شیوه‌ها تأثیر زیان‌باری در فرایند یادگیری دانش‌آموزان دارد؛ بنابراین آن‌ها همواره تلاش می‌کنند:

➤ بر موضوع درس خود تسلط کامل داشته باشند و چارچوب تدریس را به گونه‌ای طراحی کنند که خلاقیت را در دانش‌آموزان بالا ببرد؛

➤ از روش‌های فعال و تعاملی تدریس به‌منظور مشارکت دادن و درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند تدریس و انتقال کامل و درست مفاهیم آموزشی به او بهره گیرند؛

➤ همواره از یادگیری فردی شده و تلفیقی، به‌منظور زمینه‌سازی برای یادگیری مستقل در دانش‌آموزان، استفاده کنند؛

➤ آموزش‌های لازم را به فراگیران در مورد فکر کردن، تمرکز حواس، طرح سؤال و حل مسئله، از طریق طرح یک مشکل، در کلاس درس بدهند. برای این کار معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا برای مسئله مورد نظر راه‌حل پیدا کنند و خودش حاصل کار تک‌تک دانش‌آموزان را بررسی می‌نماید و در پایان از چند دانش‌آموز می‌خواهد که به جلوی کلاس بیایند و یافته‌های خود را روی تخته بنویسند. روشن است که برخی از پاسخ‌ها درست و برخی نادرست خواهد بود، لذا او از سایر دانش‌آموزان می‌خواهد درباره فرایند و شیوه حل، در هر مورد، نظر بدهند. از این طریق دانش‌آموزان درمی‌یابند که علت غلط بودن برخی از پاسخ‌ها چیست، و نیز اینکه برای هر سؤال بیش از یک پاسخ می‌تواند وجود داشته باشد؛

➤ بر تدریس عملی و کارگروهی در هنگام تهیه و سازماندهی محتوا، ارائه درس و ارزشیابی (طراحی آموزشی) تأکید کنند؛ باید دانست که شیوه آموزش و تدریس معلمان در ژاپن عمل‌گرایانه است. آن‌ها از آزمایش و پژوهش در تدریس خود استفاده می‌کنند و دانش‌آموزان را در کارهای مدرسه مشارکت فعال می‌دهند. این کار در تهیه و سازماندهی محتوا، ارائه درس و ارزشیابی آن به‌ویژه در موضوعات بین رشته‌ای نقش اساسی دارد.

➤ درخصوص مسائل شناختی و فراشناختی دانش‌آموزان را آموزش دهند تا آن‌ها در این زمینه

مهارت پیدا کنند؛

➤ محیط یادگیری را به گونه‌ای شوق‌انگیز طراحی کنند که بر روابط انسانی، پیوندهای عاطفی، صمیمیت، رفتار گروهی و احساس تعلق خاطر به معلم، کلاس درس و مدرسه استوار باشد؛

➤ به رشد شخصیت کودک و ارائه محتوای متناسب با آن تأکید و توجه زیادی بنمایند؛

➤ محتوای آموزشی را به گونه‌ای ارائه دهند که برای دانش‌آموزان خسته‌کننده نباشد؛

➤ برای ایجاد و پرورش تفکر سیال و طرح سؤالات ذهنی از سوی فراگیران زمینه‌سازی کنند؛

➤ از بازی‌های آزاد در فرایند تدریس استفاده کنند؛

➤ کلاس را به گروه‌های کوچک برای انجام فعالیت‌های گروهی تقسیم کنند؛

➤ شیوه‌های شاد زیستن و لذت بردن را به فراگیران آموزش دهند؛

➤ در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ضعیف از گروه همسالان، مطالعه آزاد، سهم کردن دانش‌آموزان در تجربیات با یکدیگر و... کمک بگیرند؛

➤ مشکلات آموزشی دانش‌آموزان را با استفاده از راهبردهای مناسب آموزشی حل کنند؛

➤ دانش‌آموزان را به خلاقیت و نوآوری ترغیب کنند. همچنین تک‌تک آن‌ها را به‌سوی استفاده صحیح و جهت‌دار از استعدادها و توانایی‌های فردی هدایت و راهبری نمایند؛

➤ منعطف بوده و به دانش‌آموزانی که در امتحان خود عملکرد پایینی دارند کمک نمایند؛

➤ با تک‌تک یا گروهی از دانش‌آموزان کارگروهی انجام دهند؛

➤ درک درستی از توانایی‌ها و استعدادهای دانش‌آموزان کسب کنند، در مورد دانش‌آموزان آگاهی کامل داشته باشند و بدانند که در کجاها دانش‌آموزان دارای نقطه‌ضعف می‌باشند؛

➤ دانش‌آموزان را به‌منظور اطلاع از میزان یادگیری آن‌ها از درس جدید ارزیابی نمایند؛

➤ به‌منظور ایجاد ارتباط آن با دروس دیگر یک خلاصه و جمع‌بندی از درس جدید ارائه دهند؛

➤ به دانش‌آموزان در پی بردن به اختلاف فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی، نگرش‌ها و توانایی‌ها کمک کنند؛

➤ بر انجام تکالیف دانش‌آموزان نظارت و عملکرد آن‌ها را بررسی نمایند.



معلم به عنوان الگویی برای دانش آموزان

➤ از کلمات مثبت و لبخند در کلاس درس و در رویارویی با دانش آموزان استفاده کند؛

➤ از دانش آموزان در زمینه احساساتشان سؤال کند و به آن‌ها برای ابراز احساسات خود فرصت دهد؛

➤ اخلاق خوب داشته، در عین مهربان بودن، هر جا لازم است برخورد بسیار جدی با مسائل از خود نشان دهد؛

➤ رفتار دانش آموزان را از طریق مشوق‌های کلامی تغییر دهد؛

➤ دانش آموزان را به اینکه شهروندان خوبی باشند تشویق کند؛

➤ به دانش آموزان احترام بگذارد، به آن‌ها توجه کند و به حرف‌هایشان خوب گوش دهد؛ این شیوه رفتار این احساس را در دانش آموزان به وجود می‌آورد که مدرسه را دوست بدارند و با رغبت به آن پای بگذارند؛

➤ رفتارهای مورد انتظار را یادآوری کند و عواقب رفتار نامناسب را به دانش آموزان به‌منظور پذیرش اشتباهات خود و تلاش برای جبران یا اصلاح آن‌ها گوشزد کند؛

➤ از منافع فردی و اجتماعی تک‌تک دانش آموزان حمایت کند؛

➤ به تمامی دانش آموزان گوش دهد، با آن‌ها هم سخن شود و همدردی نماید و به ارائه بازخورد و پاسخ درست به آن‌ها توجه نماید.

در ژاپن اعتقاد بر آن است که تحصیل فقط یاد دادن درس‌های مختلف به دانش آموزان نیست بلکه پرورش روحیه همکاری با دیگران، پرورش اخلاقیات و نیز حس مسئولیت‌پذیری و رفتار اجتماعی در دانش آموزان نیز بخشی از آن است. برای تحقق این امر لازم است که معلم:

➤ باتک‌تک دانش آموزان ارتباط و تعامل برقرار کند؛

➤ حس اعتماد به نفس در دانش آموزان را، از طریق تفویض مسئولیت به آن‌ها در انجام برنامه‌های کلاسی مدرسه و پذیرفتن مسئولیت در قبال برون‌دادهای آموزشی را ایجاد و پرورش دهد؛

➤ روحیه مشارکت در دانش آموزان را پرورش دهد و آن‌ها را به صورت عملی در فرایند تدریس و فعالیت‌های مدرسه درگیر نماید؛

➤ بر رفاقت، دوستی و همکاری بین دانش آموزان به جای رقابت در داخل و خارج از مدرسه تأکید نماید؛

➤ بین دانش آموزان برای اداره مدرسه همکاری ایجاد نماید؛

➤ خود انضباطی و خودمدریتی را در دانش آموزان پرورش دهد؛

➤ به رشد عاطفی، اجتماعی و خود ادراکی در دانش آموزان توجه کند؛ در ژاپن بر رشد اجتماعی دانش آموزان تأکید بسیار زیادی شده است؛

➤ دانش آموزان را با نام کوچک مورد خطاب قرار دهد؛



معلم به عنوان راهنمای فراگیران

فعالیت‌های روزانه خود کمک کند؛

➤ در تهیه برنامه روزانه و هفتگی و سالانه برای مطالعه به دانش آموزان کمک کند؛

➤ به دانش آموزان در ایجاد عادات درست مطالعه کمک نماید؛

➤ دانش آموزان با هوش و کم توان را، به‌منظور برنامه‌ریزی و ارائه طرحی برای پاسخگویی درست و برآوردن نیازهایشان بازشناسی کند؛

➤ اشتباهات دانش آموزان را تصحیح کند و به آن‌ها کمک کند تا به مهارت در آن درس برسند.

در ژاپن، معلمان، معمولاً کلاس را به چند گروه تقسیم و برای هر کدام یک سرگروه تعیین می‌کند و بر عملکرد هماهنگ گروه تأکید می‌نماید. اگر یکی از شاگردان کاری را که به او محول شده انجام ندهد یا موافق گروه رفتار نکند، بچه‌های دیگر اختیار دارند که به او برای همکاری فشار بیاورند. در این میان معلم به عنوان راهنما و هدایت‌گر دانش آموزان لازم است:

➤ به دانش آموزان در شناسایی و درک علایق، قابلیت‌ها و مهارت‌های فردی خود کمک کند؛

➤ به دانش آموزان در نظم بخشیدن به

ارتباط و تعامل با دانش‌آموزان، همکاران و اولیا در ژاپن



* منابع

۱. بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۶)، *درس‌هایی از ژاپن*، خبرنامه انجمن دوستی ایران و ژاپن، سال هفتم، شماره ۱۶.
۲. بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، *فرهنگ آموزش در ژاپن*، نشریه پیوند وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲۶۳.
۳. جعفریان، محمد (۱۳۷۳)، *آموزش و پرورش در ژاپن*، انتشارات کوکب.

4. Arani, M. and T. Fukaya (2009), *Learning Beyond Boundaries: Japanese Teachers Learning to Reflect and Reflecting to Learn*, Child Research Net website, www.childresearch.net/RE-SOURCE/RESEARCH/2009/ARANI.HTM.
5. CIA (Central Intelligence Agency) (2010), *Japan: Country Background Information*, CIA World Factbook (online), Central Intelligence Agency, Washington DC, available at www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ja.html.
6. Mizukoshi, T. (2007), *Educational Reform in Japan: Retrospect and Prospect*, Osaka University, Osaka, available at <http://unpan1.un.org/intrdoc/groups/public/documents/ap-city/unpan011543.pdf>.

بسیاری در قبال سایر معلمان هم‌ردیف خود دارند و در فعالیت‌های گروهی مربوط به ارتقای روش‌های تدریس حرکت می‌کنند؛
 + با دانش‌آموزان، همکاران و سایر کارکنان مدرسه از طریق شبکه‌های اجتماعی ارتباط برقرار سازند؛

+ از احساس مسئولیت در ارتباط با دانش‌آموزان خود برخوردار باشند؛ این مسئولیت تنها به ساعات کلاسی محدود نمی‌شود، بلکه رفتار بیرون از مدرسه دانش‌آموزان را نیز در بر می‌گیرد.
 فراهم آوردن فضای دوستانه و صمیمی در کلاس درس و محیط مدرسه نیز یکی از مسئولیت‌ها و وظایف معلمان در ژاپن است. دانش‌آموز در چنین فضایی، در زمینه خلاقیت‌های کلامی بیشتر رشد می‌کند و ترغیب می‌شود و معلمان اولین کسانی هستند که می‌توانند نظم را در کلاس درس خود برقرار سازند و در صورت جدی بودن مشکلات دانش‌آموزان، از دیگر معلمان، کادر آموزشی مدرسه، مشاوران و مدیر کمک بگیرند. معلمان انجمن‌هایی را سازماندهی می‌کنند تا از طریق آن به هماهنگ‌سازی رویدادها در سطح مدرسه کمک نمایند. معلمان ژاپنی اعتقاد دارند که ایجاد انگیزه در کودک نقطه عطف موفقیت اوست و تمام کودکان با تشویق مناسب قادر به کسب مهارت تا استادی در برنامه‌های آموزشی می‌باشند.

در تحقیقی که در سال ۲۰۰۵ در ژاپن انجام گرفت مشخص شد که ۸۰ درصد از پدر و مادرهای ژاپنی نگران وضعیت درسی فرزندانشان هستند. انجمن‌های اولیا و مربیان در ژاپن تحت نظارت مدرسه تشکیل می‌شود و والدین معمولاً فعالیت زیادی در آن دارند. در این راستا لازم است معلمان؛
 + در انجمن‌های اولیا و مربیان، در صورت لزوم، شرکت کنند و از والدین درباره انتظارات آنان از مدرسه نظرسنجی نمایند؛
 + با اولیا و دیگر اعضای خانواده دانش‌آموزان در زمینه‌های زیر ارتباط برقرار سازند:
 الف. ارائه گزارشی از پیشرفت و مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان؛
 ب. معرفی و بحث در مورد مأموریت مدرسه و برنامه‌های تحصیلی و مشاوره‌ای آن؛
 ج. زمینه‌سازی همکاری بسیار نزدیک خانواده با مدرسه.

+ زمینه همکاری و مشارکت دانش‌آموزان در اداره مدرسه را به‌صورت عملی فراهم نمایند؛
 + با شاگردان به منظور توضیح و تشریح انتظارات خود، محدودیت‌ها و قوانین انضباطی کلاس درس و مدرسه ارتباط برقرار کنند؛
 + با همکاران و معلمان دیگر که موضوع مشابه آنان را تدریس می‌کنند، همکاری و تشریک مساعی بنمایند. معلمان ژاپنی مسئولیت‌های



ریحانه ایزدی

وقتی می‌گوییم سبک زندگی منظور آن عادات رفتاری است که زندگی روزانه ما را تشکیل می‌دهد؛ چیزهایی مثل عادات غذایی، میزان تحرک، گذراندن اوقات فراغت، شیوه لباس پوشیدن، روش ارتباط با دوستان یا خانواده، علایق هنری، راه‌های دریافت اطلاعات و کسی شک ندارد که سبک زندگی به کلی و به‌ویژه سبک زندگی نوجوانان امروزی، در مقایسه با نوجوانان قدیم، تفاوت چشمگیری کرده است.

بعضی معتقدند نوجوانان از نسل «تکنولوژی» هستند و تلفن همراه، اینترنت، موسیقی، فیلم، تلویزیون و بازی‌های کامپیوتری و... برایشان بسیار مهم است و همین امر ریشه اصلی تفاوت در سبک زندگی آن‌ها با نوجوانان نسل‌های پیشین است. امروزه نوجوانان، اغلب، تماشای تلویزیون و بازی‌های کامپیوتری را به کتاب خواندن ترجیح می‌دهند. مطالعه را دوست ندارند، زیرا تماشای تلویزیون یا وقت گذراندن با کامپیوتر آسان‌تر است، زیرا در کار با این وسایل مجبور نیستند از تصور خودشان که شرط لازم برای خواندن است، استفاده کنند. بسیاری از نوجوانان امروزی ترجیح می‌دهند، به جای اینکه پیاده‌روی کنند، فوتبال بازی کنند یا به استخر بروند و... . اگر چه نمی‌توان انتظار داشت این نوجوانان همانند دوران نوجوانی پدر و مادرهایشان زندگی کنند اما شکی هم نیست که هر نوجوان، متعلق به هر نسلی که باشد، نیازمند رژیم غذایی متعادل، بهداشت شخصی مناسب و فعالیت‌های بدنی در هوای آزاد خواهد بود. این شیوه از زندگی در گذشته به‌طور طبیعی برای نوجوانان مهیا بود اما امروزه، با توجه به تغییرات شدید شرایط زندگی، باید با آموزش و مداخله بزرگسالان این سبک سالم زندگی را برای آن‌ها به وجود آورد. باید کاری کرد تا توپ‌بازی، دویدن، شنا، دوچرخه‌سواری یا پیاده‌روی برای آن‌ها از ساعت‌ها نشستن جلوی کامپیوتر یا تلویزیون جالب‌تر باشد، چرا که این چنین شیوه‌ای از زندگی، منجر به بهبود خلق و سلامت بدنی می‌شود.

چرا سبک زندگی سالم برای نوجوانان مهم است؟

آنچه پیش‌بینی‌کننده سلامتی در دوران بزرگسالی است، ترکیبی از سبک زندگی ایجاد شده در سال‌های نوجوانی، عوامل محیطی و ژنتیکی است. سبک زندگی آن قدر مهم است که در کنار عواملی چون محیط و وراثت قرار می‌گیرد. پس آموزش نوجوانان و ترغیب آن‌ها به اکتساب سبک زندگی سالم می‌تواند اقدامی مؤثر در جهت ارتقای سلامت نسل آینده باشد.

از سوی دیگر سبک زندگی سالم فقط به تغذیه و ورزش کردن محدود نمی‌شود و شامل مؤلفه‌های زیادی است. به بیان دیگر، سبک زندگی سالم به داشتن زندگی متعادل اشاره دارد. در زندگی هر نوجوان مسائل

متعددی وجود دارد که او را مجبور می‌سازد بین آن‌ها نوعی تعادل ایجاد کند. مسائلی مثل درس و مدرسه، دوستان (روابط)، فعالیت‌های فوق‌برنامه (غیردرسی)، ورزش، کار پاره‌وقت، مسئولیت‌های خانه، انتظارات والدین و... . گاهی اوقات ایجاد تعادل بین این مسائل برای نوجوان به پیچیدگی نمایش بازگر تر دستی است که تلاش می‌کند در هر لحظه چندین توپ را روی هوا نگه دارد؛ کاری که برای دیگران سخت و حتی ناممکن است. به همین دلیل است که آموزش سبک زندگی سالم که همانا یافتن تعادل در زندگی است بسیار اهمیت دارد و والدین، مراقبین و مربیان نقش کلیدی در این مسئله دارند.

خواب

باید کاری کنیم که نوجوان ما به اندازه کافی بخوابد؛ چراکه خواب کافی برای سلامت نوجوان حیاتی است. نوجوانان به خواب بیشتری از بزرگسالان نیاز دارند اما معمولاً کمتر می‌خوابند. الزامات تحصیلی و اجتماعی می‌تواند میزان خواب نوجوان را تحت تأثیر قرار دهد. وقتی نوجوان خواب کافی نداشته باشد، شاید بی‌قرار، افسرده و دمدمی شود که این خود منجر به مشکلات رفتاری می‌شود. تمرکز ممکن است مشکل‌تر شود و اغلب به افت نتایج درسی می‌انجامد. کمبود خواب مناسب همچنین می‌تواند سیستم ایمنی بدن نوجوان را تحت تأثیر قرار دهد که چه بسا به بیمار شدن او بینجامد. بدن و ذهن نوجوان، برای کارکرد مناسب نیاز به حداقل هشت ساعت خواب شبانه دارد.

فعالیت بدنی

تحریک یا فعالیت بدنی تأثیر زیادی بر سبک زندگی نوجوان دارد و وضعیت سلامتی او را به شیوه‌های متفاوتی ارتقا می‌دهد؛ از جمله کمک می‌کند تا بدن کالری‌ها را بهتر به کار ببرد که خود موجب حفظ وزن مطلوب می‌شود، اشتها را نیز کاهش می‌دهد و در کاهش توده چربی بدن مؤثر است. فعالیت بدنی کمک می‌کند نوجوان ذهن و بدنی قوی داشته باشند. افرادی که همراه با داشتن رژیم متعادل، ورزش هم می‌کنند، از هیکل سالم، ذهنی پویاتر و استرس کمتر سود می‌برند. فعالیت بدنی اندروین آزاد می‌کند. اندروین هورمونی است که در فرد احساسی خوب ایجاد می‌کند. فعالیت بدنی همچنین شیوه مؤثری برای تنظیم خلق و خوست و واقعاً انتخاب خوبی برای سبک زندگی است، زیرا بهزیستی کلی نوجوانان را بهبود می‌بخشد.

اگر چه نمی‌توان انتظار داشت این نوجوانان همانند دوران نوجوانی پدر و مادرهایشان زندگی کنند اما شکی هم نیست که هر نوجوان، متعلق به هر نسلی که باشد، نیازمند رژیم غذایی متعادل، بهداشت شخصی مناسب و فعالیت‌های بدنی در هوای آزاد خواهد بود

بازی کردن

بازی کردن و داشتن تفریحات مناسب، بخش مهم دیگری از سبک زندگی سالم است. داشتن زمانی برای خندیدن، لذت بردن و بودن در کنار افرادی که حس خوبی به فرد می‌دهند، به ایجاد تعادل در زندگی کمک می‌کند. زمانی را صرف نوجوان کنید تا چیزهایی را یاد بگیرد که در او احساس خوب ایجاد می‌کند و یادتان باشد که بعضی از آن‌ها را در زندگی‌شان بگنجانید. برای کودکان و به‌ویژه نوجوانان، بازی نقش مهمی در سلامت جسمی و عاطفی دارد. بازی افراد را شاد می‌کند و نوجوانی که میزان متعادل از شادی براساس بازی در زندگی‌اش تجربه کند، به احتمال، کمتر تحت تأثیر موضوعاتی مثل اضطراب و افسردگی قرار می‌گیرد.

تغذیه

تغذیه سالم در خلال نوجوانی اهمیت دارد، چراکه تغییرات بدنی در طول این زمان، نیازهای تغذیه‌ای و رژیمی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نوجوانان اغلب یک جهش رشدی و افزایش در اشتها را تجربه می‌کنند و نیازمند غذاهای سالم برای ارضای نیازهای رشدی‌شان هستند.

روابط با دوستان و خانواده

برای حفظ سلامت هیجانی، نوجوان نیاز دارد افرادی را در اطراف خود داشته باشد که بتواند برای گفت‌وگو درباره مشکلاتش به آن‌ها اعتماد کند. روابط مهم هستند اما زندگی‌های پرمشغله و توقعات متعارض از جانب کار و مدرسه، گاهی می‌تواند مانع وقت‌گذاری با خانواده و دوستان شود. از سوی دیگر جذابیت استفاده از کامپیوتر و ارتباطات بر خط مجازی، گاهی نوجوان را از برقراری ارتباطات واقعی باز می‌دارد که این موضوع مانع پرورش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی ارزشمندی می‌شود که برای داشتن یک زندگی متعادل و سالم لازم است. لازم است نوجوانان به این موضوع پی ببرند که تلویزیون، کامپیوتر، اینترنت و امثال این ابزارهای ارتباطی برای رفع نیاز انسان به داشتن یک رابطه واقعی و معنادار کافی نیستند و حتی می‌توانند موجب انزوای فرد شوند.

اما جنبه‌های مهم یک سبک زندگی سالم چیست و چه‌طور می‌توان عادات رفتاری مناسب و سالم را در نوجوان ایجاد کرد؟ می‌دانید که معمولاً وقتی می‌خواهیم درباره سلامتی صحبت کنیم، آسان‌تر آن است که صحبت را به سلامت بدنی محدود کنیم؛ اما این کافی نیست، چه، سلامتی در واقع امری است که در آن نیازمندی‌های بدنی، ذهنی و عاطفی همگی سهم مهمی دارند و باید در نظر گرفته شوند؛ لذا در ادامه، از بین تعداد زیاد عواملی که در سلامت کلی شخص نقش دارند، بعضی را که کلیدی‌تر از بقیه‌اند به اختصار مورد اشاره قرار می‌دهیم.

وقتی بچه‌ها کوچک‌تر هستند، هدایت آن‌ها به داشتن سبک زندگی سالم آسان‌تر است. مثلاً شما می‌توانید تصمیم بگیرید آن‌ها چقدر سبزیجات بخورند، با دوستانشان در حیاط بازی کنند، با خواب شب و چرت نیم‌روز به اندازه کافی بخوابند و... اما وقتی به سن نوجوانی می‌رسند، شروع به استقلال ورزیدن می‌کنند و تعادلی را که شما برایشان ایجاد کرده بودید به هم می‌زنند.

اگرچه استقلال‌طلبی در نوجوانان بخشی از فرایند طبیعی رشد آن‌هاست و باید به رسمیت شناخته شود و مورد احترام باشد، اما باید دانست سال‌های نوجوانی، زمانی حیاتی برای یادگرفتن چگونگی زندگی کردن به عنوان یک بزرگ‌سال در آینده است. این بهترین زمان برای آموزش چگونگی داشتن یک سبک زندگی سالم و متعادل به آنان می‌باشد. از آنجا که مربیان در آموزش سبک زندگی سالم به نوجوانان نقش مهم و تأثیرگذاری دارند، در ادامه این مقاله مطالبی برای استفاده آورده شده است. اگرچه این مطالب تمام آن چیزی نیست که باید باشد و با توجه به مجال و مقال به حداقل‌ها بسنده شده است.

راه‌هایی برای تشویق نوجوانان برای داشتن سبک زندگی متعادل‌تر

گذراندن زمان به دور از صفحه‌های نمایش کوچک. با نوجوانان درباره آسیب‌های استفاده از انواع صفحه نمایش (اعم از تلویزیون، رایانه، گوشی‌های هوشمند و...) گفت‌وگو کنید. از آن‌ها بخواهید در این باره تحقیق کنند و نتایج تحقیقاتشان را به کلاس بیاورند تا درباره آن گفت‌وگو کنید. با هم برای محدود کردن استفاده از صفحه نمایش و رساندن آن به حداکثر دو ساعت در روز برنامه‌ریزی کنید. نوجوانان به برنامه‌هایی که خود در تهیه آن‌ها مشارکت داشته باشند پایبندترند.

نوجوان را به داشتن خواب کافی ترغیب کنید.

تحمیل کردن زمان خواب به نوجوان، توسط والدین، اغلب چالش‌برانگیز است. اما خاطرنشان کردن پیامدهای منفی نداشتن خواب مناسب، مخصوصاً از جانب مربیانی که رابطه خوبی با نوجوانان دارند، می‌تواند آن‌ها را به تغییر رفتارشان ترغیب کند. صرف‌نظر از این بحث، اصولاً یک قانون خوب برای رایانه و دیگر وسایل الکترونیکی این است که در اتاق خواب از آن‌ها استفاده نشود چراکه باعث می‌شوند فرد، به جای خوابیدن، تا پاسی از شب سر آن‌ها باشد. همچنین توصیه می‌شود از غذاها و نوشیدنی‌های کافئین‌دار، ۳ تا ۴ ساعت قبل از خواب استفاده نشود.

توصیه‌هایی برای داشتن خواب خوب شبانه:

- ★ داشتن عادت معین برای رفتن به رختخواب؛ مثل دوش گرفتن، تعویض لباس، یک نوشیدنی گرم و...
- ★ حذف یا کاهش هر منبع نوری در اتاق؛ خاموش کردن تلویزیون و تلفن همراه.

تبدیل ورزش به سرگرمی. گاهی اوقات

نوجوانان نیاز دارند که به آن‌ها یادآوری شود شرکت در فعالیت بدنی می‌تواند جالب باشد. ورزش‌های تیمی شیوه ایده‌آلی برای گنجاندن ورزش منظم در زندگی شخصی یک نوجوان هستند، به علاوه شیوه بسیار خوبی برای ایجاد مهارت‌هایی مثل کار تیمی است. شاید باور شما برای ما که دوران نوجوانی مان با انواع بازی‌های پرتحرک و سرگرم‌کننده گذشته است، سخت باشد ولی واقعیت این است که نوجوانان امروزی نمی‌دانند چگونه بدون ابزارهای الکترونیکی بازی کنند! مربیان دلسوز می‌توانند با آموزش بازی‌های سنتی مثل هفت سنگ، استوپ هوایی و... و ایجاد شرایط مناسب، ارزش یک بازی شاد و فرح‌بخش را در عمل به نوجوانان بیاموزند.

زمان گذاشتن برای خانواده. حالا که حرف از آموزش خانواده شد خوب است این موضوع را هم با والدین در میان بگذارید. نوجوان (برخلاف رفتارهای استقلال طلبانه‌اش که کاملاً هم طبیعی است) برای دریافت حمایت و راهنمایی به والدین خود بسیار نیازمند است. او به این رابطه نیاز دارد تا مطمئن شود زندگی‌اش در جهت صحیح حرکت می‌کند یا نه. توصیه‌های بالا به تعدادی روش اشاره می‌کند که می‌تواند کمک کند این حالت رخ دهد، اما هیچ‌کدام از این راهکارها مؤثر نخواهد بود مگر اینکه شما رابطه‌ای داشته باشید که ارتباط منظم را در چارچوبی حمایتی میسر کند. اگرچه ضرورت رفاقت و همراهی والدین با نوجوانان ممکن است برای اغلب والدین کاملاً بدیهی به نظر برسد، اما زندگی‌های امروزه ما می‌تواند آنقدر شلوغ باشد که گاهی فراموش کنیم برای چیزهای مهم مثل ساختن روابط سالم خانوادگی زمان بگذاریم. فراموش نکنید که روابط سالم خانوادگی پیش نیاز اکتساب سبک سالم زندگی است.

تشویق یک رژیم سالم. نوجوانان بیشتر از کودکان میل دارند بعضی وعده‌های غذایی را خارج از خانه بگذرانند و در انتخاب نوع غذا شدیداً تحت تأثیر همسالانشان هستند. متأسفانه دسترسی آسان و ارزان به انواع شیرینی‌ها، فست‌فودها و اسنک‌های حاوی شکر و چربی فرآوری شده نسبت به گذشته، به موارد بیشتری از اضافه وزن و چاقی در نوجوانان انجامیده است.

البته در این بخش از آموزش سبک زندگی، مسئولیت اصلی بر دوش خانواده است. لذا توصیه‌های زیر را می‌توان در جلسات آموزش خانواده به والدین ارائه کرد. البته که انتقال این مطالب به نوجوانان از جانب مربیان دلسوز نیز برای نوجوانان بسیار مؤثر خواهد بود.

★ در یخچال و کابینت مواد غذایی سالم مثل میوه (خشک/تازه) داشته باشید و غذاهای چرب، شیرین و فرآوری شده را از این اماکن پرمراجعه حذف کنید؛
★ درباره پیامدهای انتخاب غذای ناسالم با آن‌ها گفت‌وگو کنید؛

★ خودتان الگوی عادات غذایی سالم داشته باشید؛
★ برای صرف غذا باز هم، در خانواده، برنامه منظمی داشته باشید؛

★ نوجوانان را در انتخاب و تهیه غذا مشارکت دهید و با فراهم آوردن فرصت‌هایی برای انتخاب غذاها بر اساس ارزش تغذیه‌ای‌شان، یادشان دهید انتخاب‌های سالم داشته باشند؛

★ با تهیه مجلات یا کتاب‌های دارای مقالات تغذیه‌ای به آن‌ها کمک کنید درباره تغذیه خودشان اطلاعات کسب کنند و علاقه آن‌ها به سلامتی، آشپزی یا تغذیه را تشویق و حمایت کنید؛

★ هر وقت امکان دارد از پیشنهادها و آنان برای آماده کردن غذا در خانه استفاده کنید.

★ غذاهای جدید و متفاوت با رسوم خودتان را امتحان کنید.

توجه به این نکته لازم است که اگر رژیم غذایی نوجوان مملو از غذاهای ناسالم و هله‌هوله زیاد است، حذف کامل و یکباره آن‌ها روش درستی نیست، چراکه می‌تواند منجر به ولع و زیاده‌روی شود. حذف تدریجی و مرحله به مرحله، رویکرد ایمن‌تر و قابل تحمل‌تری است. به عبارت خودمانی‌تر، خوردن یکی دو وعده فست‌فود در ماه کسی را نکشته است!

اگر رژیم غذایی نوجوان مملو از غذاهای ناسالم و هله‌هوله زیاد است، حذف کامل و یکباره آن‌ها روش درستی نیست، چراکه می‌تواند منجر به ولع و زیاده‌روی شود. حذف تدریجی و مرحله به مرحله، رویکرد ایمن‌تر و قابل تحمل‌تری است

داشتن خواب کافی، عادات غذایی خوب، انجام فعالیت بدنی روزانه، داشتن افرادی برای دردلد کردن و یافتن وقت برای «تفریح» به این معناست که نوجوان در مسیر داشتن سبک زندگی سالم قرار دارد. اما وقتی او مشغول تلاش برای یافتن تعادل است، واقعاً عجیب نیست که گاهی به سمت عادات بد بلغزد. ما می‌خواهیم کمک کنیم نوجوانان درباره انتخاب‌های سبک زندگی‌شان آگاهی به‌دست آورند، جنبه‌های مثبت و منفی انتخاب‌های سبک زندگی‌شان را کشف کنند و اگر لازم بود گزینه‌های سالم‌تر را جست‌وجو کنند.

در پایان یادتان باشد ایجاد یک سبک زندگی سالم و فعال، یک مسابقه نیست. نوجوان با برداشتن گام‌های تدریجی، به احتمال بیشتر به این هدف می‌رسد. تشویق و دلگرمی شما و خصوصاً قابلیت الگوبرداری‌تان می‌تواند او را در رسیدن به موفقیت یاری کند.

معلمان و آزمون

احمد مختاریان



طرح شود.

ماده ۹۹ آیین نامه اجرایی مدارس بیان می‌دارد که: «معلمان در انتخاب روش‌های تدریس، بودجه‌بندی کتاب‌های درسی، طرح سؤال امتحانی، به کارگیری وسایل کمک آموزشی و مواد کمک‌درسی با رعایت مقررات مصوب و تصمیم‌های شورای مدرسه آزادی عمل خواهند داشت».

اموری مانند تایپ کردن سؤالات، نوشتن بارم سؤالات، ارائه پاسخنامه و ... الزامی نیست مگر آنکه چنین اموری در شورای مدرسه تصویب شده باشد. **ب** مقررات مربوط به حفظ و مراقبت از سؤالات آزمون: یکی از اصول بسیار روشن درباره سؤالات آزمون، تلاش در افشا نشدن آن‌ها است، به طوری که قانون برای افشای آن‌ها مجازات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال را معین نموده است. این مجازات زمانی اعمال می‌شود که سؤالات افشا شده، سؤالات امتحانات نهایی باشند. استفاده از سؤالات افشا شده و یا استفاده نکردن از آن‌ها در اعمال مجازات فوق تأثیری ندارد.

۲ مقررات مربوط به برگزاری آزمون شامل: **الف** مقرراتی که می‌بایست از سوی برگزارکنندگان آزمون رعایت شود.

از آنجا که بحث ما در این مقاله درباره ارتباط معلمان با آزمون است و معلمان هیچ‌گونه وظیفه و مسئولیتی در این زمینه ندارند از بحث در این باره صرف‌نظر می‌کنیم.

نکته مهم این است که در قوانین مربوط به برگزاری آزمون ابهاماتی درباره ضرورت حضور معلم مربوط به هر آزمون وجود دارد. این ابهامات درباره امکان استفاده از معلمان به عنوان مراقب و نیز پرداخت حق الزحمه آنان در آزمون‌های پایانی نیز وجود دارد. به نظر می‌رسد شورای عالی آموزش و پرورش با عنایت به حساسیت موضوع، باید

همگان از اهمیت آزمون و امتحان و جایگاه آن آگاه‌اند. اگر آگاهی معلمان را در این زمینه با آگاهی پدران و مادران و دانش‌آموزان مقایسه کنیم به روشنی در می‌یابیم که آگاهی معلمان در سطحی بسیار فراتر از آگاهی اولیا و دانش‌آموزان قرار دارد. آزمون در نگاه معلمان چیزی نیست مگر وسیله و ابزاری برای دستیابی به مهم‌ترین هدف‌های تربیتی و آموزشی. دیدگاه فراگیر در نزد اولیا و دانش‌آموزان دیدگاه هدف انگارانه است، یعنی آن‌ها آزمون را وسیله‌ای برای تکامل علمی و ارتقای تربیتی نمی‌دانند بلکه آن را هدف می‌دانند. به همین دلیل است که نتایج نامطلوب یک آزمون، معلم را به اندیشیدن در راستای چگونگی دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی وادار می‌دارد ولی اولیا و دانش‌آموزان را به چگونگی کسب نمرات بالاتر ترغیب می‌کند. مسلماً میان نگاه ابزاری به یک مطلب با نگاه هدف‌مدارانه به آن بسیار متفاوت است. به نظر می‌رسد آموزش خانواده‌ها در این زمینه از ضرورت ویژه‌ای برخوردار باشد. باور این امر که معلمان از اصول و مبانی طراحی آزمون‌های استاندارد و مؤثر مطلع‌اند و آن‌ها را به کار می‌گیرند از ادامه این بحث صرف‌نظر می‌شود و طرح آن را به متخصصان باتجربه می‌سپاریم.

در این نوشتار به مباحث قانونی مربوط به آزمون می‌پردازیم. مقررات عمومی (آنچه که می‌بایست درباره همه آزمون‌ها به کار برد) مربوط به آزمون را می‌توان در سه بخش اصلی مورد بررسی قرار داد.

۱ مقررات مربوط به قبل از برگزاری آزمون، شامل:

الف مقررات مربوط به طراحی آزمون: طراحی سؤال دارای ضوابط قانونی خاصی نیست. آنچه که در عرف معلمان مرسوم است باید رعایت شود. برای مثال نباید از مباحث تدریس نشده سؤالی

**برگزاری آزمون
یک عمل صرفاً
اداری است، به
همین دلیل به نظر
می‌رسد استفاده
از کارمندان
اداری در این
امر موجه‌تر و
عقلانه‌تر باشد**

به سرعت در این زمینه تصمیم‌گیری نماید. به نظر می‌رسد الزام معلمان به حضور در جلسه امتحان از امور ناپسند و مغایر با جایگاه ایشان باشد. برگزاری آزمون یک عمل صرفاً اداری است، به همین دلیل به نظر می‌رسد استفاده از کارمندان اداری در این امر موجه‌تر و عاقلانه‌تر باشد.

❶ مقرراتی که باید از سوی شرکت کنندگان در آزمون رعایت شود.

این مقررات در آیین‌نامه تخلفات امتحانی آمده است و چون ارتباطی با معلمان ندارد از پرداختن به آن صرف‌نظر می‌شود.

❷ مقررات مربوط به پس از برگزاری آزمون شامل:

الف) در مورد نگهداری برگه‌های آزمون قبل از تصحیح آن‌ها. مقررات ویژه‌ای در این باره وجود ندارد، عرف معلمان و مدارس بر این است که برگه‌های آزمون تا ارائه به معلم مربوطه در محل مدرسه در جای امنی قرار داده می‌شود.

ب) مقررات مربوط به تصحیح برگه‌های آزمون: مهلت تصحیح اوراق امتحانی به وسیله معلم حداکثر یک هفته در دوره ابتدایی و متوسطه اول و پنج روز در دوره متوسطه دوم است. چنانچه در طول این مدت تصحیح برگه‌ها انجام نشود مدیر مدرسه باید موضوع را به اداره آموزش و پرورش گزارش نماید، سپس برگه‌ها را برای تصحیح در اختیار معلم واجد شرایط دیگری قرار دهد. برگه‌های آزمون باید به وسیله شخص معلم تصحیح شود. سپردن آن‌ها به دیگری هر چند او نیز از معلمان همان درس باشد مجاز نیست.

برگه‌های آزمون‌های داخلی دی ماه و نوبت دوم و شهریور باید توسط معلم مربوط و در محل واحد آموزشی و زیر نظر مدیر تصحیح شود. مدیر مدرسه می‌تواند با مسئولیت خود اوراق امتحانی را جهت تصحیح در خارج از محل واحد آموزشی در اختیار معلم قرار دهد.

معلمانی که درس‌های مربوط به امتحان نهایی را تدریس می‌کنند موظفاند حداکثر دو روز پس از برگزاری امتحان آن درس، با تشخیص و برابر ابلاغی که اداره صادر می‌کند، نسبت به تصحیح برگه‌ها اقدام نمایند. تخلف از ابلاغ فوق موجب مجازات اداری خواهد بود.

هیچ قانونی درباره چگونگی و روش تصحیح اوراق امتحانی وجود ندارد. علت این امر عدم نیاز به چنین مقرراتی است. زیرا اصل بر این است که برگه آزمون به وسیله معلم همان درس تصحیح می‌شود. فقط در امتحانات نهایی به منظور رعایت انصاف و تساوی برگه‌ای به نام «کلید سؤالات» یا

«پاسخ‌نامه آزمون» تهیه می‌شود و معمولاً تصحیح کنندگان براساس آن اوراق را تصحیح می‌کنند، هر چند به نظر می‌رسد مصححان الزامی به رعایت مفاد و بارم‌های آن نداشته باشند.

طرز تعیین نمره دریافتی در هر سؤال کاملاً به سلیقه معلم وابسته است. نه اداره و نه بازرس امتحانات و نه مدیر نمی‌توانند برای معلم چارچوبی درباره روش تصحیح ورقه مقرر نمایند. حتی نوشتن بارم دریافتی هر سؤال نیز برای معلم الزامی نیست. معلمان برای سهولت در تعیین نمره نهایی برگه اقدام به نوشتن اعدادی بر روی سؤال‌ها می‌کنند. این به معنای الزام ایشان به این کار نیست.

نمی‌توان معلم را مجبور به استفاده از وسیله‌ای خاص و با رنگی خاص برای تصحیح برگه کرد. امضا کردن برگه پس از تصحیح و تعیین نمره فقط در آزمون‌های نهایی ضرورت دارد. این ضرورت در امتحانات داخلی دیده نشده است.

معلم می‌تواند شناخت خود از توانایی علمی دانش‌آموز را در تصحیح برگه اعمال نماید.

❸ مقررات مربوط به نگهداری برگه‌های آزمون پس از تصحیح آن‌ها:

★ معلمان وظیفه‌ای در نگهداری از اوراق امتحانی به عهده ندارند.

★ معلم در ارائه برگه تصحیح شده به مدرسه و یا دانش‌آموز و اولیا وی دارای اختیار کامل است.

★ معلمان می‌بایست برگه‌های امتحان مربوط به دی، خرداد و شهریور را پس از تصحیح در اختیار مدرسه قرار دهند تا برابر مقررات از آن‌ها نگهداری شود.

★ تبصره ماده ۱۰۲ آیین‌نامه اجرایی مدارس بیان می‌دارد: «امحای اوراق امتحانی دانش‌آموزان و سایر نوشته‌ها و مدارکی که جنبه دائمی ندارد با رعایت مقررات مربوط و تنظیم صورت‌جلسات لازم، انجام می‌گیرد.»

❹ مقررات مربوط به ثبت نمرات آزمون: معلم می‌تواند بخش اعشاری میانگین نمره ارزشیابی مستمر و پایانی امتحان داخلی دانش‌آموز را، با توجه به وضعیت کلاسی وی، به هر نحو که صلاح بداند (با افزایش یا کاهش آن) به نمره بدون اعشار تبدیل نماید. (ماده ۲ فصل دوم آیین‌نامه امتحانات دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی)

❺ مقررات مربوط به اعلام نمرات آزمون: نتیجه تصحیح برگه‌های امتحانی باید به اطلاع مدیر و معاون آموزشی مدرسه و نیز دانش‌آموز و اولیای وی رسانده شود. همچنین اطلاع‌رسانی می‌تواند در قالب ارائه برگه آزمون، ثبت در دفتر معلم و ارائه آن به افراد فوق و یا ثبت در لیست نمرات باشد.

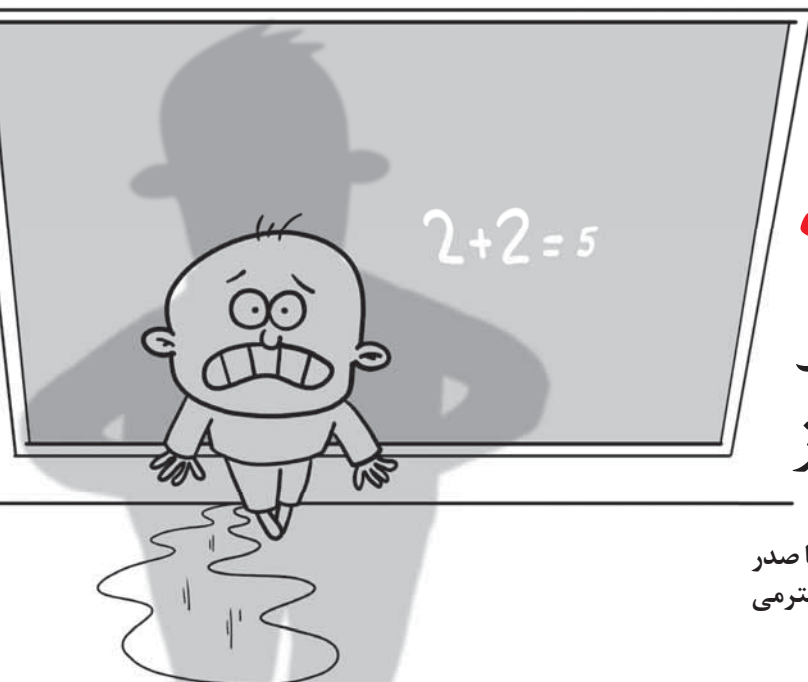
**برگه‌های آزمون
باید به وسیله
شخص معلم
تصحیح شود.
سپردن آن‌ها به
دیگری هر چند
اونیز از معلمان
همان درس باشد
مجاز نیست**

قانون جاذبه

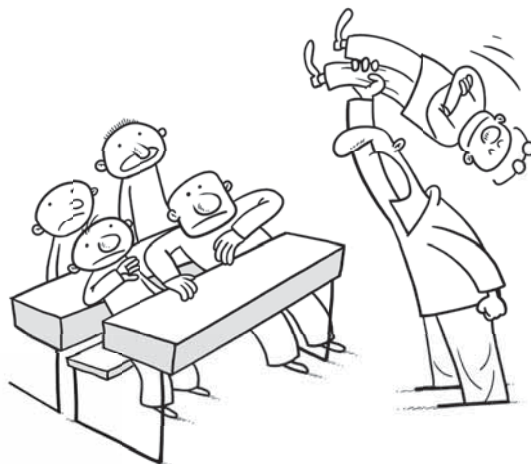
راه‌های برقراری ارتباط صحیح با دانش آموز

رویا صدر

تصویرگر: ابوالفضل محترمی



↑ با دانش آموز خودماني نشويد و از او فاصله بگيريد. يادتان باشد كه شما يك معلم هستيد نه مشاور و حلال مشكلات ريز و درشتش. سنگ صور بودن هم حدي دارد. هر وقت مشكل دانش آموزي را شنيديد به قسط‌هاي عقب‌مانده و اجاره‌خانه و هزار تا بدبختي خودتان فكر كنيد. يادتان باشد، شما براي ديگران دل سوزانده‌ايد كه به اين روز افتاده‌ايد، و گرنه شما هم مي‌توانستيد الان يك پورشه سوار شويد. اگر دانش آموز بداند كه شما مهرباني و دلسوزي به خرج مي‌دهيد و سعي مي‌كنيد مشكلش را حل كنيد از حسن نيت شما سوء استفاده مي‌كند و درس نمي‌خواند و بعدها سربار اجتماع مي‌شود. آن وقت شما، كه در كودكي او، با بي‌مسئوليتي هرچه تمام‌تر پاي حرف‌ها و دردل‌هايش نشست‌ايد و آينده‌اش را تباه کرده‌ايد، مقصر شناخته خواهيد شد!



↑ در كلاس يا مدرسه يك دانش آموز را نشان كنيد و به او توجه و اهميت خاصي نشان دهيد و او را مدام به رخ بچه‌هاي ديگر بکشيد. دانش آموزان معمولاً از اين كه فقط يكي از آن‌ها مركز توجه باشد و به بقيه بي‌توجهي شود لذت مي‌برند و فضاي رقابتي ميان آن‌ها شكل مي‌گيرد كه بي‌شك سازنده است. به مدير يا ناظم مدرسه پيشنهاده كنيد كه يك دانش آموز را در تمام طول سال تحصيلي به‌عنوان نماينده كلاس تعيين كند. چرا كه اگر بخواهيد به تك‌تك بچه‌ها مسئوليت بدهيد سنگ روي سنگ بند نمي‌شود. يادتان باشد كه در مدرسه و جامعه، همه براي احراز مسئوليت برابرند، ولي به قول نويسنده قلع‌ه حيوانات: «بعضي‌ها برابر ترند!»

گفتی گرانگاه؟ بله گرانگاه...
بينيد، مبحث گرانگي گاه مرتبطه با
تعادل. يعني چي؟ فرض كنيد بين
درآمد و هزینه شما تعادل نباشه.
يعني گرانگي، گاه خودتون نشون مي‌ده.
بله، گرانگي گاهي فشاري ياره و شما مجبور
سي سي به جاي روغن نباتي، از روغن
پالم استفاده كنيد. حالا اين روغن
پالم چي هست؟ بهتره توضيح مي‌دم...



→ هرگز با دانش آموزانتان در غیر از ساعات درسی، یعنی بیرون از مدرسه، ارتباط نداشته باشید. از گرفتن عکس یادگاری و شرکت در اردوهای گروهی با دانش آموزان جدا خودداری کنید. از حریم فضاهای مجازی‌تان در برابر هجوم دانش آموزان محافظت کنید. مورد داشته‌ایم جوکی را که معلم می‌خواسته در یک گروه وایبری دوستانه بفرستد، اشتباهاً برای گروه دانش آموزانش فرستاده! (از سرنوشت معلم نامبرده اطلاعی در دست نیست!)



← جلوی کلاس، روی صندلی‌تان پشت میز، بنشینید و مثل عقاب تمام سوراخ‌سنبه‌های کلاس را زیر نظر بگیرید. از جای خود جم نخورید. بدترین کار این است که در بین نیمکت‌ها حرکت کنید و تا دیدید جایی خالی است، خدای ناکرده بروید و کنار دانش آموزی بنشینید. در این صورت رویش به شما باز می‌شود و دیگر هیچ! من یک بار کنار یک دانش آموز نشستم و متوجه شدم که از جلسات بعد، توی رویم لبخند می‌زند!



↑ اگر هیچ یک از این ترفندهای بالا کارگر نشد از دانش آموز بخواهید وقت کلاس را نگیرد و به او بگوید که در آخر کلاس یا زنگ تفریح یا، حتی آخر دنیا! به سؤالش جواب خواهید داد... سپس به محض اینکه زنگ خورد «محل کار خود را ترک و به پناهگاه بروید!» و چه پناهگاهی بهتر از دفتر مدرسه!

فقر حرکتی

عادات ناهنجار زندگی

ناهنجاری‌های جسمانی دانش‌آموزان
تهدیدی فردی و اجتماعی

ابوالفضل مردان‌پور
مدیر گروه هنجاریابی قامتی

سلامتی مهم‌ترین سرمایه انسان است و آدمی امروزه بیش از پیش به نقش و اهمیت ورزش در کاهش ناهنجاری‌های روانی و تعادل اجتماعی و تأمین سلامت پی برده است. معمولاً بدن افراد در مراحل حساس رشد، در اثر فقر حرکتی و عادات غلط زندگی، شدیداً تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تغییر شکل می‌دهد. اصلاح این ناهنجاری‌ها زمان و تلاش فراوانی می‌طلبد و گاهی نیز قابل جبران نیست، به‌ویژه که در سال‌های اخیر این مشکلات به دلیل کم‌حرکی، ماشینی شدن سبک زندگی افراد و حرکت جوامع به سمت صنعتی شدن و عدم توجه به عادات درست زندگی رشد فزاینده‌ای داشته است. زندگی انسان امروزی شیوه کاملاً متفاوتی به خود گرفته است؛ تلویزیون و انواع وسایل بازی کامپیوتری نیز باعث ایجاد سبک زندگی کم‌تحرك و ساکن شده است. پیامد این وضعیت بروز عوارضی از قبیل ضعف‌های عضلانی و ناهنجاری‌های اسکلتی است که سلامت جسمانی و روانی افراد جامعه و به‌ویژه کودکان و نوجوانان و

دانش‌آموزان به‌ویژه دختران را مورد تهدید قرار می‌دهد.

یافته‌های تحقیقاتی در این زمینه نشان از آن دارد که ۶۱/۶۵ درصد دانش‌آموزان از وضعیت غیرطبیعی جسمانی برخوردارند (واثقی، ۱۳۸۳). در تحقیقی دیگر که به بررسی میزان شیوع ناهنجاری‌های ستون فقرات دانشجویان پسر و دختر زاهدان پرداخته نشان داده شده که ۹۷ درصد جامعه مورد پژوهش دچار ناهنجاری‌های ستون مهره‌ای بوده‌اند (موسوی، ۱۳۷۵). تحقیقات از این دست و یافته‌های آن اهمیت توجه به مقوله آموزش، شناسایی و کمک به رفع ناهنجاری‌های ساختاری را صدچندان می‌کند.

این ناهنجاری‌ها سبب ایجاد مشکلات فردی و اجتماعی می‌شود که از آن جمله می‌توان به خستگی مفرط، کاهش اعتماد به نفس و آرامش در فرد، تغییر شکل نامطلوب اندام‌های بدن، بروز مشکلاتی در عملکرد دستگاه‌های تنفس، گردش خون و سلسله اعصاب، کاهش دامنه حرکت مفاصل و ایجاد احساس و ظاهری ناخوشایند و نامتوازن در عضلات، مفاصل و استخوان‌ها، اشاره کرد.

تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش به دانش‌آموزان به‌عنوان سرمایه‌های اصلی جامعه نظر ویژه‌ای دارد. هنگامی که در مورد سلامتی صحبت به میان می‌آید بی‌تردید وضعیت صحیح قرارگیری بدن هنگام فعالیت‌های گوناگون در رأس فهرست عوامل تندرستی و سلامت قرار می‌گیرد. وضعیت جسمانی مطلوب می‌تواند در ایجاد زندگی سالم و با نشاط نقش مهمی ایفا کند.

در این راستا «واحد هنجاریابی قامتی و حرکات اصلاحی» معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش جهت پیشگیری و درمان ناهنجاری‌ها ۳ راهبردار مدنظر قرار داده است.

الف. آموزش و بالابردن سطح آگاهی دانش‌آموزان و خانواده‌ها

در این بخش با تهیه بروشورها، پوسترها، سیدی‌های آموزشی و پیام‌ها، و طرح آن‌ها در جلسات انجمن اولیا و مربیان و ... به ارتقای دانش خانواده‌ها و دانش‌آموزان کمک می‌شود.

ب. شناسایی

با تشکیل گروه‌های غربالگری و ارزیابی ساختار قامتی دانش‌آموزان کمک قابل توجهی به این بخش نموده است

ج. تشکیل کانون‌های حرکات اصلاحی

آموزش وضعیت‌های صحیح بدنی و همچنین آموزش پیشگیری از بروز عوارض و ناهنجاری‌های بدنی امری ضروری به‌ویژه برای دانش‌آموزان است. از طریق آموزش کودک یاد می‌گیرد چطور روی نیمکت بنشیند، به چه نحو تکالیف خود را انجام دهد و چطور راه برود یا شیئی را حمل کند. چنانچه این آموزش و یادگیری با الگوی صحیح صورت بگیرد زندگی فرد تا پایان، به همین صورت ادامه پیدا خواهد کرد. به هر حال، به‌نظر می‌رسد این مشکل سلامت دانش‌آموزان و اجتماع را به شدت تهدید می‌کند. بر این اساس در کانون‌های حرکات اصلاحی ضمن شناسایی و ارزیابی قامتی دانش‌آموزان توسط متخصصان امر، اقداماتی در خصوص پیشگیری و کمک به درمان ناهنجاری‌های آن‌ها از طریق آموزش حرکات جبرانی و ورزش درمانی صورت می‌گیرد.

اتخاذ عادات حرکتی صحیح، اصلاح ناهنجاری‌های قامتی، پیش‌گیری از شیوع ناهنجاری‌های اکتسابی دستگاه عضلانی-اسکلتی، معرفی و آموزش عادات و الگوهای حرکتی صحیح به دانش‌آموزان، ارجاع و معرفی دانش‌آموزان دارای ناهنجاری‌های اسکلتی مشاهده شده توسط معلم به کانون‌های تندرستی و حرکات اصلاحی، یا سایر مراکز درمانی، می‌تواند کمک شایان توجهی به این موضوع نماید. در این راستا محدودیت‌ها و مشکلاتی از قبیل مشکل اطلاع‌رسانی به کلیه دانش‌آموزان، کمبود فضا و تجهیزات مورد نیاز استاندارد، کمبود نیروی متخصص، اعتبارات و ... از جمله عوامل موجود در این زمینه است.

با توجه به نیاز و اهمیت موضوع، لزوم توجه ویژه از طرف مسئولان و برنامه‌ریزان به این مقوله بیشتر احساس می‌شود. از طرفی آگاهی دادن به خانواده‌ها و حساس کردن آن‌ها به ضرورت پیشگیری از مشکلات ساختار قامتی فرزندان، و نیز الزام فرزندان به فعالیت‌های ورزشی و توجه به عادات صحیح بدنی (نشستن، ایستادن، راه رفتن و ...) می‌تواند کمک قابل توجهی در این زمینه باشد تا بتوان بر این چالش بزرگ فائق آمد و از این طریق در راه تحقق حیات طیبه و زندگی سالم برای آینده‌سازان جامعه قدم برداشت.

معمولاً بدن افراد
در مراحل حساس
رشد، در اثر فقر
حرکتی و عادات
غلط زندگی،
شدیداً تحت تأثیر
قرار می‌گیرد
و تغییر شکل
می‌دهد. اصلاح این
ناهنجاری‌ها زمان
و تلاش فراوانی
می‌طلبد و گاهی
نیز قابل جبران
نیست

یک برش لبخند

سعیده اصلاحی

یک برش لبخند

یافت در بی‌بصری گمشده خود یعقوب
دیده از هر که گرفتند، بصیرت دادند^۱
گویند: روزی دهقانی مقداری گندم در دامن لباس
پیرمرد فقیری ریخت. پیرمرد خوشحال شد
و گوشه‌های دامن خود را گره زد و رفت.
در راه با پروردگار سخن می‌گفت: «ای گشاینده
گره‌های ناگشوده، عنایتی فرما و گره‌ای از گره‌های
زندگی ما بگشا».
در همین حال ناگهان گره‌ای از گره‌های دامنش باز
شد و گندم‌ها بر زمین ریخت.
پیرمرد با ناراحتی رو به آسمان کرد و گفت:
من تو را کی گفتم ای یار عزیز
کاین گره بگشای و گندم را بریز
آن گره را چون نیارستی گشود
این گره بگشودنت دیگر چه بود؟
بعد نشست تا گندم‌ها را از روی زمین جمع کند و
در کمال ناباوری دید که دانه‌ها به روی ظرفی از طلا
ریخته‌اند.
ندا آمد که:
تو مبین اندر درختی یا به چاه
تو مرا بین که منم مفتاح راه^۲

۱- صائب تبریزی
۲- مولانا

خبرت خراب‌تر کرد جراحت جدایی
چو خیال آب روشن که به تشنگان نمایی
تو چه ارمغانی آری که به دوستان فرستی
چه از این به ارمغانی که تو خویشتن بیایی
سعدی

پیامکی برای دلت

برای کشف دنیا، اول به کشف خودت پرداز... به
تماشای خودت بیا و نگاهی به دستانت ببنداز...
خداوند هر انگشت تو را یک کلید آفریده است
برای گشایش...
پس بخشنده باش با این همه کلید در دست،
بی‌آنکه نگران درهای بسته و قفل‌های شکسته
باشی.
از خودت شروع کن: «بخواه» تا «بتوانی» تا
«بشود»...
که اگر تو نخواهی هیچ بذری به بار نخواهد
نشست و هیچ زمستانی به بهار نخواهد رسید.
کلیدهای طلایی پیروزی در دست‌های توست،
زیرا آفریدگار کریم‌ات، تورا گشایشگر و منجی
آفریده است. پس ایمان داشته باش هر دری که
باز کنی پرنده‌های فراوانی را به آسمان پر خواهد
داد.

کلبه‌ام پنجره‌ای باز به دریا دارد
خوب من، منظره خوب تماشا دارد
ساختم آینه‌ای را به بلندای خیال
تا خودت را به تماشای «خودت» وا دارد
محمد سلمانی

ترانه‌های تنهایی

بایزید بسطامی را پرسیدند:
اگر در روز رستاخیز خداوند بگوید چه آورده‌ای؟
به او چه خواهی گفت؟
بایزید پاسخ داد: «وقتی فقری بر کریمی وارد
می‌شود به او نمی‌گویند چه آورده‌ای بلکه
می‌گویند چه می‌خواهی»
ای در دل من، مهر و تمنا همه تو
و ندر سر من مایه و سودا همه تو
هر چند به روزگار در می‌نگرم
امروز همه تویی و فردا همه تو

و خدایی که در این نزدیکی است...

الهی ای خالق بی‌مزد و ای واحد بی‌عدد
ای اول بی‌هدایت و ای آخر بی‌نهایت
ای ظاهر بی‌صورت و ای باطن بی‌سیرت
ای شناسنده نام‌ها و ای رساننده گام‌ها
ای مطلع بر حقایق و ای مهربان بر خلائق
عذرهای ما را بپذیر که تو غنی و ما فقیر...
عیب‌های ما مگیر که تو قوی و ما حقیر...
از بنده خطا آید و ذلت... و از تو عطا آید و رحمت...
کاش دائم دل ما از تو بلرزد ای عشق
آن دلی کز تو نلرزد به چه ارزد ای عشق

عماد خراسانی

یار دبستانی من

دلم گرفته از این روزها دلم تنگ است
میان ما و رسیدن... هزار فرسنگ است
مرا گشایش چندین دریچه کافی نیست
هزار عرصه برای پریدن تنگ است
اسیر خاکم و پرواز سرنوشتم بود
فرو پریدن و در خاک بودنم تنگ است
چگونه سر کند اینجا ترانه خود را
دلی که با تپش عشق او هماهنگ است
هزار چشمه فریاد در دلم جوشید
چگونه راه بجوید که روبه‌رو سنگ است
مرا به زاویه باغ عشق مهمان کن
در این هزاره فقط عشق پاک و بی‌رنگ
است

سلمان هراتی

عاشقی

مستی ما مستی هر جام نیست
مست گشتن کار هر بدنام نیست
عاشقی را خود جهان دیگریست
منطق عاشق همان پیغمبریست
عشق بر عاشق دهد دستور را
عقل کی می‌فهمد این منظور را؟
تا نگردي عاشق از این ماجرا
کی توانی کرد درک این نکته‌ها؟

مولانا

تیمز و پرلز مطالعه هستند نه مسابقه

گفت و گو با دکتر عبدالعظیم کریمی مدیر ملی
پروژه‌های بین‌المللی تیمز و پرلز

تنظیم: سمانه آزاد
عکس: رضا بهرامی

اشاره

تیمز (TIMSS) و پرلز (PIRLS) دو مطالعه هستند که انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی (IEA) آن‌ها را انجام می‌دهد. گرچه در این انجمن مطالعات دیگری هم صورت می‌گیرد اما به دلیل اهمیت بنیادین ریاضی و علوم (تیمز) و سواد خواندن (پرلز) برای کشورها، این دو مطالعه با استقبال بیشتری روبه‌رو شده است. در ایران نیز تیمز و پرلز نام‌های آشنایی هستند، با این تفاوت که جنبه آزمون و رقابتی آن‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که دکتر عبدالعظیم کریمی؛ مدیر ملی پروژه‌های بین‌المللی تیمز و پرلز می‌گوید جنبه پژوهشی و مطالعاتی آن‌ها مهم‌تر از جایگاه رتبه و نمره است. وی تیمز و پرلز را مطالعاتی تشخیصی می‌داند که نه فقط آنچه را که در کلاس درس می‌گذرد بررسی می‌کنند؛ بلکه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی، بافت فرهنگی و اجتماعی، مسائل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی پنهان اما مؤثر در نظام آموزش و پرورش را هم مدنظر قرار می‌دهند.

رشد معلم | آقای کریمی!

**در میان دست‌اندرکاران آموزش و پرورش
نوعی بدفهمی درباره آزمون‌های تیمز و پرلز
شکل گرفته است. شاید بهتر باشد ابتدا
درباره این پروژه‌ها و فرایند انجام آن‌ها
توضیحی ارائه کنید.**

تیمز و پرلز لزوماً آزمون نیستند بلکه مطالعه‌ای بزرگ مقیاس به معنای وسیع کلمه اند؛ مطالعه‌ای از نوع ارزشیابی؛ و نه سنجش یا اندازه‌گیری. این اصطلاحات کاملاً با یکدیگر متفاوتند. ارزشیابی دایره وسیع و تمام شمولی دارد که بافت، ابعاد، بیرون و درون و مکنون و آشکار یک سیستم را با توجه به اهداف قصد شده، اجرا شده و کسب شده بررسی می‌کند. اما آزمون مجموعه‌ای از اطلاعات و فرایندهای یاددهی یادگیری است که در داخل

کلاس اتفاق می‌افتد. مطالعات تیمز و پرلز بیشتر پیشینه‌ها، ریشه‌ها و اتفاقاتی را که در پشت صحنه کلاس درس رخ می‌دهد بررسی می‌کنند. به همین دلیل است که گرچه پیشرفت تحصیلی ریاضی و علوم در تیمز، و سواد خواندن در پرلز بررسی می‌شود اما در کنار دفترچه‌های آزمون، یک‌سری پرسش‌نامه‌های پیشینه‌کاوی نیز باید توسط آزمودنی‌ها پر شوند که در آن حدود سیصد متغیر مدنظر قرار گرفته است: از خانواده و مدرسه و معلم و مدیر و دانش‌آموز گرفته تا برنامه درسی، فضای اجتماعی، بافت آموزشی، نگرش‌ها، ارزش‌ها، عادات و رغبت‌ها و... همه این‌ها نشان دهنده آن است که تیمز و پرلز بیشتر مطالعه است نه مسابقه و آزمون. اما متأسفانه جامعه ما، و حتی کارشناسان و معلمان ما، به جنبه

آزمونی این مطالعات بیشتر توجه می‌کنند. پس ما در مطالعات تیمز و پرلز صرفاً به دنبال تعیین وضعیت نمره و رتبه نیستیم؛ بلکه دنبال تشخیص نقاط ضعف و قوت نظام آموزشی خودمان هستیم. از این رو تیمز و پرلز مطالعات تشخیصی هستند. البته نمره‌ها و رتبه‌هایی از این مطالعات به دست می‌آید که ابزارها و بهانه‌هایی هستند تا وارد میدان تشخیص و ارزیابی فرایندهای پشت صحنه کلاس شویم. این که رتبه ما در هر سال چیست فرع قضیه است. اصل قضیه این است که بدانیم چرا و به چه دلیل در این جایگاه هستیم و عوامل مؤثر در روند افزایشی و یا کاهشی عملکرد نظام آموزشی ایران کدامند

رشد معلم دربارهٔ روایی و اعتبار این مطالعات و پژوهش توضیح می‌دهید

ببینید ما وقتی می‌خواهیم وزنمان را اندازه بگیریم از ترازو استفاده می‌کنیم. چون ترازو به این منظور ساخته شده است. هیچ وقت برای اندازه‌گیری قدمان از ترازو استفاده نمی‌کنیم چون ترازو به وزن رواست و به قد روا نیست. روایی مبتنی بر هدف و مقصدی است که پیش رو داریم. پایایی پژوهش هم به دقت وسایل اندازه‌گیری ما مربوط می‌شود. مثلاً این ترازو چه قدر دقیق وزن را می‌سنجد؟ استحکام درونی دارد؟ یعنی ابزارها هم باید روا و هم پایا باشند. از این رو قبل از انجام مطالعاتی مانند تیمز و پرلز به دنبال به دست آوردن روایی و پایایی آن هستند.

رشد معلم چگونه؟

با اجرای مقدماتی آزمون تیمز و پرلز یک سال قبل از اجرای مرحله اصلی در کشورها؛ تا بفهمند سؤالات تا چه اندازه روا و پایاست؟ تا چه اندازه قدرت تشخیص دارد؟ ضریب دشواری و آسانی‌شان به چه حدی است؟ چه قدر قدرت تمایزبخشی بین گروه‌های قوی و ضعیف را دارد؟ تا چه اندازه همپوشی با برنامه درسی کشورها دارد و... پس از اجرای مقدماتی و پالایش سؤالات، آزمون نهایی که معتبر است اجرا می‌شود.

رشد معلم ما چرا علاقه‌مند به شرکت در این مطالعات هستیم؟ و از سال ۱۳۷۰ تاکنون که در این مطالعات تشخیصی شرکت کردیم از نتایجش چه سودی برده‌ایم؟

دلیل شرکت در مطالعات تیمز و پرلز به این موضوع مربوط می‌شود که ما چه قدر آن‌ها را در راستای اهداف آموزشی و پرورشی مان مؤثر

می‌دانیم. در واقع نخستین دلیلی که ما در این مطالعات شرکت می‌کنیم این است که توانایی و قدرت خود را نسبت به خودمان طی سال‌های مختلف ارزیابی کنیم. اگر بفهمیم نسبت به خودمان پیشرفت داشته‌ایم یا پس‌رفت، می‌توانیم ارزیابی و علت‌یابی کرده و عوامل را شناسایی کنیم. دوم اینکه عملکرد و وضعیت خودمان را در مقایسه با سایر کشورهای شرکت‌کننده منطقه و جهان ارزیابی کنیم تا بدانیم وضع مان چگونه است. به هر حال ما در انزوا زندگی نمی‌کنیم و در مقایسه با کشورهای دیگر باید عملکرد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود را رصد کنیم. اگر مدعی هستیم می‌خواهیم قدرت نخست منطقه باشیم (طبق برنامه سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴) باید با شاخص‌هایی معتبر در سطح منطقه‌ای و جهانی وضعیت خود را اندازه بگیریم. در خلاء مقایسه صورت نمی‌گیرد بلکه باید در ارتباط با دیگران و با ملاک‌های مشخص و همگانی که مورد توافق بین‌المللی و دارای روایی و پایایی است مقایسه صورت گیرد. پس از اینکه مشخص شد ما در چه وضعی هستیم باید به دنبال راه حل برای بهبود وضعیت باشیم.

اما در مورد اینکه تا به حال چه استفاده‌ای از نتایج این مطالعات کرده‌ایم باید بگویم پژوهشگاه تنها متولی اجرای مطالعات تیمز و پرلز است که خود روندی بسیار طولانی، پیچیده، زمان‌بر و در عین حال علمی و وزین، به لحاظ ملاک‌های بین‌المللی، دارد. پس از انتشار نتایج و تحلیل ثانوی داده‌ها، پژوهشگاه مجموعه‌ای از پیشنهادهای بر خاسته از یافته‌های پژوهشی، به تفکیک حوزه‌های مربوطه، در اختیار مقامات می‌گذارد اما اینکه تا چه اندازه این نتایج استفاده می‌شود و تا چه اندازه مقامات با این یافته‌ها حساسیت نشان می‌دهند از اختیار ما خارج است؛ ما فقط پرینت برگه آزمایش تشخیص را دست بیمار می‌دهیم و از او می‌خواهیم که به‌طور دقیق به توصیه‌های صادره توجه کند. هرچند در هر دوره‌ای از وزرای محترم به محض شنیدن گزارش‌های تیمز و پرلز در شورای معاونان غالباً دستور تشکیل کمیته کاربست نتایج تیمز و پرلز صادر می‌شود و در ابتدا با شور و حرارت موارد دنبال می‌شود، اما طبق معمول بعد از چندی شامل مرور زمان شده و همه چیز فراموش می‌شود. البته در این دوره (وزارت آقای دکتر فانی) کمیته کاربست به ریاست آقای مهندس زرافشان همچنان فعال است و معاونت محترم آموزش ابتدایی نیز کاربست نتایج مطالعه پرلز را پیگیری می‌کنند که امید است به ثمر بنشیند.

ما در مطالعات تیمز و پرلز صرفاً به دنبال تعیین وضعیت نمره و رتبه نیستیم؛ بلکه دنبال تشخیص نقاط ضعف و قوت نظام آموزشی خودمان هستیم. از این رو تیمز و پرلز مطالعات تشخیصی هستند

مطالعات تیمز و پرلز بیشتر پیشینه‌ها، ریشه‌ها و اتفاقاتی را که در پشت صحنه کلاس درس رخ می‌دهد بررسی می‌کنند

عملکرد و پیشرفت فقط محدود به کلاس و درس و کتاب و مدرسه نیست. بخش عظیمی از آن به فرهنگ، پیشینه، عادات و انگیزه‌های روانی، بافت اجتماعی، مسائل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و... مربوط است



رشد معلم | لطفاً دربارهٔ مراحل آماده‌سازی آزمون تیمز و پرلز توضیح دهید.

مواد آزمون تیمز و پرلز براساس مطالعات اولیه (برنامه درسی کشورها، سطح یادگیری دانش‌آموزان جامعه مورد مطالعه و نظرخواهی از هماهنگ‌کنندگان کشورهای عضو تهیه می‌شود پس از آماده‌سازی مواد آزمون توسط انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی (IEA)، مواد آزمون باید براساس خزان لغوی یا واژگانی دانش‌آموزان و براساس محتوای کتاب‌های درسی ترجمه شود به گونه‌ای که روان و ساده و در عین حال مطابق با دستورالعمل‌های صادره باشد. این مرحله با همکاری مترجمان، برنامه‌ریزان، کارشناسان، مؤلفان کتاب‌های درسی طی می‌شود و پس از آن به دبیرخانه IEA فرستاده می‌شود تا ترجمه مورد بررسی قرار گیرد. این مرحله به این منظور است که مبدا ما سؤالات را آسان یا حتی سخت و پیچیده کرده باشیم. البته براساس فرم NAF که فرم انطباق فرهنگی است، برخی موضوعات قابل تبدیل هستند. مثل تبدیل مایل به کیلومتر یا تبدیل واحد پول. پس از آن، باید متون ترجمه شدهٔ آزمون توسط ممیزی مستقر در دبیرخانه IEA تأیید و سپس فرم و تصاویر و صفحه‌آرایی دفترچه‌ها براساس ورژن بین‌المللی، توسط مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز واقع در بوستون کالج آمریکا (دانشکده علوم تربیتی آن) که مسئول نظارت علمی بر این مطالعه است مجوز چاپ دفترچه‌ها (بیش از ۲۸ نوع دفترچه) آزمون و چهار نوع پرسش‌نامه (دانش‌آموز، معلم، والدین، مدیر مدرسه) اخذ شود. پس از آن کشورها آمادهٔ اجرا می‌شوند. قبل از اجرا باید مجریان این مطالعه در سراسر کشور انتخاب در قالب کارگاه آموزشی دو روزه آموزش‌های لازم را مطابق دستورالعمل‌های بین‌المللی ببینند. سپس مواد آزمون براساس فرم‌های نمونه‌گیری آماده ارسال به استان‌ها می‌شود. بعد از برگزاری آزمون کار تصحیح و نمره‌گذاری مطابق دستورالعمل‌های ارسالی از IEA با برآورد پایایی نمره‌گذاری درون کشوری و بین کشوری آغاز می‌شود که خود ملاک‌های ویژه‌ای را دارد و باید حداقل ۹۰ درصد پایایی داشته باشد. می‌بینید که این فرایند بسیار طولانی و با ملاک و شاخص‌های خاصی صورت می‌گیرد.

رشد معلم | نمونه‌گیری در استان‌ها چگونه صورت می‌گیرد؟

نخستین گام برای اجرای این مطالعات نمونه‌گیری

است یعنی تعریف و تعیین جمعیت مورد مطالعه و تهیه چارچوب نمونه‌گیری مطابق دستورالعمل‌های ارسالی. به طوری که اگر قرار باشد آزمون بین ماه‌های مارس تا آوریل برگزار شود باید در ماه‌های سپتامبر و اکتبر (مهر و آبان) جامعه آماری، دموگرافی یا جمعیت‌شناسی بافت نمونه مشخص شده باشد. این جامعه آماری براساس آخرین آمار آمایش دانش‌آموزان در سطح استان‌ها که توسط سیستم الکترونیکی وزارت آموزش و پرورش انجام شده انتخاب می‌شود. نمونه‌گیری را هم خود ما می‌توانیم انجام دهیم که هزینه دارد و هم توسط مرکز آمار کانادا که وابسته به IEA (انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی) است انجام می‌شود. این فرایند هم چند ماه طول می‌کشد. به این ترتیب نمونه‌گیری استانی انجام می‌شود. بعد از آن، نمونه‌گیری مدرسه‌ای و سپس نمونه‌گیری کلاسی انجام می‌شود. شیوه نمونه‌گیری تیمز و پرلز براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌ای دو مرحله‌ای است؛ انتخاب تصادفی مدارس در مرحله اول و انتخاب تصادفی کلاس‌ها از پایه هدف (چهارم یا هشتم). انتخاب تصادفی مدارس در هر یک از مدارس با روش نمونه‌گیری احتمال متناسب با حجم براساس برنامه نرم‌افزاری نمونه‌گیری داخل کلاس موسوم به W³S ارسالی از مرکز داده‌پردازی DPC هامبورگ آلمان وابسته به IEA صورت می‌گیرد. مثلاً ممکن است در یک مدرسه چند کلاس پایه چهارم باشد که براساس نمونه‌گیری تصادفی یک کلاس انتخاب می‌شود. به‌طور مثال، ما پرلز مقدماتی ۲۰۱۶ را در اسفندماه سال ۱۳۹۳ و تیمز را هم در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ اجرا کردیم. بیش از دوازده هزار دانش‌آموز در تیمز و حدود پنج شش هزار دانش‌آموز در پرلز اصلی شرکت خواهند داشت. این ۱۸ هزار دانش‌آموز از ۸۵۰ مدرسه در سراسر کشور انتخاب شده بودند. جالب است که تقریباً بافت نمونه مشابه جامعه است. یعنی اگر هفت درصد از مدارس غیرانتفاعی هستند در نمونه هم هفت درصد است یا اگر ۴۸ درصد دانش‌آموزان ما دختر هستند در نمونه هم ۴۸ درصد از دانش‌آموزان دخترند.

رشد معلم | برای اجرای این مطالعات چند نفر با شما همکاری دارند؟

ما در استان‌ها به نسبت تعداد مدارس که قرار است تیمز و پرلز اجرا شود همکار داریم. مثلاً اگر در استانی یک یا دو مدرسه انتخاب شده باشد ممکن است فقط یک مجری انتخاب شود. در

**در کشور ما
تراکم جمعیت
در کلاس درس
موجب کاهش
پیشرفت
تحصیلی
می شود اما در
کره جنوبی
هر چه تراکم
کلاس بیشتر
باشد پیشرفت
تحصیلی هم
بیشتر است**

کشورتان به خرج دهید، آن‌ها با نوعی برانگیختگی غرورآمیز با همه وجدان و پشتکار وارد میدان می‌شوند. (زیرا در فرهنگ ژاپن مردم به جایگاه کشورشان اهمیت می‌دهند (می‌گویند ژاپنی‌ها معتقدند اول کشورم، بعد خانواده‌ام و بعد خودم!) اما اگر همین توصیه را می‌خواهید به دانش‌آموز ایرانی بگویید معادله عکس می‌شود یعنی باید به جای کشور به خود او توجه شود و گفته شود که «تو» باید در این آزمون موفق باشی. در این صورت است که به جوش می‌آید. این‌ها تفاوت‌ها در روحیه است؛ خطابه آموزشی نیست. روحیه هم به بخش ناهوشیار و پس‌زمینه‌های نژادی و پیشینه‌ای ما مربوط می‌شود یعنی نمی‌دانیم چرا و چگونه این‌گونه شده‌ایم. اگر هم بخواهیم تغییرش دهیم به صورت هوشیارانه و با بخش‌نامه نمی‌توانیم و باید از طریق مکانیزم‌های خودش عمل کنیم. تغییر نگرش‌ها و ارزش‌گذاری‌ها و عادات بسیار دشوار و با مکانیزم‌های ناهوشیارانه و پیچیده و ضمنی امکان دارد نه از طریق دانش‌افزایی و یا اقدامات بخشنامه‌ای و اطلاعاتی و شناختی. به همین دلیل است که نه تنها نصیحت‌ها کار کرد ندارد بلکه معکوس عمل می‌کند. یعنی در مسائلی که به ضمیر ناخودآگاه مربوط است هر چه هوشیارانه‌تر عمل کنید روند معکوس به خود می‌گیرد و گاهی اوقات سرکوب یک چیز موجب توسعه آن چیز می‌شود. به همین دلیل وقتی کتابی ممنوع می‌شود مخاطبانش هم زیاد می‌شود یا وقتی کتابی به زور تبلیغ ترویج می‌شود ممکن است مخاطب کم‌تری داشته باشد.

رشد معلم | آیا براساس این مطالعات می‌توانیم کاستی‌هایمان را مشخص کنیم؟ مثلاً می‌توان متوجه شد که نظام ارزشیابی یا آموزش معلمان مشکل دارد؟

بله. غیر از نتایجی که از گزارش‌های مستقیم تیمز و پرلز منتشر می‌شود، تحقیقات تکمیلی و تحلیلی نیز تحت عنوان تحلیل ثانویه داده‌ها درباره تعیین عوامل مؤثر در عملکرد آموزشی انجام می‌گیرد. همان‌گونه که می‌دانید ایران در دهه اخیر در تیمز و پرلز و به‌خصوص در درس علوم و سواد خواندن پیشرفت معنی‌دار و رتبه بالایی داشته است. به همین دلیل دفتر منطقه‌ای یونیسیف پس از انتشار نتایج تیمز و پرلز ۲۰۱۱ و مشاهده روند افزایشی ایران نسبت به کشورهای منطقه از ما خواست که طرح جامعی تهیه شود تا تجربیات و اقدامات اصلاحی ایران در اختیار سایر کشورهای منطقه قرار گیرد. (اسناد این مکاتبات موجود

استان‌های وسیعی مثل تهران، فارس و خوزستان و... ممکن است هفت یا هشت مجری انتخاب شود. البته پیش از برگزاری آزمون، کارگاه‌های آموزشی در تهران برگزار می‌شود و این مجریان آموزش‌های لازم را می‌بینند.

رشد معلم | آیا بعد از مشخص شدن نتایج آزمون‌ها می‌توانیم تحلیل استانی داشته باشیم؟

از آنجا که نمونه تیمز و پرلز کشوری هستند و استان‌ها فقط واحدهای این نمونه هستند نمی‌توانند معرف آسانی باشند و تا به حال در تیمز و پرلز مقایسه استانی نداشته‌ایم. ولی امسال با توافق مرکز نمونه‌گیری کانادا و مرکز داده‌پردازی آلمان، برای استان‌هایی مثل تهران، فارس، خوزستان، شهرستان‌های تهران و... بیش‌نمونه‌گیری oversampling کردیم تا بتوانیم نتایجش را به استان‌های مورد نظر تعمیم دهیم. در چنین شرایطی می‌توان در پاسخ سؤال شما گفت بله. در این صورت است که می‌توان گفت چرا استانی قوی‌تر و استانی ضعیف‌تر است و حتی مدارسی که عملکرد بالایی دارند قابل تحلیل هستند. آیا بافت مدرسه، مدیریت آن، گزینش دانش‌آموزان، روش تدریس معلمان، فرهنگ سخت‌کوشی آن منطقه یا مسائل قومی و فرهنگی تأثیر داشته‌اند یا نه.

البته می‌دانید که عملکرد و پیشرفت فقط محدود به کلاس و درس و کتاب و مدرسه نیست. بخش عظیمی از آن به فرهنگ، پیشینه، عادات و انگیزه‌های روانی، بافت اجتماعی، مسائل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و... مربوط است. مثلاً طی بیست سال گذشته کشورهای شرق دور و در کل نژاد زرد مانند سنگاپور، کره جنوبی، ژاپن، چین تاییه، هنگ‌کنگ و... در صدر جدول تیمز و پرلز بوده‌اند. در حالی که کشورهای اروپایی و آمریکا در رده‌های پایین‌تری قرار دارند. آیا این موضوع به نظام آموزشی (برنامه درسی، امکانات و منابع آموزشی، روش تدریس و ارزشیابی) مربوط است؟ به مسائل اقتصادی و توسعه انسانی مربوط است؟ یا وضعیت مدیران و معلمان؟ و یا بافت اجتماعی و نگرش‌ها و فرهنگ جامعه و... وقتی موضوع را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که در عین حال که همه این عوامل مؤثرند ولی باز عامل مؤثر ممکن است از دید ما پنهان باشد؛ یعنی نوعی بافت ناهوشیار ضمنی و یا نامرئی فرهنگی است. مثلاً اگر به یک دانش‌آموز ژاپنی بگویید قرار است در آزمونی شرکت کنید که ۶۰ کشور دیگر با کشور شما رقابت می‌کنند و شما باید همه تلاش‌تان را برای موفقیت

**برخی با ما
تماس می گیرند
و می گویند که
در مدرسه شان
هر هفته آزمون
تیمز و پرلز
برگزار می شود!
در حالی که تیمز
هر چهار سال
و پرلز هر پنج
سال یک بار
برگزار می شود.
برگزاری چنین
آزمون هایی یا از
سر خیرخواهی
و تقویت
دانش آموزان
است یا خدای
ناخواسته
برای تجارت و
سوءاستفاده و
بازاریابی**

است). بر همین اساس به سفارش یونیسیف تحقیق جداگانه ای از طرف آقای مک دونالد، مشاور بانک جهانی، درباره تحلیل عوامل مؤثر بر روند پیشرفت آموزشی ایران انجام گرفت که در کارگاهی که دو سال پیش برگزار کردیم با دعوت از ایشان و کارشناسان و اعضای هیئت علمی دانشگاه ها، نتایج این تحقیق ارائه شد. آنجا مشخص شد که چه عاملی در چه شرایطی می تواند منجر به بهبود عملکرد و یا برعکس باشد (نتایج در دفتر تیمز پرلز موجود است) مثلاً نقش رضایت مندی شغلی معلمان، میزان افزایش یا کاهش ساعات آموزشی دروس، برابری فرصت های آموزشی، جنسیت و عملکرد تحصیلی، ترام جمعیت در کلاس و... البته این عوامل به تفکیک دوره های تحصیلی، یا به نسبت دوره اجرا کم و زیاد می شود و ممکن است یک عامل در یک کشور بسیار مهم باشد. حال آنکه همان عامل در کشوری دیگر نامؤثر و حتی نتیجه معکوس داشته باشد. برای مثال در کشور ما تراکم جمعیت موجب کاهش پیشرفت تحصیلی می شود اما در کره جنوبی هرچه تراکم کلاس بیشتر باشد پیشرفت تحصیلی هم بیشتر است. و یا نگرش مثبت به درس در دانش آموزان ما رابطه مستقیم با عملکرد تحصیلی دارد، اما همین عامل در ژاپن معکوس است! همه این ها به فرهنگ و روحیه و جو مدرسه وابسته است. به خصوص جو مدرسه که کیفیت است نه کمیت. روح غایبی است که نمی توانید حاضرش کنید؛ انتقالی و اکتسابی نیست.

رشد معلم در برخی مدارس و مراکز و حتی معاونت های ستادی آزمون های مشابه تیمز و پرلز برگزار می شود. این ها ربطی به مطالعات اصلی تیمز و پرلز دارند؟

خیر. مؤسسات و مراکز خصوصی که به نام تیمز و پرلز و با این برند آزمون برگزار می کنند غیرقانونی هستند. تشخیص های فنی و علمی و ملاک های بسیار زیادی در حوزه های ادبی، روان سنجی، اطلاعاتی و... در این مطالعات لحاظ می شوند که ساخت آن ها میلیون ها تومان هزینه می برد و زمان بسیار زیادی هم برای آن ها صرف می شود. اما متأسفانه برخی از مؤسسات و ناشران هر چند با نیت خیر و با انگیزه ترویج فرهنگ تیمز و پرلز اقدام به شبیه سازی آزمون های تیمز و پرلز می کنند و خودشان با برخی استان ها و مدارس به نام تقویت دانش و ارتقای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رایزنی می کنند و آزمون های ماهانه و حتی هفتگی به نام تیمز و پرلز با دریافت وجوه برگزار می کنند.

برخی با ما تماس می گیرند و می گویند که در مدرسه شان هر هفته آزمون تیمز و پرلز برگزار می شود! در حالی که تیمز هر چهار سال و پرلز هر پنج سال یک بار برگزار می شود. برگزاری چنین آزمون هایی یا از سر خیرخواهی و تقویت دانش آموزان است یا خدای ناخواسته برای تجارت و سوءاستفاده و بازاریابی.

رشد معلم آقای کریمی! میان نتایج آزمون مدارس دولتی و خصوصی تفاوتی هست؟

بله. در ده مدرسه برتر معمولاً سه یا چهار مدرسه اول غیرانتفاعی هستند، پس از آن چند مدرسه دولتی که بیشتر نمونه مردمی اند و بعد از آن دوباره مدارس غیرانتفاعی قرار دارند. به همین ترتیب نشان می دهد مدرسی که از نظر موقعیت اجتماعی، اقتصادی و آموزشی به طور خاص کار می شود از عملکرد بهتری برخوردارند.

رشد معلم آیا رتبه و عملکرد مدارس به آن ها گزارش داده می شود؟

در دوره ای این کار را انجام دادیم اما آفاتی داشت که ترجیح دادیم دیگر نتایج عملکرد مدارس را اعلام نکنیم. زیرا برخی مدارس برای این کار دست به تبلیغات مدرسه خود می زنند که ممکن است نتایج سوء داشته باشد.

رشد معلم چرا انجمن بین المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی درس های علوم و ریاضی را انتخاب کرده است؟

انجمن بین المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی که از سال ۱۹۵۹ تأسیس شده تا به حال مطالعات تطبیقی بسیاری در حوزه های درسی مانند سواد رایانه ای، تربیت اجتماعی، انشا و... انجام داده است. اما مشهورترین و وسیع ترین آن ها تیمز و پرلز است. تیمز علوم و ریاضیات را شامل می شود که برای کشورها مهم است و از سال ۱۹۹۵ هر چهار سال یکبار تکرار می شود و پرلز که از سال ۲۰۰۱ آغاز شد و هر پنج سال یکبار اجرا می شود و سواد خواندن را کلید یادگیری همه یادگیری ها تلقی می کنند. کشورهای دیگر در بقیه مطالعات این انجمن هم شرکت می کنند اما تعدادشان کم است. لذا انجمن محدود به این دو درس نیست ولیکن کشورها به دلیل اهمیت بنیادین این دروس اصلی و مهم از این دو مطالعه بیشتر استقبال کرده اند.



* پی نوشت
* International Education Assessment

دانش روزنه‌ای به



سعیده اصلاحی

برگرفته از کتاب: تربیت سالم در مدرسه
(با ویرایش در دفتر مجله)
نوشته: جین نلسن - لین لات - آج. استیفن گلن
ترجمه: محمد جواد فرشچی - ریحانه ایزدی
انتشارات سازوکار (تلفن: ۶۶۴۸۵۴۲۰)

«تربیت درست کودکان همان رفتار درست با نوع بشر است.»
به نظر شما کودکان برای اینکه افراد شاد و مفیدی برای جامعه باشند به چه ویژگی‌ها و مهارت‌هایی نیاز دارند؟
تقریباً در بیشتر موارد مدیران و معلمان مدارس، نگرش جامعی دربارهٔ بچه‌ها ندارند و بر اصلاح و تربیت از طریق تشویق و تنبیه تکیه می‌کنند. درست است که تنبیه معمولاً به‌طور موقت رفتار اشتباه را متوقف می‌کند و تشویق به عنوان عامل انگیزشی عمل می‌کند اما بعضی وقت‌ها لازم است مراقب نتایج این روش‌ها هم باشیم.
تربیت سالم چه در مدرسه و چه در خانه یا اجتماع بر پایه احترام متقابل بنا شده است. ایجاد «جو توجه» یعنی مهربانی توأم با قاطعیت، اولین گام در تربیت سالم است و ما را مطمئن می‌سازد که خانه خود را بر آب بنا نکرده‌ایم.

ما، اغلب اوقات، بدون اینکه از دانش‌آموزان بپرسیم فرض می‌کنیم که خودمان می‌دانیم آن‌ها چه احساسی دارند و به چه فکر می‌کنند. همین‌طور فرض می‌کنیم که می‌دانیم آن‌ها چه کاری را می‌توانند انجام دهند و چه کاری را نمی‌توانند؛ یا با اینکه آن‌ها چگونه در برابر بایدها و نبایدها واکنش نشان می‌دهند؛ آنگاه بر اساس فرضیه‌های خود با آن‌ها رفتار می‌کنیم، در حالی که ممکن است این فرضیه‌ها ما را از کشف توانایی‌ها و نوع نگاه و درک منحصر به فرد آن‌ها باز دارد.
در مدرسه، روش‌های تربیت سالم به معلمان مجال می‌دهد تا دانش‌آموزان را در فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی و حل مشکل که به «خودگردان» شدن آن‌ها کمک می‌کند شرکت دهند و از طریق مشارکت با دانش‌آموزان نیازی به سخت‌گیری و فشار آوردن بر آن‌ها احساس نکنند.

معلم‌هایی که می‌آموزند چگونه بیشتر سؤال کنند و کمتر به موعظه بپردازند این فرصت را به‌دست می‌آورند که در مورد فکر و نظر دانش‌آموزان خود کنج‌کاو باشند.
وقتی به دانش‌آموزان جرئت اظهار نظر داده می‌شود، وقتی به‌جای دستور دادن به آن‌ها، برایشان حق انتخاب قائل می‌شویم، و وقتی می‌توانند مشکلات را به‌صورت گروهی حل کنند، این مشارکت، همکاری و احترام متقابل، جو کلاس را ارتقا می‌دهد و رویای ما را به واقعیت تبدیل می‌سازد.

دخترک با صدایی بسیار آهسته گفت: «خانم! میشه مال من را هم یک نگاهی بکنید.»
خانم نوروزی کلافه از اینکه وسط حرفش پریده بودند، گفت: «دخترم، همین طوری از دور دیدم که همه جاهايش را پر کرده‌ای. ببر و بگذار در بخش ادبیات. اگر مشکلی داشت، مطمئن باش داورها کمکت می‌کنند تا اصلاحش کنی.»

در همان حال در دلش به کلمه «مطمئن باش» خودش خندید. مطمئن نبود داورها زیر بار پروپوزال نویسی بروند. حق هم داشتند. غالباً می‌گفتند دانش‌آموزی که نتواند یک فرم را پر و پروژه‌اش را معرفی کند در مراحل بعدی داورى چطور خواهد توانست از کار خودش دفاع کند. در همان حال، خانم نوروزی دوباره روی فرم خالی یک دانش‌آموز دیگر خم شد تا با توجه به موضوع تحقیقش، چند کلمه‌ای بگوید و دانش‌آموز بنویسد.

دخترک باز هم از جایش تکان نخورد، ولی چیزی هم نگفت. خانم نوروزی به سرعت او را فراموش کرد. روزهای آخر مهلت تحویل پروژه‌های جشنواره دانش‌آموزی خوارزمی بود و خودش هزار کار نکرده داشت و این پروپوزال نویسی هم نور علی نور شده بود. در دلش به دانش‌آموزان حق می‌داد. با اینکه پروپوزال کار دانش‌آموزی با پروپوزال‌های کارشناسی ارشد یا دکترا قابل مقایسه نبود، ولی هنوز هم با شنیدن اسم پروپوزال تنش کهنه می‌زد! به یاد بدبختی‌هایی می‌افتاد که برای نوشتن پروپوزال ارشدش کشیده بود. چند بار پروپوزالش رد شده بود تا سرانجام به تصویب استادان رسیده بود. حالا چرخ روزگار او را پای میز پروپوزال نویسی برای دانش‌آموزان دبیرستانی کشانده بود.

- خانم!

صدا این دفعه بلند بود و در میان هیاهوی اطراف میز، مثل تلنگری، ناگهان خانم نوروزی را از جا پراند.
- بله! ده! تو که هنوز اینجا ایستاده‌ای! حالا یک کتاب نوشته‌ای! بنویس داستان بلند است یا مجموعه داستان‌های کوتاه؟ از موضوعاتش بنویس. خلاصه، کتابت را معرفی کن دیگر! پس تو چطور نویسنده‌ای

از در که وارد شد، چشم‌های کشیده بادامی‌اش جلب توجه می‌کرد. خجالتی بود. به سختی به میز نزدیک شد تا فرم پروپوزالش را بدهد. چند دقیقه‌ای هم ایستاد تا دورو بر میز خالی شود. بعد با خجالت فرمش را روی میز گذاشت. خانم نوروزی منتظر شد تا دانش‌آموز حرفی بزند. تمام مدتی که او جلوی میز ایستاده بود، با خودش فکر می‌کرد که دخترک یا مشه‌دی است یا گنبدی. با فارسی بی‌لهج‌ای گفت: «این کاغذ را برای کتاب داستانم پر کرده‌ام.»

خانم نوروزی گفت: «مربوط می‌شود به بخش ادبیات. آن طرف سالن روی آن میز را ببین! نوشته‌ایم ادبیات. برگه را با کتاب داستان بگذار آنجا تا داورهای پژوهش سرا ببینند و اگر امتیاز آورد و مناسب بود برای جشنواره خوارزمی ارسال کنند.»

معمولاً کار خانم نوروزی سر و کله زدن با دانش‌آموزانی بود که در نوشتن پروپوزال مشکل داشتند. ولی این دانش‌آموز فرم پر شده‌اش دستش بود و دلیلی نمی‌دید بیشتر از این معطل او شود.

دخترک ولی حرکتی نکرد. اطراف میز دوباره پر شد. دانش‌آموزان پرسش‌های زیادی داشتند و غالباً با مدیر پژوهش سرا یا با بقیه عوامل اجرایی کلنجار می‌رفتند تا دو خطی در معرفی پروژه تحقیقاتی آن‌ها دیکته شود و آن‌ها آن را روی برگه پروپوزال بنویسند.

خانم نوروزی با کلافگی به اطراف نگاه کرد تا ببیند کسی را برای این کار پیدا می‌کند یا نه. داورها روی جزوه‌های نظری پروژه‌های بچه‌ها خم شده و مشغول مطالعه بودند. اگر هم مشغول نبودند هیچ کدام تمایل نداشتند دم به تله پروپوزال نویسی بدهند. آقای داوودی رئیس پژوهش سرا هم در قسمت دیگری گرفتار پروژه‌های عملی بود و نمی‌شد برای بار چندم از دردسر پر کردن پروپوزال برایش گفت و به او غر زد!

خانم نوروزی از سر ناچاری نفسی بیرون داد و دوباره سرش را روی فرم یکی دیگر از بچه‌ها خم کرد تا ببیند چه کار می‌شود کرد.

خب، موضوع تحقیقت را باید اینجا بنویسی. این قسمت هم...

آزاده فخری

دبیر بخش ادبیات پژوهش سرای دکتر حسینی (شهر قدس)

داور برگه‌ای را روی یک دفتر مشق چهل برگی به خانم نوروزی تحویل داد و در همان حال گفت: «برگه پروپوزال شما امضا دارد، ولی مهر مدرسه ندارد، نوشته‌اش پر از غلط املایی است و به احتمال زیاد داستان‌هایش هم همین‌طور! روی این دفتر مشق مچاله هم نوشته است کتاب داستان! دلم برایش سوخت واقعا».

خانم نوروزی متوجه کلمات آخر همکارش نشد. چون به کلمات کج و معوجی نگاه می‌کرد که روی برگه پروپوزال در برابرش نمی‌رقصیدند، بلکه گریه می‌کردند. محتوای آنچه دخترک روی برگه نوشته بود، با آن همه غلط املایی و اشتباه در به کار بردن فعل و اشتباه در جمله‌نویسی و...، این بود که دخترک یک مهاجر است و در کتابش! و در واقع در دفتر مشقش، سعی کرده است داستان رنج‌های مردم سرزمینش را بنویسد.

- چه کنیم؟

خانم نوروزی متوجه همکارش شد: «هیچ خانم، هیچ! مهر مدرسه ندارد، چون نمی‌تواند داشته باشد! امضای مدیر مدرسه هم به احتمال زیاد جعلی است». داور با تعجب گفت: «ولی به هر حال فرم‌ها را مدرسه به دانش‌آموزان می‌دهد. صدایش کنیم و بگوییم ببرد داستان‌ها را تایپ کند و سر و شکلی به آن‌ها بدهد و به یک شکلی آن را برای داوری بفرستیم».

خانم نوروزی سریع گفت: «حتی اگر بفرستیم هم فایده‌ای ندارد. چون در مرحله بعد داوری نمی‌شود».

خانم نوروزی دفتر مشق را روی میز پرت کرد. چهره معصوم دخترک در برابر دیدگانش بود، ولی دیگر چیزی نگفت و رفت.

خانم داور از برآشفتن خانم نوروزی جا خورد. می‌دانست دانش‌آموزانی که والدینشان جزو مهاجران غیرقانونی هستند، معمولاً اجازه شرکت در جشنواره را ندارند، ولی چیزی که نمی‌دانست، زخمی بود که خانم نوروزی در دلش داشت؛ آن هم به واسطه آسیبی که یکی از بستگانش به خاطر یکی از این مهاجران غیرقانونی دیده بود. همین باعث می‌شد در آن لحظه آشفتگی، میان دل‌سوزی و دل شکستگی، حالتش برای خانم داور غریب بنماید!

هستی که به نوشته خودت اطمینان نداری و یک خط نمی‌توانی درباره‌اش بنویسی. برو دخترم. برو. نه! بایست. ببینم!

دانش‌آموز برگه را جلوی صورت خانم نوروزی گرفت. - برگه‌ات مهر مدرسه را ندارد که! برو با برگه مهر شده بیا! امضای مدیر هم حتما باید باشد!

و بعد با خستگی گفت: ای بابا! از دست شما!

دوباره روی برگه‌ای که در دستش بود خم شد و برای دانش‌آموز دیکته کرد.

دخترک سرانجام رها کرد و رفت.

تا ساعت شش عصر، بیشتر دانش‌آموزان پژوهش‌سرا را ترک نکرده بودند.

وقتی کارهایی که دانش‌آموزان و مدارس می‌شد طی ماه‌ها به تدریج و سر حوصله انجام دهند، می‌ماند برای لحظات آخر، همه معلمان شاغل در پژوهش‌سرا را عاصی می‌کرد. پرینت گرفتن‌های مدام از انواع و اقسام فرم‌ها. چک کردن انواع و اقسام مهرها و امضاهایی که باید پای کارها می‌بود. پذیرایی و توجه به داوران و چک کردن غلط‌های املایی دانش‌آموزان روی برگه‌هایشان هم که دیگر بار اضافه بود!

گم شدن چسب، قیچی، غلط‌گیر و پوشه هم تقریباً جزو تفریحات به حساب می‌آمد!

بدترین اتفاق، گم شدن جزوه نظری یک دانش‌آموز بود. صدایش را انداخته بود سرش که:

نتیجه ماه‌ها و چه بسا سال‌های عمر من اینجا بود و شما آن را گم کرده‌اید! من را هدر داده‌اید! و...

مسئول پژوهش‌سرا هم مشغول چک کردن رسید تحویل کار بچه‌ها بود تا ببیند اصلاً چنین کاری تحویل شده است یا خیر!

سرانجام ساعت شش و نیم عصر، با بلند شدن صدای اعتراض کارمندان پژوهش‌سرا، دانش‌آموزان برای خروج هدایت شدند.

کمی بعد، در حال مرتب کردن میزها، خانم نوروزی از برابر میز داوران ادبیات گذشت. یکی از داوران او را صدا کرد و پرسید: «تکلیف چنین کاری چیست؟»

خانم نوروزی پرسید: «چه شده؟ کدامشان؟»

زین العابدین مؤتمن

معلمی که رمان ده جلدی تاریخی اش را در

هفده سالگی نوشت

جعفر ربانی

تصویرگر: مرتضی یزدانی

اینکه «مؤتمن» در مدرسه، ما را زیر درختچه‌های گل طاووسی می‌برد و برایمان قصه می‌گفت: ما هم کلاس درس را رها کرده در سایه گل‌های طاووسی می‌نشستیم و با جان و دل گوش می‌کردیم. (بخارا). بنابراین مؤتمن از همان نوجوانی میل به آموزاندن داشته است؛ از وی نقل کرده‌اند: «من از سال پنجم ابتدایی با خود عهد کردم که برای همیشه یک معلم باشم.» به هر حال از البرز دیپلم گرفت و به دانشگاه رفت و دو لیسانس گرفت، لیسانس زبان و ادب فارسی و لیسانس زبان انگلیسی. سپس به استخدام فرهنگ درآمد.

✕ بازگشت به مدرسه ✕

مؤتمن پس از استخدام در فرهنگ، معلم همان مدرسه‌ای شد که روزی در آن درس خوانده بود؛ یعنی البرز. در این زمان آمریکایی‌ها رفته بودند و پس از چند مدیر که عوض شده بود دکتر محمدعلی مجتهدی، استاد ریاضی دانشکده فنی، رئیس مدرسه شده بود. مؤتمن با اینکه او و مجتهدی دو روحیه متفاوت داشتند همچنان در البرز ماند. توضیح اینکه، نوشته مرتضی رسولی‌پور: دکتر جردن و دکتر مجتهدی از نظر شخصیت و نوع اداره مدرسه با هم تفاوت داشتند. رفتار دکتر جردن با دانش‌آموزان پدرا نه بود و در عمل می‌کوشید دموکراسی را به دانش‌آموزان آموزش دهد، در حالی که دکتر مجتهدی تربیتی فرانسوی و خصوصیات مستبدانه‌ای داشت. و مؤتمن رفتار جردن را بهتر می‌پسندید. نتیجه اینکه مجتهدی برای چند سال مانع تدریس مؤتمن در البرز شد و مؤتمن ناچار به دبیرستان دارالفنون رفت، اما عاقبت مجتهدی ناچار شد او را به البرز بازگرداند.

گفتیم مؤتمن ۴۲ سال با عشق و علاقه در البرز تدریس کرد. از این رو باید معلم بسیار موفق بوده و منشأ تربیت شاگردانی برجسته شده باشد. در واقع

زین العابدین مؤتمن معلم دبیرستان البرز بود و ۴۲ سال در این مدرسه خدمت کرد؛ حتی بیشتر از دکتر مجتهدی که ۳۷ سال ریاست مدرسه را داشت. آنچه مؤتمن را سزاوار عنوان «معلم بزرگ» می‌سازد دانش فراوان او، حس خدمتگزاری، ایران دوستی، صداقت و دیگر ویژگی‌هایی از این دست است، علاوه بر اینکه آثار قلمی بازمانده از وی را باید شاهی بر منزلت او دانست.

زین العابدین مؤتمن از خاندان صبای کاشانی - و بعد ضرابی‌ها - نسب می‌برد؛ خاندانی که خود از دنبلی‌های خوی بودند و در عصر صفوی دست تقدیر شاخه‌ای از آن‌ها را به کاشان آورد و آن‌ها در این شهر بالیدند و تا یکی دو قرن بعد پاره‌ای از چهره‌های برجسته ادبی و هنری از آن بیرون آمدند. دنبلی‌ها نیز خود کردهایی بودند بازمانده از نیروهای عهد صلاح‌الدین ایوبی که بعدها در اطراف خوی ساکن شده بودند. آن‌ها نیز دارای چهره‌هایی برجسته‌اند که نمونه‌اش عبدالرزاق مفتون دنبلی، شاعر و ادیب عصر فتح‌علی‌شاه و صاحب کتاب مآثر سلطانیه است. اینک زین العابدین مؤتمن:

زین العابدین مؤتمن نوه میرزا زین العابدین مؤتمن‌الاطبا، پزشک ناصرالدین شاه بود و در سال ۱۲۹۳ شمسی در محله پامنار تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در کالج آمریکایی، پیش از اینکه به دبیرستان البرز تغییر نام دهد و از مدیریت آمریکایی‌ها نیز خارج شود گذراند. خوب است بدانیم که تغییر نام کالج آمریکایی به دبیرستان البرز هم پیشنهاد زین العابدین مؤتمن بود که تا امروز هم این نام باقی است.

دکتر منوچهر ستوده - استاد مسلم جغرافیای تاریخی - که با مؤتمن در کالج هم‌کلاس بوده دو نکته شنیدنی درباره او دارد: «مؤتمن حرارت و جوششی داشت. باطناً طالب علم و حقیقت بود ولی میان معلمان موجود مدرسه کسی نبود که جوابگوی او باشد. دیگر



چنین است؛ به شهادت این افراد نام‌آور که نزد او تلمذ کرده‌اند: بهرام بیضایی (نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان)، نادر ابراهیمی (نویسنده و کارگردان)، محمدعلی سپانلو (شاعر و منتقد)، محمدعلی همایون‌کاتوزیان (استاد تاریخ)، داریوش آشوری (زبان‌شناس و مترجم)، محمود روح‌الامینی (مردم‌شناس)، مهدی محقق (استاد معارف اسلامی)، خسرو سینایی (مستندساز)، احمد اشرف (جامعه‌شناس)، عبدالله کوثری (مترجم)، هاشم رجب‌زاده (استاد زبان و فرهنگ فارسی مقیم ژاپن) و سید عبدالله انوار (دانشمند علوم اسلامی) و چه بسا نام‌آوران دیگری که ما آن‌ها را نمی‌شناسیم.

✕ مؤتمن رمان‌نویس، ادیب، صائب‌شناس ✕

مؤتمن جز اینکه معلم موفق بود، رمان‌نویس، ادیب، ناقد ادبی و پژوهشگری توانا بود، چنان‌که یحیی‌آرین‌پور، در کتاب ارزشمند «از صبا تا نیما» وی را از جمله نثرنویسان تأثیرگذار معاصر ایران دانسته و فصلی را به معرفی او اختصاص داده است.

مشهورترین رمان مؤتمن «آشیانه عقاب» در ۱۰ جلد است که آن را در هفده سالگی نوشت. این رمان شرح مبارزات اسماعیلیه به رهبری حسن صباح است و بارها به چاپ رسیده است. جز این، مؤتمن، احیا کننده صائب و سبک هندی در ایران بود، به‌طوری که حتی بر استاد بدیع‌الزمان فروزان‌فر – که دل‌بسته سبک خراسانی بود تأثیر گذاشت.

یکی از کارهای تأثیرگذار مؤتمن نقد جدی و جانانه او بر کتاب «خلقیات ما ایرانیان» اثر سید محمد علی جمال‌زاده بود. این کتاب در سال ۱۳۴۸ در انتشارات امیرکبیر چاپ شد و آن در زمانی بود که مؤتمن، از دبیرستان به «اداره نگارش کتاب وزارت آموزش و پرورش» انتقال یافته و در آنجا کارشناس کتاب‌های درسی شده بود و البته کتاب‌های عمومی

را نیز بررسی می‌کرد. مؤتمن وقتی خلقیات ما ایرانیان را خواند، بسیار ناراحت شد و نقد تندی بر آن نوشت، ولی نقد خود را منتشر نکرد بلکه آن را محرمانه برای جمال‌زاده به سوییس فرستاد و سال بعد نیز خودش به سوییس رفت و با جمال‌زاده ملاقات کرد. این نقد البته بعداً انتشار یافت. نقد مؤتمن کارساز بود و باعث شد خلقیات ما ایرانیان از چشم‌ها بیفتد. مؤتمن عقیده داشت که «جمال‌زاده هر فحش و دشنامی را که خارجی‌ها از روی غرض‌ورزی در مدت ۲۰۰ سال رفت و آمد به ایران نثار مردم ایران کرده بودند یک‌جا در این کتاب جمع کرده و به هم وطنانش تحویل داده است.» مؤتمن با چشم باز به جهان پیرامون خود می‌نگریست، از همین رو بسیار سفر کرد. خود گفته بود به جز یک استان، همه استان‌های ایران را دیده و در جهان نیز به همه کشورهای نیم‌کره شمالی سفر کرده است. حاصل این سفرهای او سه‌هزار اسلاید و ده ساعت فیلم است که از وی باقی مانده است. با این اوصاف، مؤتمن ازدواج نکرد و فرزندی از خود باقی نگذاشت. تنها خانه‌اش را به آموزش و پرورش هدیه کرد و کتابخانه‌اش را نیز به «کتابخانه صائب در اصفهان» بخشید؛ و بدون تعلق خاطر از جهان رفت. وی در آبان‌ماه ۸۴ در ۸۹ سالگی چشم از جهان فرو بست و در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

مؤتمن از معلمان خوشبخت روزگار خود بود تا آنجا که توجه فرهیختگان را به خود جلب کرد و در بزرگداشت وی صمیمانه کوشیدند. در سال ۱۳۸۱، در زمان حیات وی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برای او مراسم بزرگداشت برگزار کرد. در سال ۱۳۸۳، مجله بخارا یادنامه‌ای برای او تدارک دید. کتاب ماه ادبیات و فلسفه نیز در همان ایام ویژه‌نامه‌ای برایش انتشار داد و بالاخره مرتضی‌رسولی‌پور – پژوهشگر مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر – مصاحبه‌ای طولانی با وی انجام داد که در شماره‌های ۵۷، ۵۸ و ۵۹ فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران منتشر شده است.

پژوهش همگانی پژوهش نخبگانی

آرش بابایی

دبیر شیمی منطقه ۲ آموزش و پرورش تهران

دو نوع پژوهش

پژوهش‌ها را همانند ورزش می‌توان به دو دسته، پژوهش‌های همگانی و پژوهش‌های نخبگانی، تقسیم کرد. در پژوهش همگانی باید همه دانش‌آموزان مدرسه را درگیر کرد تا بتوانند با یک زبان واحد نتایج تحقیقات خود را بیان کنند، اما در پژوهش نخبگانی دانش‌آموزان برای دست یافتن به یک هدف خاص و با ادبیات تخصصی‌تر باید نتایج جست‌وجوگری خود را عرضه نمایند. در پژوهش، معمولاً اگر «پرسش» خوب مطرح شود، به مراتب اهمیت آن از «جواب» بیشتر است، زیرا هر «سؤال جدید» ممکن است بابتی جدید در علم ایجاد کند.

دانش‌آموزان پژوهشگر باید منابع خود را به‌خوبی بشناسند و بتوانند بر روی آن‌ها ارزش‌گذاری کنند. باید بتوانند مطالب را به‌خوبی دسته‌بندی و در مواقع لزوم از آن استفاده کنند. همچنین پژوهشگر همواره باید بتواند مطالب را تجزیه و تحلیل کند و ایده خود را به پیش ببرد.

ادبیات پژوهش

ادبیات پژوهش یعنی «بیان مطالب در چارچوبی صحیح همراه با پیش‌مطالعه و مستند که برای بیان آن تفکر شده است».

اهداف پژوهش در مدارس

ادبیات پژوهشی باعث ارتقاء مدرسه می‌شود و مزایای بسیار دارد از جمله:

- ۱ به دانش‌آموزان مستندسازی و مستند حرف زدن را می‌آموزد،
- ۲ روحیه جست‌وجوگری را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند؛
- ۳ مقاله‌نویسی و بیان مطالبی را که دانش‌آموز در ذهن دارد بهبود می‌بخشد؛
- ۴ ذهن دانش‌آموزان را به چالش می‌کشد و باعث ارتقاء فکری آن‌ها می‌شود؛
- ۵ اوقات فراغت آن‌ها را به شکل شایسته‌ای پر می‌کند؛
- ۶ باعث رضایت دانش‌آموزان از مدرسه می‌شود و مدرسه را برای دانش‌آموزان به محیطی لذت‌بخش تبدیل می‌کند؛
- ۷ باعث دیده شدن دانش‌آموزان می‌شود که خود باعث افزایش انگیزه و احساس رضایت آن‌ها می‌شود.
- ۸ موفقیت در مسابقات و جشنواره‌ها باعث ایجاد سابقه علمی و عملی برای دانش‌آموزان می‌شود و به آن‌ها در دستیابی به اهداف خود کمک می‌کند.
- ۹ پژوهش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا رشته دانشگاهی و در نتیجه شغل خود را با توجه به علایق و توانایی خود آگاهانه انتخاب کنند.
- ۱۰ اگر دانش‌آموزان موفق به کسب تندیس در جشنواره خوارزمی شوند می‌توانند از تسهیلات بنیاد ملی نخبگان بهره ببرند. [بخش‌نامه شماره ۱۰۴/۲۴۷۲۴۸ مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان، ۱۳۹۳/۱۲/۱۲]

عرصه‌های حضور پژوهشی در کشور

۱ جشنواره خوارزمی

به‌طور حتم جدی‌ترین عرصه پژوهشی کشور جشنواره خوارزمی است و بیشترین مخاطب را در بین دانش‌آموزان دارد. طی سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب ۲۳۹۷۶، ۱۹۱۹۱ و ۲۰۵۴۸ فقره طرح در جشنواره خوارزمی پذیرفته و در ۱۶ رشته به داوری آن‌ها پرداخته شد. [کتابچه طرح‌های برگزیده پانزدهمین جشنواره جوان خوارزمی - ۱۳۹۲] این جشنواره در ۱۶ رشته زیر برگزار می‌شود:

برق و الکترونیک	کامپیوتر	مکانیک	مکاترونیک	عمران	علوم زیستی و پزشکی	کشاورزی و منابع طبیعی	فیزیک و نجوم
نانو تکنولوژی	ریاضی	زبان و ادبیات فارسی	علوم دینی و قرآن پژوهی	علوم اجتماعی و روان‌شناسی	هنر و معماری	شیمی	زمینه‌های خاص علمی

جدول شماره ۱: رشته‌های جشنواره خوارزمی

مدارس معمولاً به‌دلیل مشکلات مالی وارد برخی از این عرصه‌ها نمی‌شوند، اگر رشته‌ها را به هشت رشته پرهزینه (برق و الکترونیک، مکانیک، مکاترونیک، عمران، علوم زیستی و پزشکی، فیزیک و نجوم، نانو تکنولوژی، شیمی) و هشت رشته کم‌هزینه (کامپیوتر، کشاورزی و منابع طبیعی، علوم دینی و قرآن پژوهی، علوم اجتماعی و روان‌شناسی، ریاضی، زبان و ادبیات فارسی، هنر و معماری، زمینه‌های خاص علمی) تقسیم کنیم نتایج آمار نشان می‌دهد که طرح‌های کم‌هزینه در مدارس بیشتر مورد اقبال بوده است. [کتابچه طرح‌های برگزیده پانزدهمین جشنواره جوان خوارزمی - ۱۳۹۲]

سال	پرهزینه	کم‌هزینه	
۱۳۹۰	۵۰/۴	۴۹/۶	کل طرح‌ها %
۱۳۹۱	۴۷/۴	۵۲/۶	
۱۳۹۲	۴۵/۸	۵۴/۲	
۱۳۹۰	۵۸/۸	۴۱/۲	راه یافته به کشوری %
۱۳۹۱	۴۷/۰	۵۳/۰	
۱۳۹۲	۴۴/۴	۵۵/۶	
۱۳۹۰	۳۸/۳	۶۱/۷	برگزیده کشوری %
۱۳۹۱	۴۴/۴	۵۵/۶	
۱۳۹۲	۳۳/۳	۶۶/۷	

جدول شماره ۲: مقایسه نتایج رشته‌های پرهزینه و کم‌هزینه

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد مدارس با سرمایه‌گذاری در رشته‌های کم‌هزینه می‌توانند در بخش مهمی از جشنواره خوارزمی حضور داشته باشند. رشته کشاورزی در مناطق روستایی بسیار مستعد برای کار دانش‌آموزان است و مدرسه می‌تواند با جهت‌دهی دانش‌آموزان در این قسمت بسیار تخصصی شرکت کند و به دستاوردهای مناسبی برسد.

۲ جشنواره‌های موضوعی

جشنواره‌های موضوعی با توجه به رشته‌های مختلف و ستاد برگزارکننده متفاوت است و از جمله می‌توان به نمایشگاه بین‌المللی نانو، جشنواره کشوری دانش‌آموزی نانو، جشنواره تبیان، جشنواره‌های وزارت نیرو، جشنواره‌های ایده‌های برتر و... اشاره کرد.

از مهم‌ترین دستاوردهای این جشنواره‌ها، می‌توان به تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر و در معرض داوری قرار گرفتن آن‌ها اشاره کرد. دانش‌آموزان با شرکت در این جشنواره‌ها، به‌ویژه اگر با کسب موفقیت همراه باشد، انگیزه‌ای دوچندان پیدا خواهند کرد. جشنواره‌های منطقه‌ای با هزینه پایین می‌توانند قسمتی از این اهداف را برآورده کنند اما جشنواره‌های کشوری نیاز به بودجه‌های بسیار زیادی دارد تا بتوان دانش‌آموزان را سازماندهی کرد.

۳. مسابقات

این مسابقات بسیار گسترده است و اهمیت آن‌ها نیز متفاوت است و بیشترین مخاطب را در رشته‌های مهارتی دارد. بیشترین متقاضیان این مسابقات داوطلبان رشته‌های ریاضیات، هوافضا، IYPT و سازه‌های ماکارونی هستند. از معتبرترین این مسابقات IRAN OPEN در ریاضیات، مسابقات شریف و امیرکبیر در هوافضا، کفا و PYPT در پدیده‌های فیزیکی و... می‌باشد. از مشکلات این مسابقات **هزینه‌های بسیار سنگین** برای آماده کردن طرح‌ها جهت حضور در مسابقات است. در این مسابقات معمولاً یک مأموریت تعریف می‌شود و دانش‌آموزان دست‌سازه‌های خود را باید در جهت تحقق آن مأموریت بسازند، نقطه ضعف این شیوه آن است که عاملی می‌شود تا خلاقیت در پروژه‌ها به حداقل خود برسد و بیشتر فعالیت بچه‌ها در ساخت ایده دیگری خلاصه شود. مشکل بزرگ سایر مسابقات در این زمینه‌ها این است که معمولاً ستاد برگزاری خود دارای تیم است و لذا معمولاً داورها بسیار دچار تردید و بحث‌انگیز می‌شود و این سؤال را بسیار پررنگ می‌کند که «حضور در کدام یک از این مسابقات در راستای اهداف مدرسه است؟» پاسخ به این پرسش نیازمند تحقیق بیشتر و مشورت با متخصصین هر یک از این رشته‌ها است.

روش‌های پیشنهادی

۳. استفاده از استاد راهنما و استاد مشاور

یکی از مشکلات پژوهش در مدارس تک‌معلمی بودن آن است که اگر به هر دلیلی اشتباهی از جانب استاد راهنما صورت بگیرد این اشتباه تا انتهای پژوهش مشخص نمی‌شود. در مواردی دیده شده است که یک سؤال بسیار مهم که باید در همان اول پروژه به آن جواب داده شود تا انتهای پروژه نادیده گرفته می‌شود و این امر می‌تواند باعث شکست پروژه گردد. برای بهبود روند کار می‌توان از معلمان مدرسه به‌عنوان مشاور بهره برد.

۱. انجام پژوهش‌های مهارت‌محور به جای پژوهش‌های خلاقیت‌محور

پس از بررسی پژوهش‌های مهارتی چند نکته قابل توجه است، این پژوهش‌ها **بسیار هزینه‌بر** هستند، از این‌رو، معمولاً در مسابقات **تکرار** ایده رخ می‌دهد. اگر دانش‌آموزان بتوانند ابتدا مشکلی را در نظر بگیرند و ایده‌ای برای حل آن پیشنهاد کنند می‌توانند با صرف هزینه کمتر نتایج بهتری کسب نمایند.

۴. برگزاری کارگاه‌های ترویج ادبیات پژوهش (اهمیت، مقاله‌نویسی، ارائه و...)

یکی از اهداف پژوهش در مدارس به راه افتادن ادبیات پژوهشی است، البته برخی از فاکتورهای آن نیاز به آموزش دارد که می‌توان این موارد را در قالب یک کارگاه آموزشی ایجاد کرد. برای این امر می‌توان از حضور استادان متخصص بیرونی و یا از دبیران ارزشمند مدرسه بهره برد.

کلام آخر

مدارس در هر گوشه از ایران عزیزمان و با هر توان مالی می‌توانند پژوهش‌هایی را در مدرسه راه‌اندازی کنند و با تحقق این امر مهم نیروی انسانی کارآمدی را تحویل کشور دهند.

۲. تغییر هدف‌گذاری در نتایج مسابقات بیرونی و برگزاری مسابقات درونی

مدرسه می‌تواند با برگزاری مسابقاتی مانند نجات تخم‌مرغ، داستان‌نویسی، پل ماکارونی و... درون مدرسه شور و اشتیاق را در عموم بچه‌ها ایجاد کند و این امر باعث احساس نیاز دانش‌آموزان به ادبیات پژوهشی می‌گردد. به راه انداختن این مسابقات درون‌مدرسه‌ای با حداقل هزینه می‌تواند باعث **نشاط** جمعی در بین دانش‌آموزان شود و از مشکلات مسابقات بیرونی مانند ناداوری و یا ساخت غیر دانش‌آموزی جلوگیری کند. البته این مهم نیازمند توجه مدرسه است. هر قدر مدرسه این مسابقات را جدی بگیرد، دانش‌آموزان در آن حضور پررنگ‌تری خواهند داشت. به‌عنوان مثال، با برپایی کارگاه داستان‌نویسی، اصول آن گفته شود و در ادامه به دانش‌آموزان فرصت داده شود تا داستان‌های خود را ارائه دهند. به این ترتیب علاوه بر کمک به رشد و شکوفایی استعداد آن‌ها می‌توان زمینه چاپ داستان‌ها را نیز فراهم کرد و همچنین دانش‌آموز می‌تواند با همین داستان‌ها در جشنواره خوارزمی شرکت کند.

نقش ارتباط در آموزش زبان

چگونگی اعتبار بخشیدن به ارزش «ارتباط» در آموزش زبان

دکتر فرشته آل حسینی

مقدمه

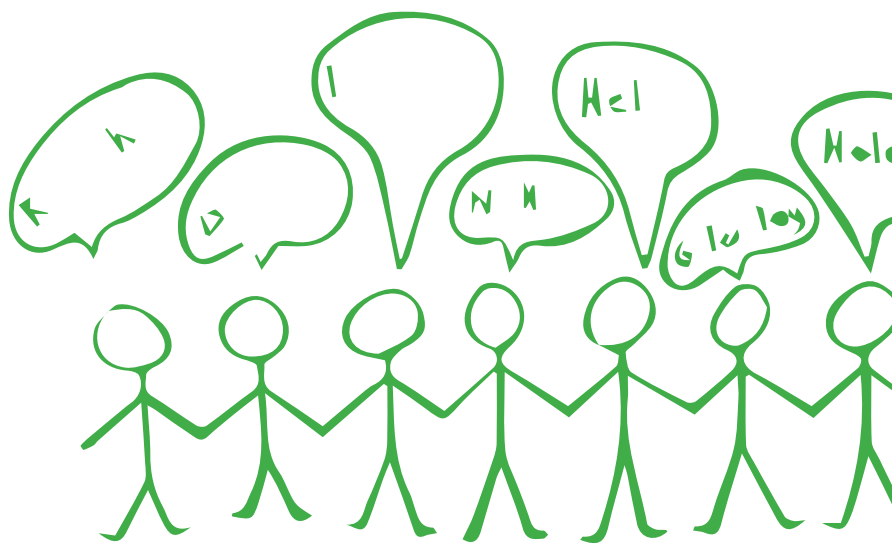
حضور در جلسات اعتباربخشی کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هشتم، که با هدف ارزیابی دستاورد مؤلفان توسط معلمان متخصص در محل دفتر تألیف کتب درسی برگزار شد، برای من فرصتی بود که بتوانم از نگاه رشته تخصصی خودم، یعنی فلسفه تربیت، این نشست را نظاره کنم. آنچه می‌خوانید، برداشت‌ها و تحلیلی از آن جلسات است که به قالب ارزیابی پیشنهاد درآمده است. این ارزیابی بر هدف «ارتباط» در آموزش زبان تأکید می‌کند؛ یعنی هدفی که در آموزش زبان، باید برای آن، در مسیر دستیابی به غایت تربیت از طریق کتاب درسی ارزش و اعتباری بیشتر قائل شد.



هدف ارتباط

بدترین مشکل که به نظرم «تناقض» است، رخ می‌دهد. منظورم از اینجا وضعیتی است که در آن حساسیت به یک امر ویژه طوری است که با وارد شدن آن به مدار ذهن، گویی عوامل دیگر را از مدار ذهن خارج می‌کند. این امر یا عامل ویژه در اینجا «فرهنگ» است. در خصوص این کتاب نیز، وقتی من در مقام ارزیاب، عامل «فرهنگ» را وارد مدار ذهن خودم می‌کنم و به کتاب می‌نگرم (البته به کلیات آن)، متوجه می‌شوم که انگار همه چیز مرتب است و کتاب زبان انگلیسی پایه هشتم «بومی‌سازی» شده است. اما، به محض اینکه همزمان عامل «ارتباط» را وارد مدار ذهن می‌کنم و بار دیگر به کتاب می‌نگرم، متوجه معایب بدی می‌شوم. این «معایب بد» همان «تناقض» است که در بالا به آن اشاره شد.

در اینجا، به اقتضای رشته‌ام، با دیدی کلی‌نگر کتاب درسی تازه تألیف زبان انگلیسی پایه هشتم را مورد ارزیابی تربیتی قرار می‌دهم و تلاش می‌کنم، مشکلی را که معلمان متخصص آموزش زبان، به طرق مختلف سعی در بیان آن داشتند اما در بیان روشن آن ناکام ماندند به شکلی دیگر مورد تحلیل قرار دهم. در شروع مطلب به حساسیت و دغدغه فرهنگی مؤلفان کتاب درسی مورد نظر اشاره می‌کنم. تجربه شخصی من در تحقیق نشان می‌دهد که، برخلاف انتظار، وقتی حساسیت نسبت به چیزی زیاد می‌شود، به همان اندازه نیز، ممکن است میزان خطا افزایش یابد. واقعاً عجیب است. در حساسیت بالا، با اینکه میزان دقت و تمرکز بالاست و انتظار می‌رود مشکلی جدی رخ ندهد، اما



«ارتباط» ضرورتاً دو سو، و بیشتر، دارد. در درس زبان نیز ارتباط مورد نظر، بی‌شک ارتباط با موجودات غیرفرهنگی منفعل یک سو و دو گوش بی‌زبان نیست، بلکه هدف آن ارتباط با موجودات فرهنگی فعال یک سو و دو گوش زبان‌دار و افراد حاضر در دنیای فرهنگی انگلیسی زبان است. به عبارت دیگر، ارتباط «من» فارسی‌زبان فرهنگ‌دار، یا دقیق‌تر بگوییم، فرهنگی، با «دیگری» انگلیسی‌زبان فرهنگی است. بنابراین، نه تنها «او» باید در فضا و بافت فرهنگی من قرار بگیرد تا معنای زبان من را بفهمد و ارتباط برقرار بشود، بلکه «من» نیز باید در فضا و بافت فرهنگی او مستقر شوم تا معنای زبان او را بفهمم.

همچنین، اشاره به «هدف ارتباط» در آموزش زبان، اشاره به «تعامل» با «غیر» یا «دیگری» است. پس، کافی نیست که رویکرد ارتباطی ما صرفاً «خودباورانه» باشد، بلکه لازم است، برای مخدوش نشدن هدف ارتباط، «خودمحورانه» هم نباشد؛ اما بدبختانه هست! اگر به عناوین دروس رجوع کنیم، متوجه مخدوش شدن هدف ارتباط می‌شویم: ملیت من؛ برنامه هفتگی من؛ توانایی‌های من؛ سلامتی من؛ شهر من؛ و غیره. اما، اگر به محتوای مکالمات رجوع کنیم، متوجه مخدوش شدن کامل «هدف ارتباط» می‌شویم. زیرا فعال شدن «من» به معنای منفعل شدن کامل «دیگری» تصور شده است، زیرا خودمحوری بر فضای درس حاکم است. اثری از عناصر فرهنگی زبان هدف نمی‌یابیم. طرف‌های مکالمه، به ویژه در جایی که از دو فرهنگ متفاوتند (مثل مکالمات حمید و سم یا مکالمه فانیندرا و مرتضی)، در حال تعامل (interaction) نیستند؛ یکی فعال است، دیگری منفعل و پذیرنده. بدین ترتیب، گویی بچه‌های ایرانی آموزش می‌بینند که «خود» را به «دیگری» بشناسانند بی‌آنکه نیازی به شناخت دیگری داشته باشند. این در حالی است که در زندگی و ارتباطات واقعی اصل بر تعامل و بده بستان است، یعنی حتی شناساندن خود به دیگری مستلزم قرار گرفتن در فضای تعامل، درک متقابل و همدلی است.

❖ چه باید کرد؟

در نتیجه، اگر آموزش زبان را به دلیل کارکرد ارتباطی‌اش سودمند و لازم تشخیص داده‌اید، پس به لوازم آن هم، که یکی «بافت فرهنگی» و دیگری عامل بودن «دیگری» است، توجه شایسته نشان بدهید و تا این حد متن را از عناصر فرهنگی که این زبان بدان تعلق دارد، پیراسته، و «خودمحورانه» نکنید. نباید بافت فرهنگی زبان هدف را تا این حد خنثی یا زائد تصور کرد. این تجربه‌ای است که قبلاً آزموده شده و خطا بودن آن محرز گردیده است. منظوم اشاره به زمانی است که منتقدان در اوج رواج CLT متوجه شدند

مثلاً می‌بینم از یک سو، رویکردی به نام «رویکرد ارتباطی» برای آموزش زبان اتخاذ شده است، اما از سوی دیگر با دقت و حساسیت بالای بومی و فرهنگی دروسی طراحی شده‌اند که مسیر اصلی «ارتباط» یعنی فرهنگ را مسدود کرده‌اند و کاملاً پیراسته از فرهنگی هستند که زبان هدف بدان تعلق دارد. به نظرم، این یک جراحی و پیوند ناموفق و از آن بدتر یک تناقض آشکار است. زیرا، تار زبان را نمی‌توان به سادگی از بافت فرهنگی که بدان تعلق دارد کشید، و در بافت فرهنگی دیگر تنید و تازه انتظار کارکرد درست ارتباطی هم از آن داشت.^۱ نتیجه اینکه این پیوند، به اصطلاح، پس می‌زند. در کتاب زبان هشتم، به نظر می‌رسد این تناقض به دو صورت رخ داده است: ۱. خود «ارتباط» به عنوان «هدف» فراموش شده است؛ و ۲. «هدف ارتباط» در آموزش زبان، ابتدا مخدوش و سپس محو شده است. بگذارید قدری بیشتر توضیح بدهم.

❖ رویکرد ارتباطی از نظر تا عمل

همگان تأیید می‌کنند که درس‌ها و مکالمه‌هایی که در این کتاب تدارک دیده شده، براساس رویکرد ارتباطی است، یعنی، دست کم در حوزه نظر، قصد دارد زبان را در یک فضا یا موقعیت پراگماتیک ارتباط مدارانه (یا تجربه زبان در زندگی واقعی) آموزش بدهد. اما آنچه باید دوباره پرسیده شود، این است که خود ما با آموزش زبان انگلیسی با رویکرد ارتباطی خودباورانه و فعال چه هدفی را دنبال می‌کنیم؟ یقین دارم، مؤلفان با اتخاذ رویکرد ارتباطی قصد ندارند فارسی‌زبانان از طریق زبان انگلیسی با خودشان ارتباط و تعامل برقرار کنند. بلکه می‌خواهند دانش‌آموزان با تجهیز به مهارت‌های اصلی زبان هدف با دنیای انگلیسی زبان ارتباط برقرار کنند، و مثلاً بتوانند امروز یا در آینده با مردمان «دیگر» در موقعیت‌های واقعی یا مجازی تعامل کنند یا در دانشگاه از محصولات فرهنگی آن‌ها مثل کتاب و مقالات علمی بهره‌برداری کنند. بنابراین، کافی نیست که «ارتباط» فقط به عنوان «وسیله» در نظر گرفته شود، بلکه باید به عنوان «هدف» نیز مورد توجه شایسته قرار گیرد. در غیر این صورت، فلسفه آموزش زبان انگلیسی در برنامه درسی مدارس غیرقابل توجیه می‌شود.

در این رویکرد به یک عامل مهم توجه نشده است و آن زمینه (context) است.^۲ البته منظور منتقدان از «زمینه»، بافت فرهنگی زبان اول یا «بومی» یعنی همان زمینه‌ای است که آموزش و یادگیری در آن رخ می‌دهد. اما این خطا برای ما وارونه رخ داده است، یعنی نسبت به بافت فرهنگی بی‌توجهی شده است ولی نسبت به «بافت فرهنگی زبان دوم» یا «هدف»؛ و این خطایی به مراتب بدتر از خطای اولی است.

❖ استدلال معیوب!

این استدلال که کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی در سراسر دنیا مروج فرهنگ غربی هستند، پس ما باید ساخت آموزش زبان انگلیسی در کشورمان را از آثار این فرهنگ بزدااییم، استدلالی معیوب است، و عواقبش دامان آموزش هر زبان، حتی آموزش زبان فارسی را می‌گیرد. زیرا، به سادگی می‌توان شبی را تصور کرد که اعضای دیپارتمان‌های زبان فارسی، مثلاً در دانشگاه پاریس، سوربن یا جاهای دیگر، همزمان سردی‌شان می‌کند. صبح از خواب برمی‌خیزند، و با همین استدلال معیوب تصمیم می‌گیرند ساخت آموزش زبان فارسی را که دارند آموزش می‌دهند از مظاهر فرهنگ ایرانی بزداایند. بدین ترتیب، علاوه بر اینکه چهره‌ای اغراق‌آمیز، مضحک و نامعقول از آن به نمایش می‌گذارند، فلسفه وجودی‌اش را که همانا امکان شناخت، ارتباطات، داد و ستد و مواجهات فرهنگی است مخدوش می‌کنند. درست شبیه کاری که ما به اسم دغدغه فرهنگ و بومی‌سازی قرار است با آموزش زبان‌های دیگر در مدارس بکنیم. بنابراین روشن است که پیراستن متن کتاب‌های درسی زبان انگلیسی از تمام مظاهر فرهنگ غربی، که (حتی به مظاهر عالی آن) تعمیم یافته است، نه تنها فلسفه وجودی آموزش زبان انگلیسی (ارتباطات، تعاملات و مواجهات فرهنگی) را بی‌معنا می‌سازد، بلکه به وضوح صحنه‌ای از جبهه‌گیری فرهنگی را می‌گشاید که خود حاکی از یک نقض غرض آشکار است. زیرا از یک سو ادعای ایجاد ارتباط و تعامل داریم، ولی از سوی دیگر با حذف کامل مظاهر غربی، در عمل نشان می‌دهیم که جبهه گرفته‌ایم.

❖ سخن آخر

پیشنهاد این است که در کتاب‌های درسی زبان، با آراستن متن‌ها به مظاهر عالی هر دو فرهنگ ایرانی و غربی، زمینه آموزش ضمنی مواجهات فرهنگی سالم را برقرار سازید. شما می‌دانید که ارزش‌هایی مثل غرور ملی، افتخار و مباهات به فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی و مانند این‌ها، به حد کافی و گاه تا حد اشباع، در درس‌های تاریخ، ادبیات و مطالعات اجتماعی ترویج می‌شوند، که این البته مختص ایران هم نیست. پس

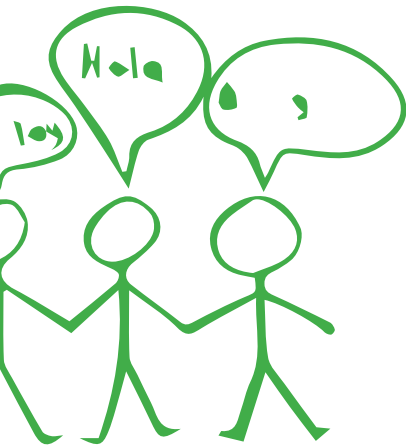
مناسب‌تر آن است که ماده درسی زبان انگلیسی، برای نیل به هدف، جایی برای آموزش ارزش‌های سودمند به حال ارتباطات و تعاملات انسانی با ملل دیگر باشد، نه فقط وسیله‌ای شود برای ابراز غرور ملی یا فرهنگ‌مدنی (dignity) که در ذات خود تمایز و جدایی (distinction) را حمل می‌کند. منظورم ارزش‌هایی است که هم در فرهنگ پیش از اسلام و هم در فرهنگ پس از اسلام ایران ریشه دارند، و انگیزه‌های مواجهات و ارتباطات همدلانه فرهنگی را تقویت می‌کنند، مثل احترام به مظاهر عالی علمی، دینی، فرهنگی، اخلاقی و هنری ملل دیگر، تواضع، مهمان‌نوازی، خوشرویی، دوستی، برادری، صلح و هم‌زیستی، فهم و شناخت خود از طریق فهم و شناخت دیگری، و همدلی در عین ناهم‌بانی.

در خاتمه باید بگویم، یکی از توفیقات شرکت من در جلسات متخصصان آموزش زبان (شامل معلمان، مؤلفان و برنامه‌ریزان درسی) این بود که کنجاو شدم بفهمم، بنیادهای فلسفی و نظری رویکرد ارتباطی CLT چیست. گرچه این کنجاوی سطحی و گذرا بود، اما کمک کرد، برخی مطالب مبهم برایم روشن‌تر و معنادار شوند. از جمله علاوه بر، اینکه فهمیدم رویکرد ارتباطی، تحت تأثیر نظریات یادگیری پیشرفت‌گرا و مطالعات زبان‌شناسانی چون چامسکی و فیلسوفانی چون هابرماس و بسیاری دیگر دائماً متحول شده است، به نقل قول‌های تأمل‌برانگیزی درباره زبان برخورد کردم که اشاره به یکی از آن‌ها در پایان سخن خالی از لطف نیست. زیرا به نظرم، با هدف آموزش زبان (ارتباط) بی‌ارتباط نیست؛ و از قضا با غایت تربیت (کمال) نیز مرتبط است. البته با تفسیری که من از آن می‌کنم، و نه لزوماً بر طبق مقاصد مؤلف.

ژان بودریار، فیلسوف و جامعه‌شناس سرشناس فرانسوی، در جایی در خاطرات سرد (۱۹۸۷) خود می‌نویسد:

«اگر همه چیز کامل بود، زبان بی‌مصرف می‌شد. این سخن برای حیوانات صادق است. اگر حیوانات سخن نمی‌گویند، بدین دلیل است که همه چیز برایشان کامل است. اگر آن‌ها روزی شروع به سخن گفتن کنند، بدین سبب خواهد بود که دنیا [ی‌شان] حالت کمال [اش] را از دست داده است.» (بودریار، ۱۹۹۰، ترجمه ترنر، ص ۸۴)^۳

اگر واقعیت داشته باشد، و زبان واقعاً برای ما انسان‌ها بی‌مصرف نیست، بدین معناست که دنیای‌مان کامل نیست. احتمالاً یک طریق این است که آن را با به کمال رساندن تعاملات زبانی به کمال برسانیم. پس، آموزش زبان می‌تواند بیهوده نباشد، به شرطی که با ادا کردن سهم خود در به کمال رساندن تعاملات زبانی انسانی در خدمت غایت تربیت، یعنی «کمال» قرار بگیرد.



❖ رنوش

۱. این حکم استعاری را با برخی نظریه‌های پساساختارگرا در حوزه فلسفه، زبان‌شناسی، فلسفه زبان و حتی نظریات یادگیری زبان در روان‌شناسی می‌توان پشتیبانی کرد، که جای پرداختن بدان‌ها در اینجا نیست.

به عنوان نمونه، نک:

2. Swan, M. (1985). A critical look at the Communicative Approach (1) *English Language Teaching (ELT)*, 39(1).
3. Baudrillard, J. (1990). *Cool Memories* (C. Turner, Trans.). UK: Verso. (Original Work Published 1987).

جایگاه معلمان در تیمز

مریم محمد مهدی نوری
کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی

البته، همواره و در همه جا و برای همه معلمان، شرط سابقه و تجربه کاری بدون توجه به پویایی، نوآوری، ابتکار و خلاقیت کافی نیست، بلکه، کیفیت تجربه و نحوه گذران سال‌های تدریس و ملاک‌های ارتقای شغلی با توجه به اهداف، انتظارات و عملکردهای آموزشی بسیار مهم است. به همین دلیل برخی از نتایج تیمز نشان می‌دهد، در تعدادی از کشورها، معلمان جوان‌تر و کم سابقه‌تر اما با رضایت شغلی و خلاقیت و ابتکار در ارائه روش‌های تدریس فعال و انگیزه تعامل با دانش‌آموزان بسیار کارآمدتر از معلمان مسن‌تر و با سابقه‌تر هستند.

۳. هر قدر رضایت شغلی معلمان بیشتر باشد، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نیز بیشتر می‌شود. اما نباید از یاد برد که اگر رضایت‌مندی شغلی معلمان درونی نباشد و صرفاً از طریق مشوق‌های مادی و سازوکارهای بیرونی فراهم شده باشد، این تأثیر معنی‌دار نخواهد بود. زمانی که معلمان به عنوان مهم‌ترین رکن تغییر و تحول نظام آموزشی و رضایت‌مندی درونی شغلی، در تعامل با دانش‌آموزان روش‌های تدریس فعال و مؤثر در فرایند یاددهی یادگیری را به کار نگیرند، هرگونه طرح و برنامه و راهکار و پیشنهادی برای اصلاح و تغییر وضع موجود ناکام و ناکافی به نظر می‌رسد.

برخی بر این باورند که بیش از هر چیز و بیش از هرگونه تحلیل و تفسیری از عوامل پنهان و آشکار این برتری، باید افزون بر عوامل انگیزشی معلمان و دانش‌آموزان، به خصیصه‌های ملی و فرهنگی آن کشورها نیز توجه کرد؛ سایر عوامل از جمله امکانات و منابع آموزشی، محتوای کتاب درسی، میزان ساعات آموزشی، تخصص و تجربه معلمان، تجهیزات سخت افزاری و روش‌های آموزشی در تعامل با مؤلفه‌های انسانی زمانی معنا می‌گیرند که زمینه‌های اجتماعی و نگرشی فراهم باشد.

معلم به عنوان یکی از ارکان آموزش و پرورش، در کیفیت آموزش و در نتیجه یادگیری نقش مؤثری دارد. براساس پژوهش‌های حوزه آموزش و پرورش، «کیفیت تدریس» در افزایش میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا می‌نماید. در اینجا به نقش تأثیرگذار معلم براساس نتایج تیمز می‌پردازیم.

۱. نقش معلمان و آموختن مهارت‌های «تدریس فعال» به آن‌ها در کارایی نظام آموزشی مؤثر است. البته هر آموزشی در هر شرایطی نمی‌تواند برای معلمان کارساز و اثربخش باشد. معلمانی که در برابر روش‌های تدریس سنتی اصرار دارند از انگیزه لازم برخوردار نیستند و براساس نیاز حرفه‌ای در دوره‌های آموزشی شرکت نمی‌کنند، پس هرگونه سرمایه‌گذاری و صرف هزینه برای آموزش آن‌ها نه تنها اثر مثبت و سازنده ندارد، بلکه ممکن است موجب دل‌زدگی و نارضایتی بیشتر آن‌ها نیز شود. **کمنیوس**، فیلسوف بزرگ تعلیم و تربیت، معتقد است که اگر معلم از جان و دل عشق به کار خود نداشته باشد، هر قدر بیشتر آموزش ببیند خطرناک می‌شود. بنابراین، تا زمانی که معلمان مدارس به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی شور و نشاط و هنر معلمی نداشته باشند، دانش‌آموزان نیز در انگیزه پیشرفت و کسب دانش و معرفت از شور و شوق باز می‌ایستند.

بنابراین، آنچه مهم و تعیین‌کننده است، کیفیت محتوای آموزش، کیفیت روش‌های آموزش، و کیفیت مشارکت و مداخله فعال و مشتاقانه معلمان در فرایند آموزش است. در چنین شرایطی است که یافته بین‌المللی در سطح ملی و شرایط بومی نیز قابلیت تعلیم خواهد داشت.

۲. سابقه و تجربه معلمان با کارایی و عملکرد مثبت آن‌ها در فرایند یاددهی - یادگیری رابطه دارد.

* منابع

۱. بیرمی پور، علی و دکتر محمد جواد لیاقت‌دار. فصل‌نامه تعلیم و تربیت. شماره ۱۰۰.
۲. شعبانی، زهرا. آزمون‌های جهانی تیمز و پرلز. ماهنامه رشد آموزش راهنمایی تحصیلی. شماره ۳. آذر ۹۰.
۳. گزارش بین‌المللی علوم ۲۰۰۳. نمایه ۶۲.
۴. گزارش بین‌المللی ریاضیات تیمز ۲۰۰۳. نمایه ۶۲.
۵. کریمی، عبدالعظیم. آنچه «باید» و «نباید» از نتایج تیمز و پرلز انتظار داشت.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نواآموز برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد پرهیز برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد چراغ برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir



عبدالله آستین

آیا در حالی که برای اجابت خواسته‌های پرشمار فرزندان خود تلاش می‌کنید، به این موضوع اندیشیده‌اید که آن‌ها به دلیل تغییر شرایط زندگی، دیگر نمی‌توانند همانند نسل گذشته، عصای دست شما در هنگام پیری باشند؟ آیا بهتر نیست اندکی از هزینه‌های غیرضروری کاسته و آن را برای روزهای سخت آتی کنار بگذارید؟ این شیوه با خرید بیمه عمر تبدیل به گزینه‌ای بسیار مناسب‌تر از آنچه در ابتدا تصور می‌کنید، می‌شود. ادامه مطلب را مطالعه کنید تا دریابید چگونه چنین امری ممکن است.

همان‌طور که وقتی اتومبیل خود را بیمه می‌کنید، این اتومبیل شماست که در مقابل خطرات معینی بیمه شده است، در بیمه‌های عمر آنچه بیمه می‌شود، بدن یا سلامت بدنی شما در برابر خطراتی مانند مرگ یا از کار افتادگی زودرس است. شرکت‌های بیمه برای مقابله با عواقب مالی این گونه خطرات، سه نوع بیمه عمر عرضه می‌کنند که به‌طور مختصر با هر یک آشنا می‌شویم:



بیمه عمر به شرط فوت



در این حالت، تعهد شرکت بیمه این چنین است: در صورتی که بیمه شده پیش از مدت معینی فوت کند، مبلغ توافق شده‌ای را به خانواده‌ای بپردازد. برای مثال، اگر فردی چهل ساله بیمه عمر به شرط فوت ده ساله‌ای خریداری کند، با این شرایط که بیمه‌گر مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان بپردازد، چنانچه در مدت این ده سال فوت کند، بیمه‌گر مبلغ تعهد شده را به خانواده وی پرداخت خواهد کرد. بنابراین، در این حالت با محاسبه میزان درآمد آینده می‌توان با خرید بیمه عمر، درآمد آتی خانواده را حتی پس از فوت تضمین کرد. این نوع بیمه را به نام‌های دیگری چون بیمه عمر زمانی یا بیمه عمر موقت نیز می‌خوانند.

بیمه عمر به شرط حیات



در این حالت، تعهد شرکت بیمه این چنین است: در صورتی که بیمه‌شده در مدت معینی فوت نکند، مبلغ توافق شده‌ای را به او بپردازد. برای مثال اگر فردی چهل ساله بیمه عمر به شرط حیات ده ساله‌ای خریداری کند، با این شرایط که بیمه‌گر مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان بپردازد، چنانچه در پایان ده سال فوت نکند، بیمه‌گر مبلغ تعهد شده را به وی پرداخت خواهد کرد. در این حالت، فرد سرمایه‌ای را برای آینده خویش اندوخته می‌کند و برای مثال هنگام بازنشستگی، ازدواج فرزندان و... می‌تواند از این پول استفاده کند. این نوع بیمه نیز برحسب نیاز مردم در طرح‌های تجاری مختلف و با نام‌های متنوعی چون بیمه جهیزیه، بیمه تحصیل فرزندان و... عرضه می‌شود.

بیمه عمر و سرمایه‌گذاری



این نوع بیمه ترکیبی است از دو نوع بیمه قبلی؛ بدین معنی که در این حالت، تعهد شرکت بیمه آن است که در پایان مدت معینی چه بیمه‌شده فوت کند و چه فوت نکند، مبلغ توافق شده‌ای را به او یا خانواده‌اش بپردازد. برای مثال اگر فردی چهل ساله بیمه عمر و سرمایه‌گذاری ده ساله‌ای خریداری کند، با این شرایط که بیمه‌گر مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان بپردازد، در پایان مدت بیمه‌نامه، شرکت بیمه ۱۰۰ میلیون تومان را به وی یا خانواده‌اش پرداخت خواهد کرد. این نوع بیمه مزایای هر دو بیمه‌نامه عمر به شرط حیات و عمر به شرط فوت را دارد؛ یعنی هم خطر فوت سرپرست خانوار و هم نیاز مالی آتی، در این نوع بیمه توسط شرکت بیمه پوشش داده می‌شود. البته بدیهی است که این نوع بیمه نسبت به دو نوع دیگر، حق بیمه بیشتری نیز دارد. بنابراین، قبل از خرید بیمه عمر، نیازهای مالی آتی خود و خانواده‌تان را در نظر بگیرید و با یک کارشناس بیمه مشورت کنید؛ چرا که طرح‌ها و بیمه‌نامه‌های مختلفی وجود دارد که انتخاب مناسب‌ترین آن‌ها براساس نیازهای شما، کار ساده‌ای نیست.



دولت و ملت، همدلی و هم‌زمانی

رشد را بشناس

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سدره آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۹۲ ۷۷۳۳۳۳۱۱. لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

عنوان مجلات در خواستی:

.....

- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:
- استان:
- شهرستان:
- خیابان:
- پلاک:
- شماره پستی:
- شماره فیش بانکی:
- مبلغ پرداختی:

اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- تلفن امور مشترکین: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳ و ۷۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۶۶۵۶-۲۱

- هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال
- هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال